



تیرها

حزبی برای سقوط



بعد از ظهر یکشنبه یازدهم اسفند ۱۳۵۳، شاه آزوی زیر خاکستر مانده خود را آشکار کرد و با اعلام انحلال همه احزاب، از تأسیس یک حزب واحد به نام رستاخیز خبر داد که همگان ملزم به عضویت در آن بودند.

۴

مترجم‌ها چطور
یک کتاب برای ترجمه
انتخاب می‌کنند؟

نگاهی به دو مترجم نامی ایرانی
و شیوه‌های کارشان

۸

گزارشی از بازار تلفن هوشمند
در دنیا و ایران
گوشی‌های هوشمند پرتره
شفاف و وابستگی فناوری



۲۲

گزارشی از جایگاه مدرسه در
همراهی با تغییرات جسمی و
روحي دختران نوجوان

دختران ایمن
معلمان آگاه

تقدیم به همه دختران نوجوان
عزیزی که آینده‌ساز و مایه افتخار و
غرور ایران سرفراز اسلامی هستند.

۱۳

گزارشی از وضعیت مجریان
صدا و سیما
قد و قواره برنامه‌سازان
کوتاه شده است



۲۸

قمار هالیوود
روی اوپنهاইمر

«اینک من خود مرگ شده‌ام...
ویرانگر دنیاها» این یک خطی فیلمی
است که برخی آن را مهم‌ترین فیلم
قرن حاضر تا به اینجا نامیده‌اند.
پرتره‌ای از یک فیزیکدان آمریکایی
که برای آمریکا پروژی و برای جهان
یک تراژدی را خلق کرد.



۲۳

آخر هفته مهمان پرونده انتخاباتی تحریریه ایران جمعه باشید

صبح جمعه باشما



۲۱

تأملی بر «سهمیه جنسیتی» در لیست‌های انتخاباتی

زن و انتخابات

در گفت‌وگوی تفصیلی ایران جمعه با علی مطهری مطرح شد

۳۰

رأی ندادن اشتباه است

انتخاب کردن حق همه ماست

۱۷

بی تفاوت نباشیم

نقش تاریخی مردم

۲

و مجلس



تاریخ

برای تأسیس مجلس وکلای تجار شدند. این مجلس نیز پیش از هر چیز رگه‌های ترجیح خواص بر مردم را داشت و هرچند گام مفیدی در ایجاد نگاه اصلاح طلبانه در چشم انداز سیاسی ایران پادشاهی داشت اما با این حال رأی و نفع عمومی در آن در نظر گرفته نمی شد.

مشروطه مجلسی با قید و شرط

انقلاب مشروطه تحولی اساسی در نظام پادشاهی ایجاد کرد هرچند مسیر اصلی این پدیده اجتماعی منحرف شد اما مصلحت اجتماعی نخستین بار در مشروطه که علمای دینی سر دمدار آن بودند مورد توجه جدی واقع شد، احمد کسروی تاریخ تشکیل اولین مجلس ملی ایران را مرتبط با انقلاب مشروطه می داند که فرمان تشکیل آن در روز ۱۴ مرداد ۱۲۸۵ توسط مظفردالدین شاه امضا شد، نظام نامه مجلس شورای اسلامی در روز ۱۷ شهریور همان سال به امضای شاه رسید. قانون اساسی اولیه ایران در همین زمان به سرعت توسط گروهی از روشنفکران آشنا با غرب و تعدادی از درباریان، تنظیم شد، نکته قابل تأمل در این طرح در نظر نیابردن اصل مهم دین در جامعه ایرانی بود، در حقیقت مصلحت عام و نظر مردم در این طرح هیچ انگاشته شده بود، از همین رو با تدوین متمم قانون اساسی جهت طرح کامل آن و همزمان تصحیح، تکمیل و تنقیح آن مطابق آنچه شیخ فضل الله نوری و جمعی از علما به خاطر آن در حرم حضرت عبدالعظیم متحصن و مشروطه مشروعه را خواستار شدند، ایجاد گردید. کمیسیون ثانویه ای با حضور شیخ فضل الله و تعدادی از روحانیون و نمایندگان آذربایجان برای تطبیق قوانین و موازین شرعی ایجاد شد، علی رجبی دوانی معتقد است تلاش های شیخ فضل الله نوری و سایر علما با در نظر گرفتن دین و مذهب منجر به تصویب اصل دوم متمم قانون اساسی شد. در تاریخ ثبت شده که شیخ فضل الله نوری نسبت به انحراف



مجلس شورای ملی

نقش تاریخی مردم و مجلس

نقیسه زاری
نویسنده و پژوهشگر



شناخته شده در تاریخ ایران کهن به زمان اشکانیان برمی گردد، این مجلس با عنوان مجلس مهستان شناخته می شده و اعضای آن از میان بزرگان و اشراف تشکیل می شدند. به گزارش برخی از پژوهشگران، مهستان نخستین پارلمان رسمی در ایران بود. این مجلس به منظور انتخابی کردن پادشاه توسط بزرگان برگزار می شد در حقیقت مهستان نهادی وابسته به دربار بود که برای مردم

نهاد قوه قانونگذار در زمره یکی از مهم ترین نهادهای دموکراتیک است، میزان اهمیت این نهاد تا جایی است که مشارکت و حضور مردم در انتخاب نمایندگان بر میزان مردم سالاری تأثیر مستقیم دارد.

از مهستان تا بهارستان

تاریخچه مجلس در ایران، سابقه نسبتاً طولانی دارد و بر اساس مستندات تاریخی اولین مجلس

از نادیده انگاری شاهانه تا انتخابات مردمی

تاریخ ایران سرشار از حوادث گوناگونی است که می توان آن را مصداقی از اشک ها و لبخندها دانست. ایران و ایرانی همواره در سال های پرفراز و نشیب تاریخ معاصر با چالش های گوناگونی روبه رو شده اند، چالش هایی که عمدتاً با دست های توانای خودشان قادر به حل آن شده اند، در ایران معاصر



اولین مجلس شناخته شده در ایران معاصر را قاجارها بنیان گذاشتند. در زمان ناصرالدین شاه او چند مورد دستور تشکیل مجالسی را صادر کرد، در ۲۳ محرم ۱۲۷۵ ه. ق روزنامه وقایع الاتفاقیه فرمان ناصرالدین شاه را منتشر کرد

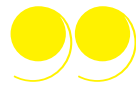


مجلس شورای اسلامی فعلی



مجلس پهلوی

سازمان سیا در گزارشی تحقیقاتی که در مورد ایران تهیه کرده بود در وصفش نوشت: از زمانی که شاه به قدرت مطلقه خود دست یافت مجلس حکم مهر پلاستیکی سلطان را پیدا کرد



آیت‌الله سید حسن مدرس در دوره ششم مجلس شورای ملی



نمایی از مراسم افتتاحیه اولین دوره از مجلس شورای اسلامی در ساختمان پیشین مجلس



زیاد بود با این حال تغییر مجلس شورای ملی به مجلس شورای اسلامی ریل‌گذاری صحیحی بود که توسط مشارکت ۱۱ میلیونی مردم نقش تعیین‌کننده‌ای در تحقق مردم سالاری دینی داشت تا جایی که حضرت امام خمینی مجلس را در رأس امور دانستند، عدم مداخله دولتی در مجلس جمهوری اسلامی، تلاش برای مردمی بودن به معنای واقعی و حضور اقشار و گروه‌های مختلف که تعهد و الزام به نظام اسلامی دارند از ویژگی‌های بارز

مجلس شورای ملی



مجلس شورای ملی



نفوذ در انتخابات از طریق انتخاب افراد مورد نظر خودش مجلس را از کارکرد اصلی انداخت و مجالس بعد نیز در مسیر تثبیت قدرت وی فعالیت در سپهر سیاسی ایران حضور داشتند و این امر موجب کاهش تمایل مردم به مشارکت سیاسی می‌شد؛ زیرا شاه به مرور حضور افراد روحانی و تجار مؤمن معتمد را نیز در قالب نماینده محدود کرد تا در عمل افرادی چون سید حسن مدرس برای او دردسر ساز نشوند البته شاه حوصله دردسرهای مردمی را نداشت. برای همین وقتی مدرس که در قامت عالم دینی و سیاسی وارد مجلس شد تا از حقوق ملت دفاع کند او را شکنجه، تبعید و سپس شهید کرد.

یک مجلس مبتذل

با رفتن رضاشاه به موریس، خشتی که در تغییر کارکرد مجلس سنا و مجلس شورای ملی گذاشته شده بود جنبه ابتذال به خود گرفت. ارتشبد فردوست درباره مجلسی که بویی از مردم نبرده بود این‌طور می‌گوید: نمایندگان مجلس با نظر شاه تعیین می‌شدند. انتخابات مجلس آنچنان فرمایشی بود که به وکلا لقب، وکیل صندوقی می‌دادند. حتی گاهی مالک راه یافتن افراد به مجلس مسائل غیراخلاقی و جنسی بود. فردوست می‌نویسد: مهین دخت صنیع که در دوره‌های بیست و سوم و بیست و چهارم از بابل به مجلس راه یافت از طریق جنسی

عمومی درباره تحصن و اعتراض آنها به متمم قانون اساسی غرب زده موضع گرفته است: خدای تعالی راضی مباد از کسی که درباره مجلس شورای ملی غیر از تصحیح، تکمیل و تنقیح، خیالی داشته باشد و به خرج مردم بدهند که فلائی و سایر مهاجران منکر اصل مجلس شورای ملی شده‌اند.

مجلس مشروطه با مجلس شورای ملی به مرور با تغییر دولت از قاجار به پهلوی زمینه‌های انحراف و نادیده انگاری مردم را بیشتر در نظر آورد و به دنبال آن تأمین خواسته‌های دربار در اولویت قرار گرفت. این مجلس حدود ۸۳ سال به حیات خود ادامه داد و پس از پیروزی انقلاب اسلامی ساختار مجلس تابعی از مسائل، آرمان‌ها و ارزش‌های انقلاب شد.

مجلس شورای ملی یا مجلس فرمایشی دربار

پای دیکتاتور که به کاخ شاهی رسید، مداخلات بیگانه نیز شدت گرفت، اصولاً پهلوی که خود را مدیون دولت‌های بیگانه می‌دید برایش نظرو رأی مردم و تأمین منافع آنها چندان اهمیتی نداشت. در زمان مشروطه دو مجلس در کشور وجود داشت یکی مجلس شورای ملی که نماینده قاطبه مردم بود و دیگری مجلس سنا که به موجب اصل ۴۵ قانون اساسی آن دوره، از اشخاص بصیر و خبیر و متدین و محترم مملکت انتخاب می‌شدند از انحلال مجلس سوم در ۱۲۹۹ تا تشکیل آن در ۱۳۰۰ خلأیی طولانی در فضای سیاسی کشور حکمفرما شد، این رکود سیاسی عوامل گوناگونی داشت جنگ جهانی اول، مهاجرت فعالان سیاسی به خارج از کشور، فروپاشی احزاب و... از جمله این دلایل است. بعدها در مجلس چهارم وقتی قرارداد تحت حمایتی ایران در ۱۹۱۹ تصویب شد به مرور دولتی شدن مجلس و فرمایشی بودن انتخاب نمایندگان در سراسر کشور در دوره رضاشاه بیش از هر زمانی در تاریخ معاصر خود را نشان داد. در دوره‌های بعد، شاه عملاً با اعمال



آیت‌الله سیدعلی خامنه‌ای و عده‌ای از نمایندگان اولین دوره مجلس شورای اسلامی در حاشیه مراسم افتتاحیه این مجلس



فلسفه

وجودیشان حتی برای خودشان غیرقابل تشخیص شده بود. نه جسارت داشتند به طور جدی دولت هویدا و حزب اکثریت ایران نوین را مورد نقد قرار دهند- که خود را منتسب به شاه می کردند- نه اینکه تأیید سیاست های جاری کشور برای آنان معنا و مفهومی پیدا می کرد که حزب اکثریت و دولت هویدا مگری آن بود

رقابت های بی مانند حزبی

حزب مردم در بیست و ششم اردیبهشت ماه ۱۳۳۶ با رهبری اسدالله علم شروع به کار کرد و در هنگام انحلال این حزب که علم، وزیر دربار بود، اقلیت مجلس را برعهده داشت و در حد بسیار حساب شده ای به نخست وزیر وقت که امیرعباس هویدا بود، انتقاد می کرد. هویدا ۱۰ سال بود که دولت را برعهده داشت و سایه اش نیز بر «حزب ایران نوین»، رقیب حزب علم بود که در سال ۱۳۴۲ همراه با حسنعلی منصور آن را تأسیس کرده بودند.

پیش از این تصمیم عجیب برای انحلال همه احزاب و تشکیل یک حزب واحد، شاه هرگونه انتقاد و مخالفت حزب نزدیک ترین کارگزارش، علم را، که اساساً زرگری و صوری بود، انتقاد از شخص خود و برنامه هایش ارزیابی می کرد و بدین ترتیب دست اندرکاران حزب اقلیت دیگر نمی دانستند پیرامون مسائل مختلف در مجلس و بیرون از مجلس چه موضعی اتخاذ کنند که شاه را رنجیده خاطر نکند. در واقع فلسفه وجودیشان حتی برای خودشان غیرقابل تشخیص شده بود. نه جسارت داشتند به طور جدی دولت هویدا و حزب اکثریت ایران نوین را مورد نقد قرار دهند- که خود را منتسب به شاه می کردند- نه

اینکه تأیید سیاست های جاری کشور برای آنان معنا و مفهومی پیدا می کرد که حزب اکثریت و دولت هویدا مگری آن بود. هلاکو رامبد رهبر فراکسیون حزب مردم در مجلس وقت، وضعیت بحرانی حاکم بر بازی حزبی آن روزگار را چنین شرح داده است: «یک بار نمایندگان حزب مردم تصمیم گرفتند در مورد بودجه دولت به عنوان مخالف صحبت نکنند زیرا معتقد بودند که تذکرشان اثری ندارد. مقامات دولتی از چند تن از وکلای مجلس خواستند به عنوان مخالف صحبت کنند که دولت بتواند به عنوان پاسخ به آنها مطالبی را درباره بودجه



دومین کنگره حزب رستاخیز در ورزشگاه محمدرضا پهلوی

حزبی برای سقوط

محمد مهدی اسلامی

نویسنده

بعد از ظهور یکشنبه یازدهم اسفند ۱۳۵۳، شاه آرزوی زیرخاکسترمانده خود را آشکار کرد و با اعلام انحلال همه احزاب، از تأسیس یک حزب واحد به نام رستاخیز خبر داد که همگان ملزم به عضویت در آن بودند. این اتفاق انعکاس گسترده ای در رسانه های داخلی و خارجی داشت و موجب نارضایتی حتی نزدیکان شاه نیز شد. این میزان پرهیز از رواداری در حالی بود که در طنزرایج مردم آن دوره چیزی به نام «رقابت حزبی» با درجه آری گویی به نظام آریامهری معنی می شد و دو حزب اصلی، یعنی احزاب مردم و ایران نوین به نحوی موجز و گویا در تفاوت «حزب چشم قربان» و «حزب بله قربان» تلخیص می شد.



تغییر دبیرکل توسط پرویز ثابتی

عجیب ترین بخش تأسیس حزب رستاخیز، چگونگی مواجهه شاه با روزهای پایانی حزب مردم است. از زمانی که اسدالله علم در سال ۱۳۳۹ از دبیرکلی حزب مردم کناره گرفت و ساکن آن را به یحیی عدل سپرد تا زمان انحلال این حزب، سایه اسدالله علم به عنوان پدر این حزب بر آن باقی ماند؛ اما در دوره دبیرکلی ناصر عامری که از ششم تیر ۱۳۵۲ آغاز شده بود، حساسیت شاه به اقدامات این حزب افزایش یافت. چه آن که عامری گهگاه با تمجید از شاه، انتقاداتی را به

شاه از این امر مطلع بود و وقتی انتقادات به انحلال احزاب و تشکیل حزب واحد به دولت امریکار رسید؛ به اسدالله علم گفت: «به سفیر امریکا بگو که چرا این قدر ساده هستی؟ شنیده ام برو بچه های سفارت شما همه جا می گویند در ایران دموکراسی مُرد. چطور تا حالا که همین بچه ها و روزنامه های شما می گفتند دو حزب موجود یکی حزب «بله بله قربان» و دیگری حزب «البته قربان» است، دموکراسی زنده بود و حالا دموکراسی مُرد؟» (عالیخانی، علینقی (۱۳۹۶). یادداشت های علم. تهران: مازیار. ج. ۴. ص ۳۵۲)

صحبت کنند... بعد اطلاع یافتیم که اعلیحضرت خبر داده اند که متن نطق [حزب مردم] را یک سفارت خارجی تهیه کرده است. من به دیدن نصیری رفتم و گفتم نطق در داخل حزب مردم تهیه شده که نصیری به تندی گفت اطلاع شما صحیح نیست. اعلیحضرت خبر موثق دارند که این نطق توسط خارجی ها تهیه شده است، حالا شما اطلاعاتتان از اعلیحضرت بیشتر است؟» (شاهدی، مظفر (۱۳۸۷). سه حزب. تهران: مؤسسه مطالعات و پژوهش های سیاسی. ص ۳۰۸)

دولت هویدا روانه می کرد و شاه آن را متوجه خود می دانست.

در این مقطع بود که روزنامه «ندای ایران نوین» که ارگان حزب هویدا بود، اجازه یافت در مقاله ای عامری را به ارتباط با بیگانگان متهم سازد. در حالی که کنگره چهارم حزب مردم به تازگی دبیرکلی عامری را برای چهارسال تمدید کرده بود، به ناگاه قائم مقام وی توسط پرویز ثابتی احضار شد. مصطفی الموتی بعدها به نقل از وی نوشت: «یک روز پرویز ثابتی از ساواک به من تلفن کرد و گفت کار لازمی دارم و سپس ائومبیلی فرستاد که مرا به منزل او ببرند تا مذاکراتی صورت گیرد. در خانه او در نیاوران به طور مفصل صحبت کردیم و خیلی صریح و روشن گفت باید همین چند روزه در حزب مردم اقداماتی صورت گیرد که ناصر عامری از دبیرکلی حزب مردم برکنار و حتی از حزب مردم اخراج گردد. با تعجب و حیرت فراوان گفتم، این کار با این سرعت امکان پذیر نیست زیرا طبق اساسنامه حزب، انتخاب و برکناری دبیرکل یا کنگره است که چند روز قبل او را تأیید کرده و باید مجدداً کنگره تشکیل گردد و دبیرکل سابق استعفا بدهد و با کنگره او را برکنار ساخته و شخص دیگری را انتخاب کند. پرویز ثابتی گفت این تصمیم قطعی است [...] شما شورای مرکزی را دعوت کنید. در آن جلسه عده ای ناصر عامری را مورد حمله قرار خواهند داد و برنامه مورد نظر اجرا خواهد شد. [...] نیم ساعت قبل از تشکیل جلسه شورای مرکزی همراه با فضائلی از ناصر عامری دیداری کردیم و گفتیم خلاصه ساواک برنامه ای برای برکناری و اخراج شما از حزب مردم دارد. عامری گفت من که داوطلب این کار نبوده ام و حالا هم علاقه ای ندارم که به این کار ادامه دهم. من همین الان استعفا می دهم. گفتم بهتر است که جلسه تشکیل گردد تا تشریفات انجام شود. وقتی جلسه شورای مرکزی تشکیل گردید چند تن از اعضای شورای مرکزی به شدت ناصر عامری را مورد حمله قرار دادند. با اینکه عامری استعفا کرده بود، اما بعضی ها چنان او را مورد حمله قرار می دادند که از تعجب دهانش باز مانده بود. حتی وقتی عامری خواست از اتاق شورای مرکزی خارج گردد، فرهادپور با فریاد می گفت ناصر عامری که مسئول شکست های حزب مردم است باید پس از برکناری در دادگاه حزبی محاکمه و از حزب اخراج گردد که مطلب به همین صورت در روزنامه ها نوشته شد. با این طرز که ناصر عامری از دبیرکلی حزب مردم برکنار گردید و علت اصلی این اقدام هم دقیقاً معلوم نشد.»

حذف به کمک گاو

بدین ترتیب کمیته مرکزی حزب مردم در بعد از ظهر روز ششم دی ۱۳۵۳ در یک نشست اضطراری و بدون مقدمه، عامری را به اتهام تکروی و بی لیاقتی از دبیرکلی حزب مردم برکنار کرد و ۲۱ دی ماه فضائلی دبیرکل جدید شد. در حالی که دیگر از عامری خبری در میان نبود،



آنچنان که از آثار
برجامانده فهمیده
می شود، اکثریت رجال
و دولتمردان آن روزگار
تا اعلام تأسیس حزب
رستاخیز از این تصمیم
شاه اطلاعی نداشتند
و حتی در برخی منابع
تصریح شده اقدام
شاه حیرت همگان را
برانگیخت



مطبوعات خبر دادند که او بعد از ظهر روز پنجشنبه دهم بهمن ۱۳۵۳ بر اثر تصادف اتومبیلش با یک رأس گاو در حدود بیست کیلومتری بندر پهلوی (انزلی کنونی) مجروح و چند ساعت بعد هم کشته شده است و بدین ترتیب فقط حدود سی و سه روز پس از کناره گیری اجباری از دبیرکلی حزب مردم زنده ماند. حدود یک ماه پس از تصادف عامری با گاو، حزب اسدالله علم منحل شد و فرمان تأسیس حزب واحد صادر شد. اعضای حزب مردم از این خبر مسرور شدند، زیرا مدتی طولانی، بی آن که امیدی به کسب قدرت برود، نقش اقلیت را بازی کردن و از شاه عتاب شنیدن به پایان رسیده بود. روز دوشنبه دوازدهم اسفند ۱۳۵۳ روزنامه مردم با ابراز خرسندی خبر انحلال احزاب پیشین و از جمله حزب مردم را اعلام کرد. محمد فضائلی را خوشحال ترین عضو حزب معرفی کردند که فقط حدود پنجاه روز دبیرکل بود و توانست بدون آن که مورد خشم و غضب شاه واقع شود، سر و ته دبیرکلی را هم بیاورد و تدبیر امورش به گاو محول نشد.

در یادداشت های علم هم شادمانی از این تصمیم ذیل تاریخ ۱۱ اسفند هویدا است. او نوشته است: «شاهنشاه frustration (دلسردی) یک عده جوان بدبخت را که به فرمایش خودشان به قتلگاه سیاسی به عنوان حزب مخالف (حزب مردم) می فرستادند از بین بردند. [...] بیچاره ناصر عامری دبیرکل سابق حزب مردم که یک ماه قبل در اکسیدان (تصادف) اتومبیل کشته شد، آنقدر عاجز شده بود که دائماً التماس می کرد: یا بکش، یا چینه ده، یا از قفس آزاد کن!...»

فراموشی شعارها

«مأموریت برای وطنم» نخستین کتابی که به نام شاه منتشر شد، نظام تک حزبی را مورد تاخت و تاز قرار داده بود. در آن کتاب محمدرضا پهلوی مدعی بود پادشاهی است که همواره مشوق تأسیس و فعالیت احزاب بوده و هرگز به جایگاه دیکتاتورها، تنزل مقام نخواهد یافت تا نظام تک حزبی را در کشور برقرار ساخته و مانند دیکتاتورها تنها از یک حزب دست نشانده خود پشتیبانی کند. شاه این عقیده خود را درباره لزوم حمایت و پشتیبانی از نظام دو حزبی حاکم بر کشور در سراسر دهه ۱۳۴۰، بارها تکرار کرد و هراز چند گاه به دست اندرکاران فعالیت حزبی و نیز نمایندگان مجلس شورای ملی دستور داد قاعده بازی سیاسی را مراعات کرده و در حفظ نظام دو حزبی حاکم بر کشور بکوشند. با آن که احزاب موجود از نظر مردم یکسان بودند، اما شاه این برداشت را رد می کرد و به عنوان نمونه در ۱۵ آبان ۱۳۵۱ نیز تصریح کرده بود از لحاظ سیاسی مملکت یک حزبی نیست یعنی دیکتاتوری یک حزبی نیست و نخواهد بود.

آنچنان که از آثار برجامانده فهمیده می شود، اکثریت رجال و دولتمردان آن روزگار تا اعلام تأسیس حزب



رستاخیز از این تصمیم شاه اطلاعی نداشتند و حتی در برخی منابع تصریح شده اقدام شاه حیرت همگان را برانگیخت. ماروین زونیس، نویسنده کتاب «شکست شاهانه» معتقد است که محمدرضا پهلوی یک سال قبل از آن که بیماری سرطانیش شناخته شود، در زمستان ۱۳۵۰ با برخی از بلندپایگان دربار و دولتش درباره راه راه و امکان تأسیس «حزب رستاخیز» به گفت و گو پرداخته بود. اما شاید بتوان گفت سفر واسط سال ۱۳۵۳ او به مصر و القاءات انور سادات، او را به دست کشیدن از ژست تکثر احزاب هدایت کرد؛ اتفاقی که شاید بتوان آن را به سفر پدرش به ترکیه و تقلید مسیر توسعه از یک کشور توسعه نیافته تشبیه کرد.

حزب که هدف خود را افزایش کمیّت اعضا قرار داده بود در سال ۱۳۵۴، ۲ میلیون و چهارصد هزار نفر و در سال ۱۳۵۵، ۵ میلیون و چهارصد هزار نفر را به عضویت کانون های گوناگون خود پذیرفته بود. با این حال افرادی که عضو حزب بودند، بروز و ظهور حزبی نداشتند.

همه چیز از سوی شاه

دبیرکل حزب که با نظر محمدرضا پهلوی انتخاب می شد، چند بار عوض شد. امیرعباس هویدا از آغاز تأسیس حزب تا کنگره دوم در ۵ و ۶ آبان ۱۳۵۵، جمشید آموزگار از همین تاریخ تا ۱۷ مرداد ۱۳۵۶، محمد معتضد باهری تا دی ۱۳۵۶ و مجدد جمشید آموزگار از این تاریخ تا ۶ شهریور ۱۳۵۷ دبیرکل حزب بودند و جواد سعید، آخرین دبیرکل، زمانی به این سمت رسید که انقلاب مردم اوج گرفته بود و حزب جز انحلال راه دیگری پیش روی خود نداشت.

جای خالی رقابت سیاسی را سعی داشتند با تشکیل دو جناح در داخل حزب پر کنند. جناح پیشرو به رهبری

نهادندی به پیشنهاد خود محمدرضا شاه تشکیل شده بود. محمدرضا پهلوی بعدها اذعان کرد که این تصمیم او، از جمله اشتباهاتش بوده است و عملکرد آن باعث تشدید نارضایتی ها گشته؛ سرانجام اندکی قبل از آن که تیترا «شاه رفت» بر تارک روزنامه ها بدرخشد، ۹ مهر، تنها ۴ روز

جمشید آموزگار و جناح سازنده به رهبری هوشنگ انصاری قرار بود نمایندگان دوطرف فکرمختلف اما وفادار به شاه باشند اما رهبران جناح ها را هم خود محمدرضا پهلوی تعیین کرد. بعدها جناح لیبرال نیز در خرداد ۱۳۵۷، به رهبری هوشنگ نهادندی پدید آمد که به گفته

پس از انتخاب دبیرکل جدید خبر انحلال این حزب در مطبوعات با استقبال مردم مواجه شد و ۱۰ مهر، روزنامه اطلاعات نوشت: «انحلال حزب رستاخیز با استعفای دبیرکل تکمیل شد.» هرچند در این اقدام، برخلاف همه مراحل قبل دیگر نامی از شاه برده نشد.



اسدالله علم وزیر دربار، محمد باهری معاون وی و نصرت الله معینیان رئیس کمیسیون شاهنشاهی هنگام شرکت در دومین کنگره حزب رستاخیز (۱۳۵۵). ۱. محمد باهری ۲. اسدالله علم ۳. نصرت الله معینیان ۴. اسدالله نصر اصفهانی ۵. یوسف صمدزاده ۶. عبدالعلی دهستانی



ثبت نام اجباری کارکنان دولت در حزب رستاخیز

کتاب



بادرختان در دل داستان

نگاهی به چند کتاب که در آنها درخت‌ها محوریت دارند

جانم برای شما بگویم که این «روز درختکاری» از همان دوران کودکی برای من موضوعی بسیار جذاب و عجیب و غریب بود که توضیحی هم برای چگونگی ایجاد این حس و حال ندارم. هیچ وقت هم در این روز درخت نکاشتم. چند باری در همان کودکی از پدر خدایم مرزم خواسته بودم که درختی بخرد و ما روز پانزدهم اسفند برای کاشتن آن اقدام کنیم که بزرگوار هر بار جواب داده بود «سال بعد»! این مقدمه بی ربط قرار است منجر به نتیجه‌ای نامرتبط شود. تصمیم گرفتم که برای این هفته چند کتاب معرفی کنم که در آنها، طبیعت، مخصوصاً نوع درختی اش نقشی بسیار پررنگ دارد. این شما و این جنگلی که برایتان معرفی می‌کنیم.

است که به دیار آمازون مربوط می‌شود. این اثر، رمان گونه است و از رویدادهای واقعی و زندگی مردم ابتدایی، ساده، بی‌نوا و گم‌گشته در جنگل‌های نفوذناپذیر و نیز از شعر، رقص و سنت‌های عامیانه این مردمان سخن گفته است. قهرمان اثر که تا حدود قابل توجهی از شخص نویسنده نشان دارد، دانشجویی جوان است که به سبب فعالیت‌های سیاسی تبعید می‌شود و ناگزیر به زندگی اسارت‌بار بادسته‌ای از دوزخیان روی زمین که کارگران مزرعه‌های کائوچو هستند، تن در می‌دهد. فرهاد کاسترو به باری تجربه‌های شخصی و با نهایت مهارت، واقعیت‌ها را بیان می‌کند. او نویسنده‌ای پرتغالی است که در خردسالی ۱۲ سال نداشت که راهی برزیل شد و در جنگل‌های آمازون زندگی دشوار کارگران مزرعه‌های کائوچو را (نه از سرتقن بلکه مانند تمام کارگران دیگر بر اثر نیاز) آزمود. پس از بازگشت به زادگاه و آغاز زندگی روزنامه‌نگاری و نویسندگی، در کنار سایر آثارش «جنگل بکر» را که حاصل تجربه عینی‌اش از زندگی تحمل‌ناپذیر کارگران مزرعه‌های کائوچو بود و به حق یکی از شاهکارهای ادبی نئورالیسم پرتغال در دوران حکومت سالازار در نظر گرفته می‌شود، آفرید.

قرار می‌گیرد رفتاری کاملاً متفاوت و تحسین برانگیز دارد. «درخت زیبای من» هرچند درباره سنبلین کودکی نوشته شده و مخاطب آن کودکان و نوجوانان هستند، اما برای بزرگسالان، بویژه والدین، از آن رو جذاب است که آنها را با دنیای تخیلات و نیازهای عاطفی کودکان بیش از پیش آشنای می‌کند.

زندگی راز آمیز درختان

«زندگی راز آمیز درختان» از پر فروش‌ترین‌های نیویورک تایمز و به قلم «پتر وول لین» است. در این کتاب نویسنده عشق عمیق خود به جنگل‌ها را با خوانندگان تقسیم می‌کند و فرایندهای شگفت‌انگیز زندگی، مرگ و احیا را که در جنگل مشاهده کرده و روند علمی حیرت‌آوری را توضیح می‌دهد که در پشت شگفتی‌هایی که ما از آنها آگاه نیستیم، پنهان است. مؤلف با بهره‌گیری از اکتشافات جدید و پیشگامانه، دانش پشت زندگی مخفی و ناشناخته درختان و توانایی‌های ارتباطی آنها را ارائه می‌دهد. او معتقد است که اقدامات دوستدار محیط زیست نه تنها از نظر اقتصادی پایدار است بلکه برای سلامتی کره زمین و سلامت روحی و جسمی همه کسانی که در کره زمین زندگی می‌کنند مفید است.

جنگل بکر

کتاب جنگل بکر حاوی متنی مستند و غنایی

درخت زیبای من

«درخت زیبای من» نوشته ژوزه مائورو ده واسکونسلوس (۱۹۲۰-۱۹۸۴) نویسنده برزیلی است که ترجمه‌ای خوب و روان از جناب قاسم صناعی هم زینت آن شده است. زهزه (همان ژوزه که در گفتار شکسته شده) شخصیت اصلی داستان، کودکی است بسیار باهوش، احساساتی، خلاق اما در دسرساز و خرابکار، زهزه که به خاطر شیطنتها و خراب‌کاری‌هایش مرتب تنبیه می‌شود و کتک می‌خورد، اغلب به دنیای خیال پناه می‌برد و به کمک هوش بسیار و ذهن خلاقش دنیایی تخیلی پر از شادی و هیجان می‌سازد و آن را با دوستی خیالی یعنی درخت پرتغالی که به حرف‌هایش گوش می‌دهد، در میان می‌گذارد. زهزه بخشی از دنیای کودکان‌های را بازنمایی می‌کند که چندان برای بزرگ‌ترها قابل درک نیست و اغلب برخورد اشتباه با این خطاهای کودکانه، باعث تجدید بد رفتاری‌ها یا سر خوردگی در کودک می‌شود. اما وقتی زهزه مورد توجه و محبت معلم مدرسه‌اش با دوست پرتغالی

دکترژیواگو در جنگل
پرونده‌های نوروزی
چگونه از هیچی
تیترا برای خودمان
بسازیم؟!!

محمد علی یزدانپار
دبیر گروه کتاب

Mohammadaliyazdanyar@gmail.com



اول. همین یکی دو هفته پیش بود که در مورد ترجمه‌های دیگر دکترژیواگو در همین ستون نوشتیم و گفتم که یک ترجمه از آبتین گلکار هم در راه است که قرار است توسط نشر ماهی منتشر شود. تکلیف این ترجمه هم مشخص شد و مثل اینکه نشر ماهی ناشر این ترجمه نخواهد بود. نشر چشمه طی پستی اینستاگرامی اعلام کرد که ترجمه آبتین گلکار از دکترژیواگو در سال ۱۴۰۳ توسط همین نشر منتشر خواهد شد. این مشکل هم برطرف شد شکر خدا!

دوم. در این شماره مطلبی داریم در مورد کتاب‌هایی که به درخت‌ها ربط دارند و بهانه‌مان هم نزدیک شدن به روز درختکاری است. وقتی دنبال جور کردن سه، چهار عنوان برای این مطلب بودم که آخر سر هم به سه عنوانی رسیدم که کنار همین ستون می‌بینید، دودسته از کتاب‌ها را به دلایلی کنار گذاشتم. یکی کتاب‌های کودک و نوجوان بودند که کنار گذاشته شدند چون ما اینجا خانم رحیمی پور را داریم و بدون اجازه ایشان در زمینه کودک و نوجوان آب هم نمی‌خوریم چه برسد به اینکه مطلب هم بنویسیم. دومی هم مجموعه کتاب‌های پلیسی، گمانه‌زن، جنایی، ترسناک و همین دسته‌های مشابه بودند. در این مورد کتاب‌ها حذف شدند چون عموماً جنگل صرفاً محل وقوع حادثه است نه محوری که اتفاقات حول آن رخ دهد. تازه از هر ۱۰ مورد در هشت یا نه مورد جنگل رفتن آدم‌های داستان دلیلی بسیار سست و غیرواقعی دارد که لذت بردن از داستان را دو چندان سخت می‌کند. این شد که هم‌بجوری شد این بغل مشاهده می‌فرمایید.

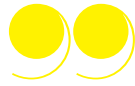
سوم. حالا که دارم فکر می‌کنم اگر خدا بخواهد و برنامه‌های ما یاری کند برای شما یک پرونده نوروزی هم آماده خواهیم کرد، حالا اینکه این پرونده هفته بعد کار شود یا هفته بعدتر، این را خودم هم درست نمی‌دانم. دوست داشتم به شما قول قطعی بدهم، ولی چون هنوز چند و چون ماجرا برای خود ما هم روشن نیست هفته بعد بیایید ببینید آیا ما پرونده نوروزی را برایتان کار کرده‌ایم یا حواله داده‌ایم به شماره بعد. همین دیگر، باقی بقا!



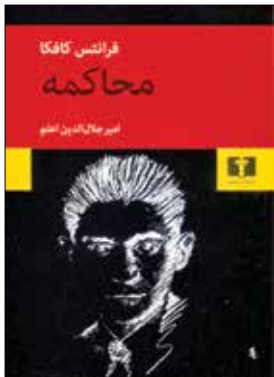
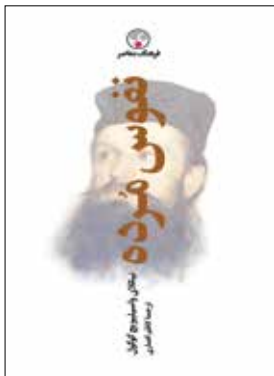
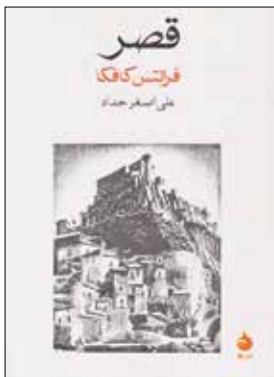
اگر خدا بخواهد و برنامه‌های ما یاری کند برای شما یک پرونده نوروزی هم آماده خواهیم کرد، حالا اینکه این پرونده هفته بعد کار بشود یا هفته بعدتر، این را خودم هم درست نمی‌دانم



کافکا بسیار علاقه به ناتمام نویسی داشت و دلیل اصلی او این بود که میگفت خوب نمی‌نویسد و دلش می‌خواست نوشته‌هایش را بسوزاند و حتی این وصیت را هم به دوستش هم گفت



از زمان‌های دور و دراز گذشته، کتاب‌های بسیاری بودند که نویسنده آنها به دلایل مختلفی مانند تمام شدن عمرش، حوصله‌اش، ته کشیدن ایده‌هایش برای ادامه دادن، مریضی، فراموشی و دلایل بی‌شمار دیگری رها شده مانده‌اند و شاید بتوان گفت که خود این ویژگی آنها را جذاب کرده است



داستان‌هایی که هرگز تمام نشدند!

و در نهایت، داستان به اینجا رسید که...

ریحانه میرحسینی
کارشناس ارشد ادبیات فارسی



ناتمام بودن اتفاق نیفتاده است، بلکه در دیگر علوم مانند فلسفه، هنر، نمایشنامه و... نیز وجود دارد. در اینجا چندی از رمان‌هایی را که هم معروف هستند و هم ناتمام مانده‌اند به شما معرفی می‌کنم که بخوانید، لذت ببرید و شاید در ذهن خلاق خود پایان‌بندی مناسبی را برای آنها در نظران بیایید.

کتاب‌های بسیاری بودند که نویسنده آنها به دلایل مختلفی مانند تمام شدن عمرش، تمام شدن حوصله‌اش، ته کشیدن ایده‌هایش برای ادامه دادن، مریضی، فراموشی و دلایل بی‌شمار دیگری رها شده مانده‌اند و شاید بتوان گفت که خود این ویژگی آنها را جذاب کرده است. باید بدانید که تنها در رمان و ادبیات این

شاید برای شما هم اتفاق افتاده باشد که داستان، نمایشنامه یا شعری را شروع به نوشتن کرده‌اید ولی در ادامه آن را به امان خدا رها کرده باشید، ولی جالب است که بدانید خیلی از نویسندگان با این حال که اثرات ناتمامی دارند ولی آنها را چاپ کرده‌اند و بسیار هم معروف و خواندنی شدند. از زمان‌های دور و دراز گذشته،

می‌ماند. قصر کافکا را انتشارات بسیاری ترجمه کرده‌اند که می‌توان به انتشارات ماهی یا ترجمه علی اصغر حداد، انتشارات نگاه یا ترجمه عبدالرحمان صدریه و انتشارات نیلوفر یا ترجمه امیرجلال الدین اعلم اشاره کرد.

دیگر اثری که از کافکا ناقص ماند!

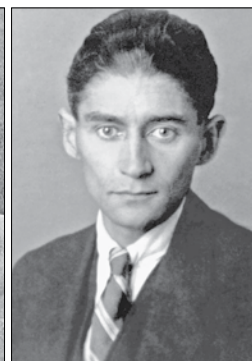
کتاب امریکا دیگر رمانی است که از کافکا مانده و ناقص تمام شده است. برخلاف دو رمان پیشین که به آنها اشاره شد، شخصیت این رمان نام کاملی دارد. کارل روسمان یک مهاجر جوان است که بعد از اتفاقات عجیب و غریبی که برای او می‌افتد به امریکا مهاجرت می‌کند و فکر می‌کند که بتواند در این سرزمین اشتباهات خودش را جبران کند و زندگی پیش رویش را گل و بلبل کند و از این طریق پدر و مادرش که او را به امریکا فرستاده بودند از او راضی شوند. ولی همه چیز دقیقاً برعکس عمل می‌کند و او سردرگم شده و با ماجراهایی عجیب دست و پنجه نرم می‌کند. کافکا در این اثر نگاهی متفاوت دارد و توصیفات بی‌نظیر او درباره مناظر در نوع خود جدید و جالب است. رمان امریکارا می‌توانید از انتشارات ماهی یا ترجمه علی اصغر حداد و انتشارات مرکز یا ترجمه علی عبداللهی تهیه و بخوانید.

شوایک سرباز ساده‌دل!

این کتاب به دلیل مرگ نویسنده ناتمام مانده ولی جزو لیست کتاب‌هایی است که به بیشترین زبان‌های دنیا ترجمه شده و فیلم‌هایی براساس این کتاب نیز در سال‌های مختلف ساخته شده است. یاروسلاو هاشک، نویسنده اهل چک که عمرش کفاف نداد این داستان را تمام کند ولی با زبانی شگفت‌انگیز تصاویر و توصیفات را به مخاطب خود ارائه می‌دهد که جدید است. او از پوچی و بیهودگی جنگ می‌گوید و تلاش‌های شوایک برای رهایی از جنگ را نشان می‌دهد. این رمان را انتشارات چشمه با ترجمه کمال ظاهری به مخاطبان ارائه داده است.



یاروسلاو هاشک



کافکا



گوگول

قصری که نیمه کاره است!

خب می‌توان گفت یکی از شاهکارهای فرانتس کافکا همین رمان است، قصر! که مثل دو رمان دیگر او به نام‌های محاکمه و امریکا ناقص مانده است. آقای کافکا بسیار علاقه به ناتمام نویسی داشت ولی دلیل اصلی او این بود که می‌گفت خوب نمی‌نویسد و دلش می‌خواست نوشته‌هایش را بسوزاند و حتی این وصیت را هم به دوستش گفت که بعد از مرگش تمامی نوشته‌هایش را از بین ببرد ولی دوستش بدون ذره‌ای اهمیت به وصیت او، تمامی آنها را منتشر کرد. می‌توان کافکا را جزو معروف‌ترین ناتمام‌نویسان تاریخ ادبیات نام برد و آثارش هم با وجود کامل نبودن بسیار خواندنی هستند. شخصیتی که حتی اسم او هم ناقص و ناتمام است در دورمان محاکمه و قصر با نام «ک» ظاهر می‌شود و داستان را می‌پرواند. این مرد در رمان قصر وارد دهکده‌ای می‌شود که هیچ‌کس حق ورود به قصر را ندارد و معلوم نیست که در آنجا چه خبر است. از همان ابتدا کافکا یک موقعیت پیچیده و عجیب را پیش روی مخاطب باز می‌کند و دهکده‌ای را به تصویر می‌کشد که همه در رنج هستند ولی به آن اعتراضی ندارند و گویا آن را پذیرفته‌اند. این فضایی که در آن شک و تردید در طول داستان پابرجاست ادامه پیدا می‌کند و در نهایت این رمان به صورت ناتمام

رمانی کمدی که ناقص مانده!

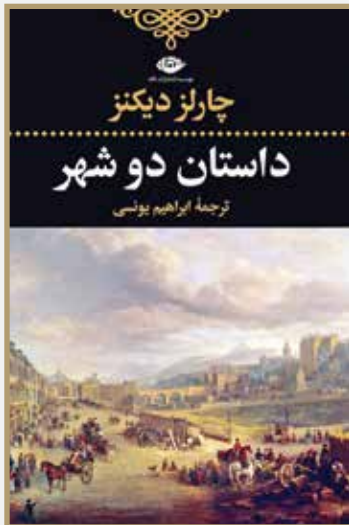
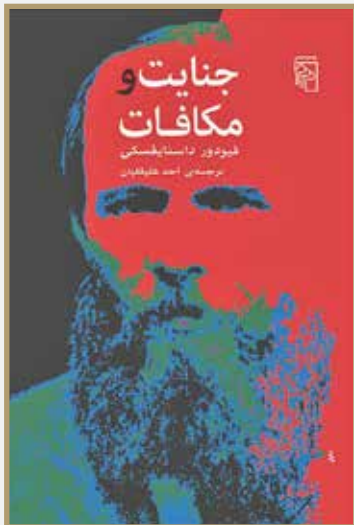
نفوس مرده رمانی است که نیکلای گوگول آن را با زبانی طنز و کنایه‌آمیز به وضعیت آن سال‌های روسیه نوشته است. همه چیز را در داستان می‌دانیم و نویسنده، قهرمان داستان را که چه قصدی دارد و می‌خواهد دهقانان بدون زمینی را که مرده بودند، بخرد یا در هنگام برخورد با صاحبان آنها چه بلاها و اتفاقاتی بر سرش می‌آید را در جریانیم ولی در آخر کار دست همه را در پوست گردو می‌گذارد. دیگر نمی‌دانیم که آیا قهرمان داستان که چیچیکوف نام دارد به هدفش رسید یا نه؟ در کارش موفق شد یا شکست را پذیرفت؟ حتی شایعاتی هم درباره قسمت دوم این رمان وجود دارد که می‌گویند گوگول آن را نوشته و داستان هم کامل کرده بود ولی در یک تصمیم آنی و به قول معروف در یک حرکت جنون‌آمیز در اواخر عمرش آن را آتش زد و خاکستر کرد. نفوس مرده جزو لیست برترین کتاب‌های تاریخ ادبیات به انتخاب انجمن کتاب نروژ است و سربالی هم به همین نام در سال ۱۹۸۴ از آن ساخته شده، همچنین از انتشارات فرهنگ معاصر با ترجمه کاظم انصاری می‌توانید آن را تهیه و مطالعه کنید. این کتاب ترجمه دیگری هم به نام مردگان زر خرید دارد که توسط انتشارات نیلوفر و با ترجمه فریدون مجلسی چاپ شده است.

مترجم‌ها چطور یک کتاب برای ترجمه انتخاب می‌کنند؟

نگاهی به دو مترجم نامی ایرانی و شیوه‌های کارشان



ابراهیم یونسی
دغدغه‌اش
دفاع از حقوق
محرومان بود،
برای همین
تصمیم گرفت این
دغدغه را برای
انتخاب کتاب
مناسب برای
ترجمه همسو
کند. تقریباً تمام
کتاب‌هایی که این
مترجم ترجمه
کرده درباره دفاع
از انسانیت و
محرومان است



تمام سعی و تلاشش را کرده تا زبانی نزدیک به زبان نویسنده داشته باشد. گفت‌وگوها را به شکلی که نویسنده نوشته ترجمه کند و توصیف‌ها را تا جای ممکن به همان شکل و همان سبک ترجمه می‌کند. برای او اینکه بتواند شخصیت پردازی که نویسنده داشته را در ترجمه خودش نشان بدهد خیلی مهم بوده و معمولاً هم مخاطبان از این مورد بسیار راضی هستند.

شاید برایتان این سؤال مطرح شود زبان نزدیک به نویسنده یعنی چه؟ منظور او و تلاش او در ترجمه هایش این بوده که ببیند نویسنده کجا از چه کلمه‌ای استفاده کرده، فلان جمله را به چه شکلی نوشته، کجا استعاره به کار برده، تشبیه را چگونه و برای چه بخش‌هایی به کار برده و...

با توجه به این مسائل مترجمی چون او در می‌یابد که سبکی که نویسنده داشته چه بوده و از چه ارائه‌هایی برای نوشته خود استفاده کرده است. همین توجه او باعث شده که کتاب‌های مختلفی که ترجمه کرده تا حد ممکن شبیه به متن اصلی بوده باشند. البته این را هم در نظر بگیریم که بعضی کتاب‌ها مثل «جنایات و مکافات» که از

زبان واسطه ترجمه شده‌اند قضاوت متفاوتی هستند. برای او ترجمه از زبان واسطه به معنای رنج ترجمه است. مخاطبی که جدی دنبال می‌کند با ترجمه واسطه مشکل دارد و مترجم هم باید تمام هم و غم خود را بگذارد تا بهترین ترجمه انگلیسی زبان را پیدا کند و شروع به ترجمه کند. البته که علیقلیان در ترجمه هایش از زبان واسطه فقط به همان ترجمه در دستش اکتفا نمی‌کند و از استادان و مترجم‌های مختلف با زبان اصلی کتاب گفت‌وگو می‌کند و نظرشان را می‌پرسد. برای همین هم ترجمه هایش از کتاب‌ها با زبان واسطه مورد استقبال قرار می‌گیرد و خوب از آب درمی‌آیند.

کتاب‌های «ما گریه هستیم» ناتسوک سوسه‌کی، «زندگی قیصرها» از سوئونیوس و دو جلدی «اروپا از دوران ناپلئون» که با همکاری خشایار دیهیمی ترجمه کرده است جزو کتاب‌های پیشنهادی برای خواندن از او است.

واسطه مطالعه فراوان دانش‌واژگانی زیادی داشت و خودش را به جای نویسنده قرار می‌داد و سعی می‌کرد از زبان او ترجمه کند. این دو مورد در کنار هم کمک می‌کند متن نویسنده تقریباً به همان شکلی که نوشته شده به مخاطب فارسی زبان برسد.

البته این را هم بدانید که مهم‌ترین موضوع از نظر ابراهیم یونسی انعکاس دادن زبان مردم در متن فارسی بود. اصلاً همین اعتقاد او باعث شده بود کتاب‌هایش رنگ و بوی ترجمه نداشته باشد. اینکه شما بدانید هر شخصی با هر موقعیت اجتماعی یا فرهنگی به چه شکلی صحبت می‌کند. در واقع نحوه صحبت یک قصاب با یک راننده و یک معلم یا حتی یک مترجم متفاوت است و دانستن این موضوع کمک‌تان می‌کند زبان فارسی را بهتر به کار ببرید و بهتر بنویسید و ترجمه کنید.

کتاب‌های «پناریک» سوزان هوویچ، «جود گمنام» و «پس دوربرویل» از تامس هاردی، «دنیای کوچک دن کامیلو» از جووانی کوارسکی و «جنبه‌های رمان» اثر ادوارد مورگان فوستر هم کتاب‌های پیشنهادی برای خواندن از این مترجم است.

رنج در ترجمه

احد علیقلیان جزو آن دسته از مترجم‌هایی است که معتقدند باید به نویسنده متن اصلی وفادار بود. این مترجم که متولد سال ۱۳۳۸ در تهران است. زبان و ادبیات انگلیسی خوانده و به انگلیسی تسلط دارد. احد علیقلیان بیشتر در حوزه تاریخی، علوم اجتماعی و سیاسی و ادبی فعالیت دارد. تا به حال کتاب‌هایی مثل «دروغگوی»، «جنایات و مکافات»، «عصر اطلاعات» و «تراژدی مردم انقلاب روسیه» را ترجمه کرده است.

همان طور که گفتیم برای او مهم، نویسنده است و حرفی که می‌زند. اصلاً خود این موضوع که نویسنده یک کتاب چه کسی است و چه آثاری نوشته نقشی مهم در انتخاب کتاب ایفا می‌کند. حتی اینکه آیا به عنوان مترجم می‌تواند مفهوم و محتوایی که نویسنده نوشته را به مخاطب فارسی زبان برساند برای او در انتخاب اثری که ترجمه کند نقش دارد. او

فاطمه منصوری نصرآباد

مترجم



تا به حال شده بخواید یک کتاب انتخاب کنید که ترجمه کنید ولی ندانید چطور؟ یا اصلاً تا به حال شده به عنوان مخاطب یک کتاب بردارید بخوانید و اواسط کتاب از خودتان سؤال کنید این مترجم با خودش چه فکر کرده چنین کتابی را برداشته و ترجمه کرده؟ در این مطلب مترجم نامی ایرانی می‌خواهم درباره چند مترجم بنویسم و بخشی از ایده‌شان برای انتخاب یک کتاب را هم به شما بگویم.



احد علیقلیان



ابراهیم یونسی

انعکاس زبان مردم

ابراهیم یونسی دغدغه‌اش دفاع از حقوق محرومان بود، برای همین تصمیم گرفت این دغدغه را برای انتخاب کتاب مناسب برای ترجمه همسو کند. تقریباً تمام کتاب‌هایی که این مترجم ترجمه کرده درباره دفاع از انسانیت و محرومان است. خواندن کتاب‌هایی که او ترجمه کرده مخاطب را وادار می‌کند قدمی رو به جلو بردارد و به قول بلاگرهای کتاب، کتاب‌های ابراهیم یونسی به شما چیزی اضافه خواهد کرد!

حالا چرا ترجمه‌های خوبی دارد؟ چون ابراهیم یونسی معتقد بود مترجم باید زبان فارسی را خوب بداند. زبان فارسی باید هدف ترجمه است و اگر مترجم نتواند ظرافت‌های زبانی را به کار بگیرد و بهترین کلمه را جایگزین متن مبدأ کند ترجمه با کیفیتی تحویل مخاطب نخواهد داد. ابراهیم یونسی به

به دید من بهترین ترجمه کتاب «داستان دو شهر» چارلز دیکنز از ابراهیم یونسی است. ابراهیم یونسی مترجمی اهل بانه است که سال ۱۳۰۵ به دنیا آمد. در دهه سوم عمرم به زندان افتاد و همان جا تصمیم گرفت زبان انگلیسی را یاد بگیرد. زبان فرانسوی هم کامابیش بلد بود و از همین راه مشکلاتش با زبان انگلیسی را حل می‌کرد. همان جا که به حد خوبی از دانش انگلیسی رسید کتاب «آرزوهای بزرگ» چارلز دیکنز را ترجمه کرد. کتاب را به سیاوش کسری داد که در نهایت به نشر نیل تحویل داده شد. در همان زندان هم از طریق تحصیل از راه دور یک دوره در انگلستان به اسم «هنر داستان‌نویسی» گذراند و نتیجه آن را هم با همین عنوان نوشت و منتشر کرد.



برای احد علیقلیان
مهم نویسنده است
و حرفی که می‌زند.
اصلاً خود این
موضوع که نویسنده
یک کتاب چه کسی
است و چه آثاری
نوشته نقشی مهم
در انتخاب کتاب
ایفا می‌کند. اینکه
به عنوان مترجم
می‌تواند مفهوم
و محتوایی که
نویسنده نوشته را
به مخاطب فارسی
زبان برساند هم
در انتخاب اثر
مهم است



پازل زندگی

تکه های گم شده جهان شخصی ما

نشا احتشام سرشت
دانش آموز یازدهم انسانی

«من هم معمولی ام. تنها دارایی غیرمعمولی و خاص، اسمم است: جید. زندگی ام هیچ چیز خارق العاده ای ندارد. ولی هرچه باشد مال من است، برای همین می خواهم باهاش یک کاری بکنم.» زندگی همه ما مجموعه ای از تکه های گوناگون که قرار است کنار یکدیگر، تصویر معناداری را به وجود آورند. من همیشه فکر می کنم شاید تشبیه زندگی به پازل، دور از واقعیت نباشد. زندگی را پازلی می بینم که باید تکه هایش را در طول مسیر پیدا کنیم و سر جای شان بگذاریم. البته که هرچقدر تلاش کنیم، همیشه یک تکه اش هم که شده، گم است و ناپیدا؛ شاید به همین خاطر باشد که احساس می کنیم یک جای کار زندگی همه آدم های منگد و کامل نیست! به هر نحو چه کامل شود چه ناقص بماند، در زندگی تکه هایی هستند که بزرگمان می کنند، ما را می سازند و ما را «ما» می کنند.



شاید هسته اصلی داستان و مهم ترین تکه زندگی جید، «تلاش» باشد. او می خواهد خودش را ثابت کند، از همه فرصت هایش استفاده کرده و بگوید می تواند، می تواند کنترل زندگیاش را به دست بگیرد و موفق شود کاری بزرگ انجام دهد، حتی اگر یک دختر سیاهپوست باشد

«تکه هایی که من شدند» روایتگر داستان زندگی جید و تکه هایی است که او را تشکیل می دهند. تکه هایی که به نظر جید ناقص اند و یا هیچ ربطی به هم ندارند؛ او می خواهد تمام تلاشش را بکند تا تصویری صحیح و مرتبط بسازد. شاید بخشی از این نفاسیرا بتوان از همان جلد زیبا و پرمعناش حدس زد. عکس یک دختر سیاهپوست (جید)، دوربین، اتوبوس و چند کلمه که همه اینها جدا از یکدیگر قرار گرفته اند. ماجرای جذاب جلد کتاب و اینکه چرا واژه «تکه» اینقدر در این کتاب پررنگ است را هم بهتر است خودتان بعد از خواندنش بفهمید!

شاید هسته اصلی داستان و مهم ترین تکه زندگی جید، «تلاش» باشد. او می خواهد خودش را ثابت کند، از همه فرصت هایش استفاده کرده و بگوید می تواند، می تواند کنترل زندگی اش را به دست بگیرد و موفق شود کاری بزرگ انجام دهد، حتی اگر یک دختر سیاهپوست باشد. آنچه کار جید را سخت می کند، ناقص بودن پازل زندگی اش است. به خاطر همین تلاش های او معمولی نیست و با بقیه فرق دارد. اما چه فرقی؟ او را با توصیفاتش، به عنوان دختری با پوست سیاه مانند ذغال و پایین تنه پت و پهن می شناسیم که مامان اش به زحمت به اندازه غذای در یخچال درآمد دارد و خدمتکار خانه مردم است، در حالی که دوستان جید در سنت فرانسیس، خانه های شان خدمتکار دارد. سنت فرانسیس؟ مدرسه ای که دو سالی ست جید به آنجا بورسیه شده و زندگی سختش به او یاد داده باید از هر فرصتی که در آنجا پیش می آید، استفاده کند.

جید در این کتاب همه چیز را بر ایمان دقیق توصیف می کند. من هر روز با او سوار اتوبوس های پورتلند می شدم و از هزارتوی خانه هایی که مثل خواهرهای دوقلو بودند، عبور می کردم. به عابران در خیابان ها فکر می کردم و اینکه هر گوشه ای داستان خودش را دارد. هر خیابانی سؤالی می پرسد و جهان های زیادی یکدفعه فرو می ریزند. در مدرسه «سم» را می دیدم که سفیدپوست است و موهای قهوه ای تیره اش را شلخته وار دم اسبی می بندد؛ لاغر است و خیلی هم کتاب می خواند. من که فکر می کنم این میزان احساس حضور در زمان و مکان های



به نظرم جید با اینکه یک نوجوان سیاهپوست آمریکایی است، اما نماینده افکار و روح همه نوجوانان جهان است. دغدغه هایش شامل حال همه ماست. از هویت و پیدا کردن نقش واقعی در زندگی گرفته تا درس خواندن و مهارت آموزی و دوست پیدا کردن را می توان با جید تجربه کرد و چیزهای زیادی یاد گرفت. البته که این کتاب فقط به نوجوانان تعلق ندارد و به نظر لازم است که هر کسی در هر سنی آن را بخواند، زیرا راهنمایی است جامع، برای یافتن و کنار هم قرار دادن صحیح تکه هایی که ما را می سازند!

مختلف و شناختن دقیق شخصیت ها، می تواند از معجزات اول شخص بودن روایت کتاب باشد. این انتخاب توأمان با لحن صمیمانه و پراحساس، من را کاملاً با جید همراه کرده بود. او فقط آنچه را ملموس است و رخ می دهد توصیف نمی کند، جید از درون روحش با مخاطب حرف می زند. در واقع ما را از حرف های ناگفته اش و تمام احساسات، دغدغه ها و فکری که حتی برای لحظه ای از ذهنش می گذرد، مطلع می کند.

نه تنها جهان شخصی جید، بلکه در روند کتاب ما با سبک زندگی برخی از مردم آمریکا، سیاهپوستان و حتی بخشی از تاریخ و گذشته آنها هم به طور کلی آشنا می شویم که این بخش واقعاً برای من جذاب بود. جید از آزار و اذیت ها و پایمالی حقوقشان می گوید، از اینکه از هر فرصتی استفاده می کند که کتاب بخواند چون روزگاری آموختن خواندن به سیاهپوستان ممنوع بوده، او همچنین من را به روز شکرگزاری هم می برد، به خانهای در دل آمریکا که ساکنانش در چنین روزی می گفتند: «ما دور میز نشستیم و جشن می گیریم که کشورمان از بومی ها دزدیده شده، کلمب هیچی را کشف نکرد.»

در کل خوشحالم که این کتاب را در نوجوانی ام خواندم، در روزگاری که تازه داشتم با مفهوم واقعی «هدف»، «رویا» و «جنگیدن» آشنا می شدم. به نظرم جید با اینکه یک نوجوان سیاهپوست آمریکایی است، اما نماینده افکار و روح همه نوجوانان جهان است. دغدغه هایش شامل حال همه ماست. از هویت و پیدا کردن نقش واقعی در زندگی گرفته تا درس خواندن و مهارت آموزی و دوست پیدا کردن را می توان با جید تجربه کرد و چیزهای زیادی یاد گرفت. البته که این کتاب فقط به نوجوانان تعلق ندارد و به نظرم لازم است که هر کسی در هر سنی آن را بخواند، زیرا راهنمایی است جامع، برای یافتن و کنار هم قرار دادن صحیح تکه هایی که ما را می سازند! «همه چیز هزار تکه می شود و بعد با خودم فکر می کنم نکند زندگی دخترهای سیاهپوست همین است، نکند تکه پاره ها را به هم بدوزم و دوباره همه چیز از هم بشکافد، بدوزم و بشکافد. فکر می کنم یعنی راهی هست که دختری مثل من هم احساس کند کامل است؟»

زندگی

در باب مسائل عمومی، فردی و کلان‌فرزندداری

این یکی به همه مربوط است!

سارا مؤمنی

دانشجوی دکتری مدیریت رسانه

به طور مثال بزرگترهای فامیل و پدر و مادر بزرگ‌ها اغلب بدون توجه به مسائل کلان و مسائل فردی، مشوق ازدواج و فرزندآوری هستند و با گره زدن مسائل به اراده خدا و روزی بخشی او، امیدبخش جوانان هستند.

اما دوستان، همسالان، والدین و نزدیکانی که مسائل فردی و جامعه برایشان ملموس تر است، اغلب نگران می‌شوند، از طرفی حاکمیت را می‌بینند که تشویق به فرزندآوری کرده و کم شدن جمعیت فعال کشور را یادآوری می‌کند.

بازنگر اصلی مسأله فرزندآوری

فارغ از تصور و سخنان عموم مردم که شامل خانواده، دوست، فامیل و نزدیکان ما می‌شود، خود ما هم برای انتخاب امر ازدواج و فرزندآوری نظرها و انتخاب‌های فردی متفاوتی داریم که البته همین انتخاب‌های فردی و شخصی ما از مسائل مختلفی مانند تجربه زیسته ما، مشاهده‌گری، تربیت و اعتقاداتی که داریم و البته مسائل کلان کشوری متأثر است.

ممکن است ما در یک خانواده شلوغ پرجمعیت بزرگ شده باشیم و براساس تجربه مثبت یا منفی از این تجربه، برای آینده خودمان هم تصمیم بگیریم.

ممکن است اهدافی در آینده داشته باشیم که ازدواج و فرزندآوری ما را به زمانی دیرتر موکول کند، ممکن است براساس تربیت دینی و اعتقاداتی که داریم، تصمیم بگیریم به موقع ازدواج کنیم و بچه دار شویم، حتی ممکن است براساس اعتقادات ملی و سیاسی و نیاز کشور به افزایش جمعیت،

زود ازدواج کنیم و بچه دار شویم؛ به جز حالت آخر که بخش اقلیتی از جامعه را ممکن است در بر بگیرد، باقی تصمیم‌ها انتخاب فردی است؛ در واقع می‌توان مسیر روشن را نشان افراد داد، اما کسی مجبور به انتخاب نیست. تفکر و نگرش فرد تا حدی در این وضع مهم است که تا

راستش هیچ کدام از مسائل کلان کشوری نیست که به اندازه جمعیت، ما را در مواجهه مستقیم با دولت و کشورمان قرار دهد. در واقع جمعیت، یکی از مسائل کلان کشور است که کم و کیف آن به سبک زندگی تک تک ما وابسته است.

در واقع این طوری نیست که آنچه که برای آینده خودمان انتخاب می‌کنیم، نتیجه و تبعاتش فقط به خود ما برگردد. نتیجه انتخاب ما برای این که ازدواجی زود، به موقع یا دیر داشته باشیم یا اصلاً ازدواج نکنیم و همچنین، انتخاب ما برای این که زود، به موقع یا دیر بچه دار شویم یا اصلاً بچه دار نشویم، علاوه بر این که یک نتیجه فردی برای ما و زندگی مان دارد، یک نتیجه جمعی هم برای جامعه و کشوری که در آن زندگی می‌کنیم، خواهد داشت. بنابراین، چیزی که در سطح کلان آنقدر مهم است و اثرگذاری جدی و مهمی برای پیشرفت و رشد یک کشور دارد، آماده‌سازی، توجه، مراقبت و هدایت کلان هم می‌خواهد. این یعنی، اگرچه ما درباره ازدواج و فرزندآوری تصمیم گرفته و انتخاب می‌کنیم که چه کاری انجام دهیم، اما همین تصمیم گرفتن، انتخاب کردن و به مرحله اجرا رساندن تک تک ما، به مسائل کلان کشوری وابسته است. علاوه بر این، نگاه کلی جامعه از انتخاب فرزندداری ما علاوه بر عرف و تصورات قالب روزمره، از همین مسائل کلان کشوری هم اثر می‌گیرد. بنابراین این بُعد از سبک زندگی ما اگرچه با انتخاب ما شروع می‌شود، اما ظاهراً این یکی به همه مربوط است!

سیاهی لشکران مهم مسأله فرزندآوری

اگر فیلم‌های تلخ و سیاه‌نما را کنار بگذاریم، در واقعیت خیلی کم پیش آمده که خبر بارداری دوست و آشنا را بشنویم و خوشحال نشویم. تصور و تفکر عموم مردم درباره فرزندآوری، خوشحال کننده و خوب است. اما در کنار این که همه در ابتدا آن را تشویق می‌کنند و از شنیدن خبرش خوشحال می‌شوند؛ آرام آرام پس از ته نشین شدن خوشحالی، زندگی شما، خودتان و تصمیم‌تان را مرور می‌کنند. اینجا همان جایی است که وابسته به تصورات قالبی خودشان که برآمده از زندگی روزمره و فرهنگ است و همچنین مسائل کلان کشوری که حول موضوع فرزندآوری وجود دارد، درباره شما و انتخابتان فکر می‌کنند و حرف می‌زنند.

در این شکی نیست که به طور کلی فرزندآوری امری پسندیده و خوب در جهانی است که داریم زندگی می‌کنیم؛ اما با چه کم و کیف و مختصاتی و در چه زمانی؟ عبارت «مردم چی می‌گن» خلاصه مسأله فرزندآوری در نگاه مردم است. خواسته و ناخواسته، نظر مردم درباره ما و تصمیم‌مان مهم می‌شود و گوشه‌ای قابل توجه از ذهن ما را درگیر می‌کند و ممکن است روی تصمیم‌مان نیز اثر بگذارد. اغلب در «دیر یا زود» ازدواج کردن یا بچه دار شدن است که عموم لب به سخن و قضاوت باز می‌کنند که البته مقیاس دیر یا زود بودن یک امر، در نگاه همه یکی نیست.

دوم خرداد در باغ شازده

علیرضا طباطبایی
نویسنده



اقتصاد و وضع مالی خانواده‌ها به چشم می‌خورد. گرانی و تورمی که در سطح کلان وجود دارد، وارد زندگی و خانه تک تک افراد شده و آدم‌ها در گروه‌های سنی مختلف در نهاد خانواده با حجمی از مسائل مواجهند که باعث می‌شود درباره آینده خود تصمیم متفاوتی بگیرند؛ برای همین بخش اقتصادی یک مثال فرضی می‌زنم: دختر جوانی که تلاش بی‌وقفه پدر و مادرش را برای خرید جهیزیه‌اش می‌بیند، در حالی که پدرش بیمه تکمیلی ندارد و با درد کلیه‌اش زندگی را می‌گذراند، یا پسر نوجوان محصلی که برادر کوچکتر این دختر است و همه اینها را می‌بیند و خودش هم درگیر مسائل مختلف آموزشی و فرهنگی در مدرسه است، یا پسر بچه کوچکی که برادر کوچک این خواهر و برادر است و خواسته‌های کودکانه‌اش برآورده نمی‌شود، همه در حال مشاهده، تجربه و تصمیم هستند. خود این خانواده برای دیگران نیز، محل تجربه و مشاهده است. وضعیت مسکن و کم و کیف خانه افراد، وضعیت خوراک و پوشاک و نیازهای اولیه زندگی همگی اثر مستقیمی بر انتخاب افراد درباره دو مسأله ازدواج و فرزندآوری دارد.

در حوزه قانونی و فرهنگی می‌توانم مادری را مثال بزنم که در دوره بارداری سخت‌ترین لحظات و تجارب فرهنگی، اقتصادی، خانوادگی و قانونی را گذرانده و به خاطر فرزندآوری از کارش هم بیکار شده باشد؛ قطعاً او نه تنها مشوق دیگران برای فرزندآوری نیست بلکه خودش هم به فرزندآوری دوباره فکر نخواهد کرد. بنابراین وقتی مسأله آموزش، قانون، اقتصاد و فرهنگ در حوزه فرزندآوری دچار ضعف باشد و بارش روی دوش خانواده‌ها احساس شود، تربیت نسل و فرزندآوری از مسیر متعادل خودش خارج می‌شود؛ بنابراین هرچقدر هم که عموم و فرد در حوزه فرزندآوری مشتاق باشند و انتخابشان ازدواج و فرزندآوری باشد، تا رسیدن به اجرا و نتیجه این انتخاب فاصله زیادی دارند. این فاصله را حل مسائل کلان کشوری پرمی‌کند که کار امروز و فردا نیست و به یک بازه زمانی بلندمدت نیز نیاز دارد.

خودش به نتیجه نرسد، امکان تغییر انتخاب ندارد. اما مسأله اصلی این است که آن نگاه اولیه عموم به فرزندآوری که سرمنشأ خیر و خوبی دارد، در نگاه فردی بخش عظیمی از افراد جامعه وجود دارد؛ آدم‌ها به طور کلی دوست دارند مستقل باشند، جوانی کنند، عاشق شوند، ازدواج کنند و حاصل ازدواج و مهرشان فرزندانی شود که رشد و پیشرفت آنها و جامعه خود به واسطه آنها را ببینند؛ این گروه بخش عظیمی از جامعه هستند که به دلایل مختلف وارد سنین بالا شده یا هنوز ازدواج نکرده‌اند یا فرزند نمی‌دارند. من فکر می‌کنم در وضعیت کنونی مسأله فرزندآوری بیش از این که از عموم مردم و خود فرد متأثر باشد، مسائل کلانی در ابعاد اجتماعی، فرهنگی، اقتصادی و آموزشی بر فرزندآوری اثر دارد.

بازیگران بزرگ اما در سایه مسأله فرزندآوری

همین که از کل فیلم‌های جشنواره فیلم فجر امسال فقط یکی از آنها درباره فرزندآوری است و آن هم راهکار حل مسأله فرزندآوری را در رسیدن «ارث» به زوج می‌داند، باید پایان راه این مسأله را از همین الان بخوانیم. کل جامعه به طور مستقیم و غیرمستقیم درگیر مسائل کلان هستند و زندگی فردی و عمومی آنها متأثر از همین مسائل است؛ مسائلی در بخش‌های مختلف اقتصادی، سیاسی، قانونی، فرهنگی، آموزشی و اجتماعی که موجی از نگرانی و اضطراب را برای افراد به وجود آورده و باعث شده که بسیاری از ازدواج و فرزندآوری‌ها در سنین بالا و دیررقم بخورد یا این که اصلاً اتفاق نیفتد. در رأس این مسائل هم،

تقریباً ۱۰ ساله بود که انتخابات ۲ خرداد برگزار شد. ما قم زندگی می‌کردیم. کنار ریل راه آهن، در محله باغ شازده. محله ما یک محله نسبتاً فقیرنشین بود با کوچه‌های فرعی، کوچک و بن بست‌هایی که در تابستان و عصر روزهای زمستان و پاییز پُر می‌شد از بچه‌ها. یادم هست آن سال انتخابات که شد ما هم درگیرش شدیم.

من طرفدار ناطق بودم. خاتمی به نظر ما نماد اوضاع بدجایی خانم‌هایی که در تهران می‌دیدیم، بود. توی روزگار بچگی یادم است که در راه مدرسه و برگشتن از وضع جامعه و سیاست تحلیل سیاسی می‌کردیم. از هاشمی و ناطق و خاتمی و از اینکه زواره‌ای وری شهری چرا اصلاً در انتخابات شرکت کرده‌اند.

یادم هست که برآورد هم داشتیم از وضعیت و البته نظرسنجی هم می‌کردیم و به این نتیجه رسیده بودیم با اینکه انگار خاتمی رأی بالاتری دارد اما معلوم است که ناطق رئیس جمهور خواهد.

حالا همه اینها را گفتم که به تفاوت‌های امروز جامعه برسیم. چند روز قبل با برادر دانشجوییم حرف می‌زدیم از وضعیت سیاسی دانشگاه‌شان و اینکه اوضاع انتخابات چطور است.

دیدم تقریباً هیچ خبری نیست، اصلاً برایشان مهم نیست که چه اتفاقی در حال وقوع است و گروه‌های سیاسی در چه حالی هستند.

این نشانه جالبی است از جامعه ما از سیاستی که روزی در وسط زندگی روزمره چندتا بچه بوده در یک محله فقیرنشین قم، حالا در یکی از دانشگاه‌های مهم کشورش هم اثری ندارد و خبری ازش نیست.

انگار بی تفاوتی نسل جدید نسبت به اتفاقات سیاسی جدی‌تر می‌شود.

کنش‌هایش فردی‌تر و دوری‌اش از حاکمیت و فضا سیاسی کشور بیشتر.

نسبت مستقیمی بین دغدغه فضای سیاسی و اهمیت دادن به کشور و وضع اداره آن برقرار است اگر نتوانیم مردم را و مهم‌تر از همه بخش‌ها، جوانان را به میدان سیاست برگردانیم، اگر نوجوان و جوان ما دغدغه‌ای برای اداره کشور نداشته باشد، ۲۰ سال دیگر این کشور عجیب نگران‌کننده خواهد بود.

اصلاً برای بسیاری از دانشگاه‌ها اصلی کشور، مهم نیست که چه اتفاقی در حال وقوع است و گروه‌های سیاسی در چه حالی هستند



در اهمیت زبان رسمی کشور و فرهنگی که آن زبان با خود به همراه دارد

زبان مشترک ما چیست؟



همه مادر آغاز کار، بالفطره زبان شناسیم. مادر بچگی می توانیم تمام ۶۰۰ صامت و ۲۰۰ مصوتی که زبان های دنیارامی سازند بشنویم

متعجب به مادرش نگاه می کرد. مادر دوقلوها آمد و از کودک دلجویی کرد و بچه ها را با خودش به سمت میزهای کتابخانه برد. جدا از رفتار تا حدی عجیب دخترها، آنچه آن کودک جدید را متعجب کرده بود، صحبت آنها به زبان انگلیسی نبود، در نظرش آنها از سیاره دیگری آمده و با یک موجود جدید مواجه شده و داشتند او را واریسی می کردند و با زبان دیگری نیز حرف می زدند.

بچه ها مدام می پرسیدند که خاله چرا فارسی صحبت نمی کنند، چرا اینا اینطوری هستند؟ این دو اولین کودکان زیر ۶ سالی نبودند که در این ۲ سال گذشته دیدم که زبان اول شان در ایران با پدر و مادر ایرانی و فارسی زبان، انگلیسی بود. یکی از این بچه ها، یک پسر ۳ ساله بود که در کتابخانه در مواجهه با یک کتاب پارچه ای و عروسکی که در اختیارش

گذاشته بودم، گفت: سو (SO) سافت (soft) و نازه! و یکی در میان انگلیسی و فارسی حرف می زد. والدین آنها تصمیم گرفته بودند تا از ظرفیت زبانی و هوش فرزندان شان استفاده کنند و در شروع صحبت و زبان آموزی آنها یک زبان را که به نظرشان کاربرد بیشتری از زبان فارسی دارد، به آنها بیاموزند.

تدبیر خوبی است، هم زبان خودشان را تقویت می کردند و هم دیگر نیاز نیست بچه ها در آینده به کلاس های مختلف زبان بروند و از یادگیری زبان، فقط خستگی راه و سختی آزمون ها را به یاد داشته باشند. با زبان مدرسه هم کارشان راه خواهد افتاد، چون به مکالمه نیز تسلط دارند.

در ظاهر که ایرادی ندارد، تدبیر بسیار پسندیده ای است و حتماً در آینده هم از والدین شان تشکر می کنند که این رنج و زحمت را کشیدند و به آنها زبان آموختند. ایراد کار به نظرم همان عدم تطابق فرهنگی با جامعه ای است که در آن زندگی می کنند، زبان تنها آموختن حروف و چند کلمه برای صحبت کردن نیست. زبان ابزاری برای انتقال فرهنگ و فکر است.

همه ما در آغاز کار، بالفطره زبان شناسیم. ما در بچگی می توانیم تمام ۶۰۰ صامت و ۲۰۰ مصوتی که زبان های دنیا را می سازند بشنویم. در سال اول زندگی، تخصصی شدن مغزمان شروع می شود، یعنی با صداهایی هماهنگ می شود که بیش از همه می شنویم. بچه های چند ماهه به زبان مادری شان می شنوند. حتی نوزادان با لهجه گریه می کنند،

یعنی ادای گفتارهایی را درمی آورند که در شکم مادر

الهام اسماعیلی
نویسنده



از پله های کتابخانه با سروصدای زیاد بالا آمدند و به طبقه کودک رسیدند. از صداهایشان چیزی متوجه نشدم، چون فارسی حرف نمی زدند. وقتی رسیدند و سلام بلندی بهشان کردم با لهجه غریبی جوابم را دادند، دو دختر دوقلو ۶ ساله با لباس های یک شکل و موهایی که دوگوشی بسته بودند، همراه با مادرشان در آستانه ورودی کتابخانه ایستادند.

ازشان پرسیدم که اهل کجا هستید و ما را از کجا یافتند؟ دخترها که انگار متوجه صحبت های من نشدند، مادر جواب داد که ایرانی هستند و دخترها را برای معاشرت و شرکت در جمع همسالان به کتابخانه آورده است.

مادر گفت: از ابتدای تولد در منزل با آنها انگلیسی صحبت کرده، انیمیشن های انگلیسی را تماشا کردند و بچه ها به مرور جذب این زبان شدند و آن را انتخاب کردند. خودش مدرس زبان بوده که بعد از تولد بچه ها تنها شاگردانش دخترهایش بودند. گفت بچه ها در دوران کرونا که ارتباط انسانی با کسی غیروالدین نداشتند و در منزل بودند.

بعد از آن نیز از کودکان دوری می کردند و تمایلی به ارتباط با همسر خود نداشتند. مدت کوتاهی است که علاقه مند به کودکان شدند و در خیابان و پارک و مکان های مختلف، به سمت بچه ها رفته و آنها را نوازش می کنند و از آنها می خواهند تا با هم بازی کنند که اغلب با مخالفت یا تعجب بچه ها روبه رو می شوند و هیچ ارتباط مفید و دوستانه ای را تا به حال شکل ندادند.

حالا به این فکر کردند که در کتابخانه، ارتباط با کتاب و بچه ها شاید بتواند توجه و تمرکز آنها را تقویت کند. دو دختر دوقلو فقط به صدای مادر که او هم انگلیسی صحبت می کرد، واکنش داشتند و به سایرین بی توجه و مشغول کنجکاو در بخش های مختلف کتابخانه بودند.

زمانی که یک کودک جدید وارد کتابخانه شد، با گفتن baby baby به سمت او رفتند و کودک از همه جا بی خبر در وسط کتابخانه بی حرکت مانده بود و با چشمانی



بچه های چند ماهه به زبان مادری شان می شنوند. حتی نوزادان با لهجه گریه می کنند، یعنی ادای گفتارهایی را درمی آورند که در شکم مادر شنیده اند





شنیده اند. با تخصصی شدن، مهارت‌هایی را که لازم نداریم دور می‌ریزیم. پس وقتی از نوزادی تا ۳ سالگی که بیشترین رشد جسمی در مغز صورت می‌گیرد در حال تجربه جهان با کلمات انگلیسی است و اولین مفاهیم را با آن زبان که بیشتر تکلم می‌شود، می‌آموزد، از همان زمان شکاف فرهنگی کودک با همسن و سالانش شکل می‌گیرد، در مهد کودک، مدرسه یا پارک او یک کودک بدون پیشینه مشترک فرهنگی و اجتماعی است. البته این را می‌دانیم که بسیاری از بچه‌ها با انیمیشن‌های مختلف در حال زبان‌آموزی هستند که در بین شان مشترک است، اما در خانواده که با پدر و مادر انگلیسی حرف نمی‌زنند.

آن کودک که محیط خانواده برایش مانند یک کشور دیگر است تا مانند بومیان آن منطقه صحبت کند، در اولین جامعه که خانواده‌اش باشد با ارزش‌های متفاوتی نسبت به جامعه بزرگتر که مدرسه، مسجد و شهرش باشد، بزرگ می‌شود.

به هر حال هر زبان حاوی ارزش‌های فرهنگی خاص خودش است. وقتی کودک با یک انیمیشن انگلیسی اولین بار مفهوم عشق یا دوستی را بفهمد، با آنچه در زبان فارسی و فرهنگ جاری در کشور وجود دارد، تفاوت خواهد داشت. او در آینده در اشتراک‌گذاری مفاهیم با همسالان شاید دچار مشکل شود.

البته که در عصر رسانه و جهان وطنی شدن کودکان و نوجوانان هستیم و زبان جدیدی در حال شکل‌گیری است و ممکن است مفاهیم مختلف شکل واحدی به خود گیرند.

حال جدای از زبان انگلیسی، بارها دیده‌ایم که اگر در خانواده زبان دومی وجود داشته باشد، مثلاً ترکی، در مدرسه توضیح بعضی از مفاهیم به دوستان که با آن زبان فراگرفته، دشوار است و همواره یک فاصله را در آن مفهوم، مثلاً محبت، حسادت و... حس خواهد کرد، مگر با دوستان همزبان خودش.

البته که احساس ضرورت یادگیری زبان رسمی در کودکان خیلی پررنگ است، چون تسلط بر آن زبان برای بقا اجتماعی شان حیاتی است؛ دوست پیدا کردن، پذیرفته شدن، در جمع جا گرفتن از مهارت‌های ارتباطی است که با فراگیری زبان رسمی جامعه اتفاق می‌افتد و کودک زود خودش را با جامعه منطبق می‌کند.

آنچه برای همه ما از حضور آن کودکان در کتابخانه تعجب برانگیزتر بود، شیوه ارتباطی متفاوتی بود که داشتند. زیرا آنها در اثر تعامل با یکدیگر و آموختن یک زبان متفاوت از زبان رسمی جامعه، مهارت‌هایی را یاد گرفتند که در عرف جامعه ما مرسوم نیست و از سوی غالب افراد و حتی کودکان به عنوان یک مهارت ارتباطی شناخته نمی‌شد. البته با مشاهده ارتباط بچه‌ها با هم در کتابخانه، متوجه شدم که خودجوش به آنها درباره نحوه صحبت کردن و ارتباط با سایرین در حال آموزش هستند و قطعاً با ورود به مدرسه اگر پارافراتر از خانواده و رسانه‌شان بگذارند، این تعامل‌های اجتماعی را زود یاد می‌گیرند و آموزه‌هایشان را نیز به اشتراک خواهند گذاشت. اینجا فقط شاهد تصمیمات والدینی هستیم که متناسب با تجربه زیسته و علایق شان، کودک را در مسیری قرار می‌دهند که برای ماندن در جامعه به تلاش مضاعف نیاز دارد. گاه خودخواهی و نمایش ضمیمه عملکرد والدگری مان می‌شود و حتی برای تغییر مسیر و بهبود شرایط برای فرزندمان مشاوره و راهنمایی را نیز نمی‌پذیریم. به هر حال آن کودکان راه را خواهند یافت. امید داریم که تصمیم‌های والدگری ما را درک کنند و بپذیرند.

سردی و خشکی و آلودگی و حالا برف اسفند



برف بالاخره آمد

آن هم نه در

تجریش و قیطره

تهران که قم و

کاشان و کرمان

هم برفی شدند

امروز دیدم یکی از رفقایم جایی نوشته «برف برای من نماد شادی است وقتی برف می‌آید همه خوشحال می‌شوند و این خوشحالی جمعی برای من خوشحال کننده است.»

حالا از اینکه برف برای برخی مایه خوشحالی نیست و اینها که بگذریم برای آدمی مثل من که دنبال نشانه‌ها در عالم و زندگی می‌گردد، این برف دیر هنگام معانی جالبی داشت.

وقتی آذر و دی و بهمن خشک گذشت و نگاهمان به آسمان خشک شد و دریغ از قطره‌های باران و دانه‌های برف، حس خشکی و سردی به خیلی‌هایمان داد. سردی و خشکی و آلودگی شهرهای بزرگ حالمان را بد کرد، خاطره روزهای برفی سال‌های قبل هم که یادآوری می‌شد، بیشتر حالمان را بد می‌کرد.

برای من این سردی و خشکی همزمان شد با اتفاقات عجیب و غریبی در زندگی که خب سخت و اتفاقاً سرد هم بود.

شنبه که هشدار برف روی گوشی آمد نشسته بودم و نگاه می‌کردم به امید ناگهانی و بی‌وقتی که به دل‌م افتاد. برف بالاخره آمد آن هم نه در تجریش و قیطره تهران که قم و کاشان و کرمان هم برفی شدند. این امید سرازیر شده سفید از آسمان ناگهانی ریخت توی دل‌م.

برای من اینجوری دیده شد که آسمان قرار نیست با برنامه‌ریزی ما کار کند. رحمتش قرار نیست با آلام ما فعال شود اما خدا آن بالاست. ما نه تشنه می‌مانیم، نه گشنه، نه بی‌سقف فقط باید صبر کنیم و امیدوار باشیم تا آن روزی که قرار است برسد.

برف اول اسفند این زمستان خشک می‌تواند نماد هزار و یک چیز مختلف باشد برای آدم‌های مختلف، اما برای من نماد امیدوار ماندن به آسمان است به آسمانی که بالاخره نگاهش را از پایش بر نمی‌دارد و می‌بارد.

اینکه ما چقدر یادمان نرود این آسمان را و اینکه باربند زمستانمان را به خاطر خشکی جمع نکنیم البته دست ماست. ما بیل می‌زنیم و زمین‌مان را آماده می‌کنیم این سهم ماست، آسمان هم باید سهم خودش را ادا کند.



گزارشی از جایگاه مدرسه در همراهی با تغییرات جسمی و روحی دختران نوجوان

دختران ایمن، معلمان آگاه

سمیه ملاتبار
نویسنده



معلم جوانی به ما
می گوید به دلایل
مذهبی و شروع
شدن سن بلوغ
و تکالیف دینی،
آگاهی دختران
دانش آموز بیشتر
شده است

تقدیم به همه دختران نوجوان عزیزی که آینده ساز و مایه افتخار و غرور ایران سرفراز اسلامی هستند. شاید خیلی ازما از فضای نوجوانی فاصله گرفته باشیم ولی دور و برمان دختران نوجوانی وجود دارند که ذهن ما را به روزهای تغییرات هورمونی آن روزهای خودمان نزدیک کنند. حواسمان به تغییرات دوران بلوغ دختران نسل امروز هست؟ نقش معلم ها و دبیران آموزشی را برای آسان گذشتن از این ساعات در مدرسه چطور می بینید؟ معلم های ما چطور می توانند از دختران دانش آموز در این دوران مراقبت کنند؟ معلم جوانی به ما می گوید به دلایل مذهبی و شروع شدن سن بلوغ و تکالیف دینی، آگاهی دختران دانش آموز بیشتر شده است چون مربیان پرورشی مدارس در زمینه احکام فقهی دوره بلوغ مانند نماز، روزه و غسل مرتبط با این دوره با دختران زیاد صحبت می کنند. هرچه آگاهی از تغییرات در این دوران برای دختران بیشتر شود، برنگرش و عملکرد مثبت و منفی شان در مورد این روزها هم تأثیرگذار است و موجب سلامتی جسمی و روانی دختران هم می شود. خجالت کشیدن، احساسات متناقض، نگرانی، شوک شادی و ترس، گوشه نشینی، احساس علاقه یا تنفر بیش از حد به دوستان، کمال گرایی زیاد، دردهای جسمانی و روانی جزو رفتارهایی هستند که گاه متضاد به نظر می رسند. برای همین ما مصر هستیم که دختران ما بدانند

باید برای به دست آوردن سلامتی خود، کاری انجام دهند. خودمان هم از میزان مسئولیت های درسی شان کم می کنیم. مصرف کلسیم و منیزیم، خوردن یا نخوردن بعضی از مواد غذایی و مکمل ها را که در تشدید علائم این دوره مؤثر هستند هم که مدام توسط معلم بهداشت مدرسه دارند می شنوند. اینکه به جای تنقلات ناسالم، میان وعده هایی مثل بادام و توت داشته باشند و سعی کنند یک بطری آب چندبار مصرف همراه خودشان داشته باشند و قبل و حین این دوره، آب بیشتری بخورند، چون باعث می شود درد و گرفتگی عضلاتشان کمتر بشود. گاهی هم معمولاً حرف های عجیبی از این روزها از دیگران شنیده اند که با چند جلسه مشاوره طرز فکرش بهتر شده بود. اما معمولاً دخترها دوست ندارند در این روزها به مدرسه بیایند. ما هم سخت نمی گیریم و با همکاری خانواده ها سعی می کنیم در آن روزها دچار افت تحصیلی نشوند و چطور احساسات متناقض و دردهایشان را تحت کنترل خودشان بگیرند. بقیه معلم ها هم تا الان درک خیلی خوبی داشتند. برای ساعت های ورزشی هم هیچ دانش آموزی تحت اجبار قرار نمی گیرد، به زور از کسی تمرینی خواسته نمی شود. به جایش دوسه حرکت سبک یا یوگا را برای کاهش گرفتگی عضلات و بهتر شدن حال روحی یادشان می دهند.

من معلم یک منطقه کوچک روستایی هستم. فضای فرهنگی متفاوتی با مدارس سطح شهر دارد. مثلاً دخترها حالشان در کلاس که بد می شود و اجازه می خواهند که بیرون بروند، تا می پرسم عادت ماهانه هستی؟ شوکه می شوند از

اینکه راحت دارم این سؤال را می پرسم. بعد هم خجالت می کشند. اوایل از نماینده کلاس می خواستم که همراهی شان کند تا به نمازخانه بروند و دراز بکشند ولی بعد فهمیدم که در نمازخانه قفل است و باز نمی کنند. اتاق دیگری در مدرسه هم که نداریم. برای همین دختران ما در این روزها گاهی مجبور هستند که تا آخر کلاس روی نیمکت بنشینند و تحمل کنند. راستش وضعیت نیمکت ها هم مناسب نیست. برای همین آن روز اصلاً از بچه ها درس نمی پرسم و واقعاً بیشتر از این به عنوان معلم، کمکی از من ساخته نیست. من خودم چون دوره های سختی داشتم و با خجالت کشیدن هایم هم خیلی خودم را اذیت می کردم، دلم



دغدغه خود من به عنوان مشاور در مدرسه، عادت ماهانه بدون زباله است. در اتاق بهداشت مدرسه ما همیشه باز است، بچه‌ها وقتی دل درد داشته باشند می‌توانند آنجا دراز بکشند و از کیسه آب گرم هم استفاده کنند



در نمازخانه مدرسه
ما قفل است و
دانش آموزان
امکان استراحت
در مدرسه را ندارند
و مجبور هستند در
تمام ساعات پشت
میزشان بنشینند
و این گاهی
آزاردهنده است



در مدرسه ما معلم
بهداشت مدام درباره
مصرف کلسیم و
منیزیم، خوردن
یا نخوردن بعضی
از مواد غذایی و
مکمل‌ها که در
تشدید علائم این
دوره مؤثر هستند با
دانش آموزان
صحبت می‌کند

همین به دختران هم توصیه می‌کنم که سعی کنند در عادت ماهانه‌شان هیچ زباله‌ای به محیط زیست اضافه نکنند. توصیه دیگر خوردن دمنوش‌هایی مانند بابونه، پونه یا زنجبیل به جای چای سیاه است که هم آرامش بیشتری دارد و هم در کم کردن درد مؤثر است. در اتاق بهداشت مدرسه ما همیشه باز است، بچه‌ها وقتی دل درد داشته باشند می‌توانند آنجا دراز بکشند و از کیسه آب گرم هم استفاده کنند. به بچه‌ها توصیه شده است که با کمی ورزش و نرمش استراحتی داشته باشند. در مدرسه ما مسکن و پد بهداشتی همیشه موجود است. اگر معلم‌ها فضای صحبت را فراهم کنیم، بچه‌ها راحت‌تر می‌توانند در مورد نیازهایشان صحبت کنند. به بچه‌ها یاد دادیم که به معلمات بگویند که در دوران بلوغ هستند و خجالت نکشید. همه معلمان با این فرآیند آشنا هستند و می‌توانند کمکتان کنند. گرچه در نسل الان، خانواده‌ها ریلکس‌تر از زمان ما برخورد می‌کنند. مثلاً شاید ما نمی‌توانستیم به خاطر درد این دوره به مدرسه نرویم ولی الان برخورد بهتری در مدارس می‌شود. یک سری یونیفورم اضافه هم همیشه در مدرسه داریم که اگر لباس دانش‌آموزی کثیف شد، دیگر دغدغه نداشته باشد که چطور به خانه برود. نقش اعتماد به مشاور خوب در کنار معلم بهداشت مدارس هم خیلی مؤثر است، مشاوره‌ای که صرفاً با اصول دین نخواهد با بچه‌ها صحبت کند و همه چیز را به مذهب ربط ندهد و آنقدر اطلاعات کافی و مطابق با نسل امروز باشد که بتواند به پرسش دختران از این دوران، به طور علمی پاسخ دهد. دخترانی که در سن ۱۱ تا ۱۲ سالگی، با عادت ماهانه روبه‌رو می‌شوند، شاید به لحاظ فیزیکی بدانند که چه اتفاقی دارد می‌افتد ولی هنوز نتوانند در مورد تغییرات خلق و خو و یکسری از حالات روحی‌شان با خانواده صحبت کنند. نقش اعتماد به مشاور اینجا اهمیت پیدا می‌کند. نسل الان، جواب می‌خواهد.

جمع‌های دوستانه خارج شده و برای خودش کتاب و ساعت درسی پیدا کرده است. تجربه مدت تدریس من با دختران ثابت کرده است که اگر این روزها مورد توجه قرار گیرند، حتی قدرت بدنی‌شان هم افزایش پیدا می‌کند و تجربه مثبت و خوشایندی از این روزها خواهند گرفت و نسبت به همسالان‌شان که این دوره را طی می‌کنند هم عکس‌العمل مناسبی خواهند داشت و بهتر هم دیگر رادارک می‌کنند. در دوران ما می‌گفتند که دختران در شرایط خاص نباید به حمام بروند، بعد بوی بدن هم آزاردهنده می‌شد و ما فکر می‌کردیم که داریم کار خوبی می‌کنیم. برای همین به نظر من قدم اول، صحبت در مورد این مسایل در مدرسه است. تا زمانی که به طور شفاف و مشخص در موردش صحبت نشود و اطلاعات بچه‌ها درست نباشد، کار دیگری نمی‌شود کرد. مسأله دیگر که دغدغه خود من به عنوان مشاور در مدرسه رعایت بهداشت است. برای بچه‌ها و مادرهایشان جلساتی گذاشتم و در این خصوص حرف زدیم که این پدها که دور انداخته می‌شوند، قابل بازیافت نیستند و چون جزو مواد سلولزی هم هستند، درخت زیادی برای تولید مواد سلولزی استفاده می‌شود، در کنار آن بحث مصرف آب هم جزو دغدغه‌های جلساتم شده است که در تولید این مواد سلولزی مانند پد بهداشتی و دستمال، آب زیادی در کارخانه‌ها استفاده می‌شود. به همین دلیل یکی از کارهایی که می‌شود برای مدیریت بهتر در کم کردن زباله داشت، استفاده از پد پارچه‌ای و قابل شست‌وشو است که الان هم خیلی فعالان زیادی برای تولیدش وجود دارند. همیشه در جلساتم می‌گویم که خودم در سال ۹۸، شش پد خریدم بودم که تا الان هم دارم استفاده می‌کنم و در این سه سال شاید فقط دو یا سه بار به خاطر سفر که امکان شست‌وشو برایم وجود نداشت، مجبور شده‌ام محصولات بهداشتی بخرم. برای

می‌دهیم تا عقب نمانیم و در کلاس‌های تخصصی نمی‌شود به این موارد توجه کرد که کدام دانش‌آموز چه حالتی دارد. بچه‌های نسل الان هم آنقدر شیطنت دارند که دل یکسری از معلم‌ها پر است. سعی می‌کنم همکاران را هم با یادآوری طبیعت دوران بلوغ آرام کنم. من نگاهم به بلوغ دانش‌آموزانم مثبت است و به نظرم در کنار چالش‌هایش، دوران شیرینی هم هست. یکی از دیرین دینی می‌گوید که بچه‌ها سرکلاش خیلی جبهه می‌گیرند، دیگر مثل گذشته نیست که ساکت بنشینند گوش دهند و فکر کنند هر چه که در کتاب گفته می‌شود درست است. می‌گویم که گارد دفاعی ما فقط دوران می‌کند. نباید به دل گرفت. اکثر بچه‌ها این روزهایشان را دوست ندارند و یا اگر والدین یا بزرگترهایشان بخواهند رمانتیک جلوه‌اش دهند، گیج می‌شوند، برای همین فقط می‌شود با همدلی پیش رفت و احساساتشان را محترم شمرد. این اتفاق هر لحظه و هر جایی ممکن است برای دانش‌آموز رخ دهد، نکات لازم را ما در کلاس‌ها مدام یادآوری می‌کنیم. مثل داشتن خواب کافی، توصیه به خوردن جگر، قرص آهن برای جبران خون از دست‌رفته و مصرف میوه و تهیه لباس و محصولات بهداشتی مناسب و استحمام کافی. در کتاب‌های درسی مثل تفکر و سبک زندگی هم در مورد بلوغ صحبت خوبی شده است. معمولاً هم که بچه‌ها زمان وقوع آن را می‌دانند، برای همین از چند روز قبلاً چند پد به همراه دارند اما در دفتر مدرسه هم پد وجود دارد که معمولاً اگر کسی به آن نیاز پیدا کند، سراغ معاون می‌رود و می‌گیرد. اگر هم لازم باشد، با خانواده تماس می‌گیریم و می‌گوییم که دخترشان درد دارد که اگر می‌توانند دنبالش بیایند. برای ما معلم‌ها هم جلسات روانشناسی می‌گذارند که چطور با دانش‌آموز در این دوران رفتار کنیم. الان دیگر با زمان مدرسه ما فرق کرده است. الان گفت‌وگوهای پنهانی و حرف‌های مگو، رفته‌رفته از گوشه مدارس و

نمی‌خواست که همان روال را در نسل بعدی هم ببینم. دادن مسکن هم که در مدرسه ممنوع است چون شاید حساسیت دارویی پیش بیاورد و مسئولیتش به گردن مدیر می‌افتد. دخترهای مدرسه ما حواسشان به خودشان و تغییراتشان نیست. سعی می‌کنم صحبت بیشتری با هم در کلاس داشته باشیم چون به گفته والدین، دخترها از معلم‌ها حرف شنوی خوبی دارند. سعی خودم را می‌کنم که یاد بگیرند دوران بلوغ عجیب و پنهان کردنی نیست و می‌توانند زنگ‌های تفریح را در کلاس بمانند و به معاون بگویند که حالشان برای در حیات بودن مناسب نیست ولی این حرف‌ها برایشان دور از ذهن است. چه در نسل ما و چه الان دروس مخصوص به عادت ماهانه دختران و احکامش تدریس می‌شود. اما مدرسه ما خدا را شکر معلم پرورشی خوبی برای دخترها دارد، با دخترها نقاشی می‌کشد، نقاشی حرفه‌ای با قلم مو و روی پالت رنگ‌ها را می‌ریزد و در همین حال با بچه‌ها در مورد احکام نماز و روزه و غسل مخصوص دختران صحبت می‌کند. توجه آموزش و پرورش هم در حد دادن قرص آهن و ویتامین دی به دخترهاست. مدرسه هم گاهی محصولات بهداشتی دارد و به دخترهایی که نیاز دارند می‌دهد، ولی اگر دخترها بپذیرند که درخواستش کنند. می‌دانم که شرایط امروز در مدارس سطح شهر نسبت به سال‌های قبل خیلی تغییر کرده است و دختران امروز خیلی راحت‌تر در موردش با مسئولان مدرسه صحبت می‌کنند و شرمی را که نسل‌های گذشته از بیانش داشتند تقریباً ندارند ولی ما به عنوان افراد فرهنگی باید شرایط را تسهیل کنیم، خودمان را عضوی از همین نسل بدانیم تا همه دختران نسل امروز همین‌طور صمیمی و راحت با ما صحبت کنند و درخواست محصولات بهداشتی یک نیاز عادی تلقی شود. یکسری از همکارانم می‌گویند ما که تند تند داریم درس

دسری سریع، خوشمزه و بسیار متفاوت

لاواکیک، آتشفشانی از شکلات

کیک لاواکیک دسر فرانسوی است که به نام کیک شکلاتی مذاب یا کیک آتشفشان نیز شناخته می شود. این کیک یک کیک شکلاتی معمولاً تک نفره است که دور تا دور بافتی کیک و در وسط بافتی مایع از شکلات دارد و با اولین

برش مایه داخل آن از دل کیک مانند مواد مذاب و گداخته درون کوه آتشفشان سرازیر می شود. نکته قابل توجه درباره این کیک سادگی دستور تهیه، سرعت بالای آماده سازی، طعم خوشمزه، بافتی لطیف و ظاهر زیبا و خاص آن است.

فائزه صدیقی

نویسنده



دقت کنید که با وجود جامد نبودن مغزی کیک، مواد ۱۰ تا ۱۲ دقیقه در فر بسیار داغ پخته و دمای داخلی به بالای هفتاد درجه می رسد، یعنی دمای میکروبی زدایی تخم مرغ انجام شده و نگرانی از بابت سلامت دسر به دلیل نیم پز بودن آن وجود ندارد. برای این دستور می توانید از کره حیوانی (کره صبحانه) یا کره گیاهی سوپرمارکتی (مارگارین) یا مخلوط هر دو استفاده کنید. دقت کنید که برای این دستور کره سنتی، کره لاکتیکی، کره کم چرب، روغن جامد و روغن صاف قابل استفاده نیستند. برای این کیک از مرغوب ترین و خوشمزه ترین شکلات ممکن استفاده کنید زیرا طعم اصلی این کیک از شکلات آن است و باقی مواد برای ایجاد بافت استفاده می شوند، پس هر چه شکلات مرغوب تر، دسر

چند نکته در خصوص مواد اولیه

از عوامل موفقیت در اندازه گیری عدم تبدیل واحدها و استفاده از ابزار گفته شده در دستور منبع است، پس برای این دستور از ترازوی آشپزخانه استفاده کنید. دقت کنید که با وجود جامد نبودن مغزی کیک، مواد ۱۰ تا ۱۲ دقیقه در فر بسیار داغ پخته و دمای داخلی به بالای هفتاد درجه می رسد، یعنی دمای میکروبی زدایی تخم مرغ انجام شده و نگرانی از بابت سلامت دسر به دلیل نیم پز بودن آن وجود ندارد. برای این دستور می توانید از کره حیوانی (کره صبحانه) یا کره گیاهی سوپرمارکتی (مارگارین) یا مخلوط هر دو استفاده کنید. دقت کنید که برای این دستور کره سنتی، کره لاکتیکی، کره کم چرب، روغن جامد و روغن صاف قابل استفاده نیستند.

خوش طعم تر. همیشه از شکلاتی در سرها استفاده کنید که به تنهایی خوش طعم باشد. در صورتی که درصد شکلات بالای هفتاد درصد است، به جای یک چهارم پیمانه شکر، از یک سوم پیمانه شکر استفاده کنید. در این دستور از شکلات چپسی به جای شکلات نمی شود استفاده کرد. منظور از شکر، شکر سفید معمولی است و قابل جایگزینی با شکر قهوه ای نیست. از آنجایی که پرتقال طعم شکلات را بسیار عالی می کند، می توانید وانیل را حذف کنید و در همان مرحله به جای وانیل یک قاشق چایخوری رنده پوست پرتقال بریزید.

طرز تهیه لاواکیک

اولین قدم در تهیه این دستور آماده سازی قالب ها است که ترجیحاً به صورت تک نفره استفاده می شود. ابتدا آرد و پودر کاکائو را در کاسه ای ریخته و با چنگال خوب مخلوط کنید. سپس قالب ها را به کمک برس شیرینی پزی با کره نرم

مواد لازم (هم دمای محیط)

کره: صد گرم / شکلات: صد و هفتاد گرم
تخم مرغ: دو عدد / زرده تخم مرغ: دو عدد
شکر: یک سوم تا یک چهارم پیمانه*
نمک: یک هشتم قاشق چایخوری / وانیل: یک چهارم قاشق چایخوری
آرد: سه قاشق غذاخوری
* اگر پیمانه های استاندارد شیرینی پزی را دارید از همان استفاده کنید، اما اگر به آنها دسترسی ندارید، یک لیوان دسته دار فرانسوی را معادل یک پیمانه در نظر گرفته و برای اندازه گیری از آن استفاده کنید.

مواد لازم برای دیواره قالب

پودر کاکائو: یک قاشق غذاخوری
آرد: یک قاشق غذاخوری
کره نرم: ۱۰ گرم



و شکر را در کاسه ای بریزید، یک دقیقه با دور متوسط همزن برقی زده، دور گیری کنید و بعد سه دقیقه با تندترین دور همزن بزنید تا حجیم، روشن و روبانی شود.

در این دستور ترتیب های گفته شده بسیار مهم است، چرا که مخلوط شکلات و کره باید به مواد اضافه شود. یعنی ابتدا باید شکلات و کره کاملاً یکدست شود و بعد در مدتی که تخم مرغ و شکر زده می شود کمی از داغی بیفتد. بعد از زدن مواد تخم مرغی، مخلوط کره و شکلات را به آن اضافه کرده و با ویسک (بدون استفاده از همزن برقی) به آرامی مخلوط کنید.

بعد از یکدست شدن، آرد را روی مواد الک کرده و با ویسک به آرامی و در یک جهت در حد مخلوط شدن هم بزنید.

مواد را در قالب ریخته و دقت کنید که حتماً یک بند انگشت بالای ظرف خالی بماند. قالب ها را به مدت ۱۲ دقیقه در فر گرم بگذارید. بعد از اتمام پخت، یک دقیقه قالب

چرب کنید. دقت کنید که استفاده از روغن مایع و جامد برای چرب کردن قالب ها توصیه نمی شود. حالا مخلوط آرد و پودر کاکائو را در یکی از قالب ها ریخته، قالب را خوب بچرخانید تا همه دیواره به آرد آغشته شود و بعد به سطح کار ضربه بزنید تا آرد اضافی از قالب بیرون بریزد. این کار را روی کاغذ روغنی انجام بدهید و بعد مخلوط آرد و پودر کاکائو بیرون ریخته را در قالب بعدی بریزید و کار را تکرار کنید. قالب ها را روی سینی شیرینی پزی آماده بگذارید و بعد فر را روی دمای ۲۲۰ درجه سانتیگراد روشن کنید تا گرم شود (برای فر برقی دما را کم نکنید).

شکلات خرد شده و کره هم دمای محیط را با هم در کاسه ای بریزید و روی بخار آب یا در مایکروویو بگذارید تا ذوب و یکدست شود. در صورت استفاده از مایکروویو، دستگاه را روی بیشترین قدرت تنظیم کنید، هر ۳۰ ثانیه یک بار کاسه را بیرون بیاورید و یک دور هم بزنید. وقتی مخلوط کره و شکلات کاملاً یکدست شد، کاسه را روی میز کار بگذارید. تخم مرغ ها، زرده ها، نمک، وانیل

نکته اساسی

در تهیه این دستور، تشخیص زمان اتمام پخت آن است، چرا که به دلیل مغزی مذاب، تست سیخ چوبی برای این کیک قابل اجرائیست

نکته مهم: نکته اساسی

در تهیه این دستور، تشخیص زمان اتمام پخت آن است، چرا که به دلیل مغزی مذاب، تست سیخ چوبی برای این کیک قابل اجرا نیست، از طرفی حتی با فقط دو دقیقه پخت بیشتر این دسر تبدیل به کیک شده و مغزی بسته می شود و با دو دقیقه پخت کمتر، سوپ شکلات خواهید داشت. پس چه باید کرد؟ زمان داده شده در دستور ممکن است برای فر شما، دو دقیقه کمتر یا بیشتر باشد. پس یک قالب را ابتدا با زمان گفته شده در فر بگذارید و دسر را تست کنید. به این شکل زمان مناسب برای فر خودتان را پیدا می کنید. زمانی که یک قالب در فر است، باقی قالب ها را در دمای محیط گذاشته و بعد از خارج کردن قالب اول بلافاصله آنها را در فر قرار بدهید.





انتخاب کردن حق همه ماست

بی تفاوت نباشیم

الناز موسوی یکتا
نویسندهبیانات مقام معظم رهبری (مدظله العالی) سال ۹۰
در دیدار جمعی از خانواده شهدا و ایثارگران

در همه دنیا، انتخابات پرشور، مظهر زنده بودن و حضور بالاراده و عزم راسخ یک ملت در عرصه‌ها است. هر جا انتخابات با شرکت گسترده مردم باشد، نشانه این است که ملت در آن کشور بیدارند، هوشیارند و با نظام خود همراه هستند. می‌خواهند این راه را از دست ملت ایران بگیرند. همه این‌ها و هزارها و - اگر این رسانه‌ها تازه پدید آمده اینترنتی را هم محاسبه کنیم، سربه میلیون‌ها می‌زند - میلیون‌ها رسانه را به کار انداختند، برای اینکه مردم را دلسرد کنند. گاهی گفتند مردم شرکت نمی‌کنند، گاهی گفتند تحریم می‌کنند، گاهی گفتند تقلب می‌شود، گاهی گفتند چه و چه؛ برای اینکه مردم پای صندوق رأی نیایند، دلسرد شوند. آنی که من احساس می‌کنم و از لطف الهی احتمال قوی می‌دهم که این جور شود، این است ملت ایران در روز جمعه‌ای که می‌آید، یک سیلی سخت‌تر به چهره استکبار خواهند زد.

دست خدا با شماست. هدایت دل‌ها و جان‌های ما به دست خداست. «آزمه‌الأمور کلاً بیده»؛ همه چیز دست خداست. وقتی دل ملت، دل مسئولان، دل دلسوزان با خدا باشد، خدا راه را آسان می‌کند، تسهیل می‌کند، راه را باز می‌کند، توفیق می‌دهد و ان شاء الله این توفیق نصیب ملت ایران خواهد شد.

حقیقتاً انتخابات، سیلی به چهره دشمنان این ملت است. آنچه مهم است، این است که مردم حضور پیدا کنند؛ البته این هم مهم است که به نامزدهای صالح رأی دهند. هر دو مهم است، لیکن حضور در درجه اول است. هر چه حضور مردم بیشتر باشد و پشتوانه مجلس شورای اسلامی قوی‌تر باشد، مجلس محکم‌تری، تواناتری و شجاع‌تری تشکیل خواهد شد؛ صدای عموم مردم را می‌تواند با قدرت تمام به گوش دنیا برساند.

نظام و امکاناتی برای انتخاب نمایندگان ملت در مجلس شورای اسلامی، رئیس‌جمهور، شوراهای اسلامی شهر و روستا و خبرگان رهبری و راهی برای ارائه نظرات، انتقادات و پیشنهادهای مردم به مسئولان، تغییر و بهبود در وضعیت کشور است. برای شرکت در انتخابات، لازم است که روحیه سیاسی در خانواده پرورش یابد. روحیه سیاسی به معنای اهتمام، آگاهی، مشارکت و مسئولیت‌پذیری در مسائل سیاسی است و باعث می‌شود افراد و خانواده‌ها به عنوان شهروندان فعال و مؤثر در جامعه به حقوق و وظایف خود آگاه باشند و از آنها به نحو احسن استفاده کنند. روحیه سیاسی باعث می‌شود که افراد و خانواده‌ها به منافع ملی و مصالح مردم توجه و برای حفظ و ارتقای آنها تلاش کنند. شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی نیازمند اطلاع و آگاهی است. ما باید نامزدهای مختلف را بشناسیم، برنامه‌ها و سوابق آنها را مورد بررسی قرار دهیم و با استناد به منطق و معیارهای شخصی خود، انتخابی عاقلانه و مسئولانه داشته باشیم. ما نباید از شایعات، تبلیغات، تهدیدها یا وعده‌های بی‌پایه و اساس تحت تأثیر قرار بگیریم و از حق انتخاب خود دست بکشیم یا آن را به دیگران واگذار کنیم.

مجلس شورای اسلامی یکی از دورکن قوه مقننه جمهوری اسلامی ایران است و نمایندگان ملت به طور مستقیم توسط خود آنها انتخاب می‌شوند. با دانستن مهم‌ترین وظایف مجلس شورای اسلامی به اهمیت شرکت و آگاهی از صلاحیت افراد در این انتخابات پی می‌بریم.

- قانون‌گذاری عموم مسائل در حدود مقرر قانون اساسی
- بررسی و تصویب لوایح دولتی و طرح‌های قانونی نمایندگان
- وضع آیین‌نامه داخلی مجلس
- تصویب رجوع به همه‌پرسی در مسائل بسیار مهم اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و فرهنگی

- وضع هر نوع مالیات و تعیین موارد معافیت و بخشودگی و تخفیف مالیاتی

- تصویب بودجه سالانه کشور
- نظارت بر عملکرد دولت و دیگر نهادهای اجرایی

- رأی اعتماد یا عدم اعتماد به وزرا
- انتخاب هیأت رئیسه مجلس و کمیسیون‌های داخلی

- انتخاب یا تأیید برخی از مقامات کشوری

شرکت در انتخابات مجلس شورای اسلامی یک حق و تکلیف شهروندی است که هر ایرانی باید از آن بهره‌برد. با شرکت در انتخابات، ما می‌توانیم نمایندگان را انتخاب کنیم که به نظر ما، منافع ملی و مصالح مردم را حفظ و ارتقا می‌دهند. همچنین، با شرکت در انتخابات، ما می‌توانیم پیامی را به دولت، ملت و جهان ارسال کنیم که ما مردمی هستیم که به حاکمیت خود پایبند و به دموکراسی اعتقاد داریم.

مراحل مختلفی در زندگی همه ما بوده که باید خودمان را محکم می‌زدیم. گاهی انتخاب بین موارد کوچک و کم‌اهمیت، گاهی هم انتخاب از بین مطالب بسیار حیاتی و آینده‌ساز است.

در تمام این موارد چه موضوع کم‌اهمیت و چه موضوعاتی که بسیار مهم و باارزش هستند، دقت در انتخاب، شناخت دقیق و مشورت برای یافتن بهترین گزینه از میان موارد موجود می‌تواند ساعی ما در گزینش راه‌های پیش‌رو باشد.

گاهی این سنجش‌ها ما را در مقامی قرار می‌دهد که می‌توان با آن گامی بزرگ در جهت اعتلای سبک زندگی، نگرش و تغییرات مهمی برای خود، آشنایان، اطرافیان و تمام کسانی که با ما انتفاع مشترکی دارند، برداریم. انتخابات مجلس شورای اسلامی یکی از مهم‌ترین رویدادهای سیاسی در کشور ما است. مجلس شورای اسلامی نهاد قانون‌گذار، نظارت بر عملکرد دولت و تصویب بودجه در کشور است؛ بنابراین، ترکیب و تعادل نمایندگان حاضر در مجلس بر سیاست‌های داخلی و خارجی کشور تأثیر مستقیم و مهمی دارد.

همین تأثیر در سیاست‌های داخلی و خارجی باعث ساخت بخش مهمی از زندگی همه ما در هر سن و سالی است. جوان رأی اولی که در آغاز دوران طلایی زندگی است با این انتخاب می‌تواند دوران مهمی از شکوفایی خود را تسهیل کند. فرد میان‌سال برای تغییر در نظام مسائلی که باورهای خویش را براساس آن چیده است تلاش می‌کند و تمامی افراد در این انتخاب و نوع آن مؤثر و متأثر هستند.

از این رو تقویت روحیه مطالبه‌گری و پرسش و پاسخ در میان افراد خانواده موضوع بسیار بااهمیتی بوده که چراغ راه انتخاب‌های افراد می‌شود.

سیاست به معنای مدیریت امور عمومی و تعیین سرنوشت جامعه است. سیاست از جنبه‌های مختلفی می‌تواند بر زندگی افراد و خانواده‌ها تأثیر بگذارد. برای مثال، سیاست می‌تواند بر رشد اقتصادی، امنیت ملی، رفاه اجتماعی، حقوق شهروندی، آموزش و فرهنگ، سلامت و بهداشت، محیط زیست و غیره اثر داشته باشد؛ بنابراین، افراد و خانواده‌ها باید به مسائل سیاسی اهتمام نشان داده و در آنها مشارکت کنند.

یکی از مهم‌ترین راه‌های مشارکت سیاسی در جمهوری اسلامی ایران، شرکت در انتخابات است. انتخابات یکی از بنیادی‌ترین اصول نظام جمهوری اسلامی است که براساس قانون اساسی و فتوای رهبری برگزار می‌شود. انتخابات نشان‌دهنده حاکمیت ملت و مشروعیت

نحوه تعیین و دستیابی به اهداف شخصی برای توسعه فردی

قدرت هدف گذاری

نوشین تقی‌لی
نویسنده

تعیین اهداف درست و قابل دستیابی یک جنبه حیاتی در فرایند توسعه فردی و خودسازی است. هدف گذاری چه در جهت تقویت مهارت‌های حرفه‌ای ما باشد، چه دنبال کردن یک سبک زندگی سالم‌تر یا تقویت روابط شخصی، یک نقشه راه برای رشد و موفقیت ما فراهم می‌کند. اما مشکل بسیاری از ما، ندانستن اهمیت این موضوع نیست بلکه نمی‌دانیم چگونه هدف گذاری کنیم. مثلاً هدف من در سال آینده، پیشرفت شغلی است. آیا همین عبارت را می‌توانم به عنوان هدف استفاده کنم؟ قطعاً خیر. با توجه به اینکه معمولاً در روزهای پایانی سال به فکر انجام کارهای جدید در سال نومی‌افتیم و دوست داریم در سال جدید زندگی خود را تغییر دهیم، باید درست هدف گذاری کردن را یاد بگیریم. در این مقاله، اهمیت تعیین هدف، استراتژی‌های مؤثر برای ایجاد و دستیابی به اهداف و تأثیر قابل توجهی که می‌تواند بر زندگی ما داشته باشد را با هم بررسی خواهیم کرد.

درک اهمیت تعیین هدف

تعیین اهداف واضح و مشخص باعث ایجاد هدف و انگیزه می‌شود. وقتی مشخص می‌کنیم به چه چیزی می‌خواهیم دست پیدا کنیم، بهتری می‌توانیم انرژی و توانایی‌های خود را به سمت آن هدف متمرکز کنیم. اهداف همچنین به عنوان معیاری برای اندازه‌گیری پیشرفت عمل می‌کنند و به ما امکان می‌دهند تا میزان پیشرفت خود را دنبال کرده و در صورت نیاز تغییرات را انجام دهیم. علاوه بر این، فرایند تعیین و پیگیری اهداف، حس توانمندی شخصی را پرورش می‌دهد. در نتیجه باور به توانایی ما در شکل دهی به سرنوشت خود را القای می‌کند.

رویکرد هوشمندانه برای تعیین هدف

یکی از رویکردهای مؤثر برای تعیین و دستیابی به اهداف، معیارهای SMART است. اهدافی که تعیین می‌کنید باید خاص، قابل اندازه‌گیری، قابل دستیابی، مرتبط و محدود به زمان باشند.

با پایبندی به این اصول، افراد می‌توانند اهدافی را تعیین کنند که به خوبی تعریف شده، قابل دستیابی و محدود به چهارچوب‌های زمانی واقع‌بینانه باشد. به عنوان مثال، به جای تعیین یک هدف مبهم مانند «بهبود سلامت جسمانی»، یک هدف SMART می‌تواند «ورزش کردن به مدت ۳۰ دقیقه، چهار بار در هفته، برای سه ماه آینده» باشد. این ویژگی و ساختار، اهداف را عملی‌تر می‌کند و احتمال موفقیت را افزایش می‌دهد.

استراتژی‌های مؤثر برای تعیین و پیگیری اهداف

برای تعیین و پیگیری مؤثر اهداف شخصی، می‌توانید از استراتژی‌های زیر استفاده کنید:

۱- تجسم موفقیت: برای تجسم اینکه زمان دستیابی به هدف چه احساسی خواهد داشت، وقت بگذارید. این تصویرسازی ذهنی می‌تواند انگیزه شما را تقویت کند و تعهدتان به هدف را بیشتر کند.

۲- تقسیم اهداف به مراحل قابل مدیریت: اهداف بزرگ یا بلندمدت می‌توانند بسیار طاقت‌فرسا باشند. تقسیم آنها به وظایف کوچک‌تر و دست‌یافتنی آنها را قابل دسترس‌تر می‌کند و خطر احساس دلسردی را کاهش می‌دهد.

۳- پشتیبانی: به اشتراک گذاشتن اهداف با دوستان قابل اعتماد، اعضای خانواده یا مربیان می‌تواند یک سیستم پشتیبانی ایجاد کند و باعث شود افراد برای پیشرفت خود احساس مسئولیت بیشتری کنند.

۴- پذیرش شکست به عنوان یک فرصت یادگیری: شکست‌ها بخشی طبیعی از فرایند پیگیری هدف هستند.

با تعریف شکست به عنوان فرصتی برای یادگیری و رشد، افراد می‌توانند انعطاف‌پذیری و پشتکار خود را در مواجهه با چالش‌ها حفظ کنند.

۵- جشن گرفتن موفقیت‌ها: شناخت و جشن گرفتن پیروزی‌های کوچک در طول مسیر می‌تواند انگیزه شما و تعهد به هدف‌تان را تقویت کند.



چالش‌ها و موانعی که در راه دستیابی به اهداف با آن مواجه می‌شویم، درس‌ها و تجربیات ارزشمندی را ارائه می‌دهند که شخصیت، انعطاف‌پذیری و سازگاری شما را شکل می‌دهند. هنگامی که افراد در کارهای خود موفق می‌شوند، اغلب اعتماد به نفس آنها افزایش می‌یابد و به توانایی‌های خود آگاه‌تر می‌شوند. اهدافی که تعیین می‌کنید باید خاص، قابل اندازه‌گیری، قابل دستیابی، مرتبط و محدود به زمان باشند



رضایت و غرور حاصل

از دستیابی به یک

هدف می تواند به

افزایش عزت نفس و

انگیزه برای پیگیری

آرزوهای جدید به شما

کمک کند

باشید. علاوه بر این، به اشتراک گذاشتن تجربه دستیابی به هدف با دوستان، خانواده یا همکاران می تواند الهام بخش دیگران باشد.

مزایا و فرصت های پیش بینی نشده

پیگیری اهداف اغلب به منافع و فرصت های پیش بینی نشده ای منجر می شود که فراتر از هدف اولیه است. افراد ممکن است مهارت های جدیدی به دست آورند، ارتباطات جدیدی ایجاد کنند و یا تجربیات ارزشمندی به دست آورند که تأثیری ماندگار بر زندگی شخصی و حرفه ای آنها داشته باشد. پذیرفتن این نتایج غیرمنتظره با یک ذهنیت باز می تواند سفر توسعه فردی شما را غنی تر کند.

سخن آخر

در نتیجه، فرایند تعیین و دستیابی به اهداف شخصی یک سفر تحول آفرین است که افراد را برای شکل دادن به سرنوشت خود، پرورش انعطاف پذیری و افزایش رضایت خود از زندگی توانمند می کند.

افراد با درک اهمیت تعیین هدف، پیروی از رویکرد SMART و به کارگیری استراتژی های مؤثر برای ایجاد و پیگیری اهداف، می توانند پتانسیل های خود را بشناسند، تغییرات مؤثر در زندگی خود ایجاد کنند و توسعه فردی را در ابعاد مختلف زندگی تجربه کنند.

در این مسیر همان طور که ما به اهمیت هدف گذاری پی می بریم، خود را برای داشتن یک زندگی هدفمند و رضایت بخش، با روحیه بالا، انعطاف پذیری و خودسازی مستمر متعهد می کنیم.

تجربه ها فرصتی را برای افراد فراهم می کند تا انعطاف پذیری و سازگاری خود با شرایط را پرورش دهند. شما با تمرین صبوری برابر موانع و استفاده از تجربه های قبلی برای حل آن ها، ظرفیت خود را برای غلبه بر چالش های آینده و پیشرفت در محیط های مختلف تقویت می کنید.

توانایی گذر کردن از شکست ها و انطباق با شرایط در حال تغییر، یکی از اجزای اساسی رشد و توسعه فردی است.

تغییر و تنظیم مجدد اهداف

انعطاف پذیری و سازگاری از اجزای لاینفک پیگیری هدف هستند، زیرا شرایط و اولویت ها ممکن است در طول زمان تغییر کنند. شما باید آماده ارزیابی مجدد اهداف و اصلاح آنها در صورت لزوم برای اطمینان از مناسب بودن و دستیابی به آنها باشید. این فرایند ممکن است شامل تنظیم جدول زمانی، اصلاح انتظارات یا حتی تنظیم مجدد ماهیت خود هدف باشد. با افزایش سازگاری، شما می توانید با ماهیت پویا زندگی راحت تر کنار بیایید و به پیشرفت به سمت اهداف خود ادامه دهید.

غلبه بر اهمال کاری و حواس پرتی

اهمال کاری و حواس پرتی دو عامل مهمی هستند که می تواند مانع از پیشرفت شما به سمت اهداف تان شوند. مبارزه با این موانع مستلزم آن است که محرک های بالقوه ای که منجر به اهمال کاری می شوند را شناسایی کرده و روش های مناسبی برای کاهش آنها به کار بگیرید. این روش ها شامل ایجاد روتین های روزانه، تعیین محل کار مشخص و یا استفاده از تکنیک های مدیریت زمان باشد. علاوه بر این استفاده از شیوه های تمرکز حواس، مانند تنفس عمیق یا مدیتیشن، می تواند به شما کمک کند تا تمرکز ذهنی و نظم لازم را برای غلبه بر حواس پرتی ها پرورش دهید.

توقف کردن و

ارزشیابی

بازاندیشی منظم در مورد پیشرفت و ارزیابی رویکردتان برای پیگیری هدف ضروری است. شما می توانید از بازنگری های دوره ای برای ارزیابی پیشرفت خود، شناسایی نقاط ضعف و تشویق دستاوردهای خود استفاده کنید. در این ارزشیابی ها نه تنها نکات مهم و باارزشی یاد می گیرید بلکه از آنها به عنوان فرصت هایی برای تنظیم استراتژی ها و بررسی همسویی مسیر با هدف کلی نیز می توانید استفاده کنید.

تأثیر اجتماعی و عاطفی دستیابی به هدف

دستیابی به اهداف شخصی می تواند تأثیر اجتماعی و عاطفی عمیقی داشته باشد. هنگامی که افراد در کارهای خود موفق می شوند، اغلب اعتماد به نفس آنها افزایش می یابد و به توانایی های خود آگاه تری می شوند.

این اعتماد به نفس جدید می تواند بر تعامل های شما با دیگران تأثیر مثبت بگذارد، روابط عاطفی را تقویت کند، ارتباطات را بهبود بخشد و به طور کلی باعث شود احساس بهتری در ارتباط با دیگران داشته

تأثیر تحول آفرین دستیابی به اهداف

دستیابی به اهداف شخصی می تواند تأثیر عمیقی بر احساس خودکارآمدی، اعتماد به نفس و احساس رضایت کلی فرد داشته باشد. رضایت و غرور حاصل از دستیابی به یک هدف می تواند به افزایش عزت نفس و انگیزه برای پیگیری آرزوهای جدید به شما کمک کند. علاوه بر این، مهارت ها و دانش به دست آمده در دستیابی به یک هدف می تواند مزایای گسترده ای فراتر از هدف اولیه داشته باشد.

تعیین اهداف بلندمدت و کوتاه مدت

علاوه بر درک اهمیت هدف گذاری با استفاده از رویکرد SMART، دانستن تمایز بین اهداف بلندمدت و کوتاه مدت مهم است. اهداف بلندمدت که به عنوان اهداف «جامع» نیز شناخته می شوند، به شما احساس هدف مندی و جهت دار شدن زندگی می دهد. این اهداف اغلب شامل آرزوهای جامع تر مانند ترفیع شغلی، دستاوردهای تحصیلی یا تغییرات سبک زندگی هستند.

اهداف بلندمدت می توانند چندین ماه، سال یا حتی چند دهه را دربرگیرند و به عنوان نیروی هدایت کننده برای تصمیم گیری و اولویت بندی در جنبه های مختلف زندگی عمل کنند.

از سوی دیگر، اهداف کوتاه مدت، اهداف فوری و عملی تری هستند که به تحقق اهداف بلندمدت کمک می کنند. این اهداف معمولاً ظرف چند روز، هفته یا چند ماه قابل دستیابی هستند و برای حفظ شتاب و پیشرفت به سمت آرزوهای بزرگ تر ضروری هستند. با تقسیم اهداف بلندمدت به اهداف کوتاه مدت کوچک تر و قابل مدیریت، افراد می توانند مسیر روشنی برای رسیدن به اهداف ایجاد کنند و با رسیدن به هر نقطه عطف احساس موفقیت را تجربه کنند.

توسعه فردی از طریق دستیابی به اهداف

دنبال کردن اهداف شخصی نه تنها در مورد رسیدن به نتایج مورد انتظار بلکه در مسیر رشد و توسعه فردی بسیار مهم است. هنگامی که افراد برای رسیدن به اهداف خود تلاش می کنند، اغلب با فرصت هایی برای یادگیری، بهبود مهارت ها و کشف توانایی های خود مواجه می شوند.

چالش ها و موانعی که در راه دستیابی به اهداف با آن مواجه می شویم، درس ها و تجربه های ارزشمندی را ارائه می دهند که شخصیت، انعطاف پذیری و سازگاری شما را شکل می دهند. این روند مستمر به رشد و توسعه فردی کامل و مؤثر کمک می کند و حس خودآگاهی و رضایت را تقویت می کند.

تعیین هدف در توسعه فردی در مسیر شغلی

هدف گذاری سنگ بنای پیشرفت حرفه ای و پیشرفت شغلی است. در محل کار، افراد اغلب اهداف حرفه ای مرتبط با افزایش مهارت، تکمیل پروژه، توسعه رهبری و بهبود عملکرد را تعیین می کنند. با هم سویی آرمان های شخصی با اهداف سازمانی، افراد می توانند سهم قابل توجهی در رشد حرفه ای خود و موفقیت کلی محل کار خود داشته باشند.

علاوه بر این، دستیابی به اهداف حرفه ای اغلب منجر به افزایش رضایت شغلی، شناخت و فرصت هایی برای پیشرفت شغلی می شود.

بهبود انعطاف پذیری و سازگاری

فرایند پیگیری اهداف ذاتاً شامل رویارویی با چالش ها، شکست ها و شرایط پیش بینی نشده است. این

زنان

چرا قدر الگوهایمان را نمی دانیم؟

مصاحبه با مریم اردبیلی مشاور شهردار تهران در خصوص لزوم الگوسازی برای دختران بانگه به زندگی مرضیه دباغ

فرناز اینانلو
دبیر گروه زنان

مرضیه حدیدچی (دباغ) سال ۱۳۱۸ در همدان دیده به جهان گشود. وی تحصیلات خود را در مکتب خانه آغاز کرد و نزد پدر نیز قرآن و نهج البلاغه را خواند. این بانوی گرانقدر در سال ۱۳۳۳ با محمد حسن دباغ ازدواج کرد. او به تبعیت از همسر به تهران آمد و تحصیلات دینی را تادروس سطح (شرح لمعه) ادامه داد و از محضر استادانی چون حاج آقا کمال مرتضوی، حاج شیخ علی انصاری، شهید آیت الله محمدرضا سعیدی و شهید سید مجتبی صالحی خوانساری بهره برد. او را از جمله بنیانگذاران سپاه پاسداران انقلاب اسلامی ایران می دانند. مرحوم مرضیه حدیدچی اولین و آخرین زنی بود که فرماندهی سپاه را برعهده داشت.



نیز برگزار می شد. طی بازدیدی که از سپاه همدان داشتم با وجود اینکه بنده ایشان را می شناختم و می دانستم فرمانده سپاه همدان خانم دباغ بود، همین که وارد سپاه همدان شدم و از نزدیک آنجا و این بانوی گرامی را دیدم یکه خوردم که یک بانو فرمانده سپاه است و توانسته بخوبی یک سپاه را هدایت کند. جالب این بود که ویژگی سپاه همدان این بود که از جهت کار فرهنگی برجسته بودند.»

در واقع فرمایش مقام معظم رهبری این بود که ما اگر این چنین تصویری را می توانستیم نشان دختران بدهیم، لازم نبود هیچ تبلیغ، ترویج و کاری برای فرهنگ سازی انجام دهیم و مشاهده می کردیم که دختران ما شتابان می آمدند تا شبیه چنین زنی شوند. در واقع گویا رهبر معظم انقلاب راه نجات ما از معضلات اجتماعی و پیچیده را معرفی الگوهایی همچون مرضیه حدیدچی دباغ می دانند.

معرفی خانم دباغ و امثال ایشان به عنوان الگوچه تأثیری در نگاه جوانان به آرمان ها و شعارهای انقلاب دارد؟

وقتی از نتایج و دستاوردهای انقلاب اسلامی برای زنان پرسیده می شود، آماری ارائه می دهند که در آن نشان می دهد طی این سال ها افزایش سواد زنان، کاهش مرگ و میر مادران، افزایش تعداد ورودی های دانشگاه، افزایش آمار زنان در تحصیلات تکمیلی و خیلی موارد دیگر را که البته از افتخاراتمان است مثال می زنند. اما عظمت عاملیت زنانه، جسارت و جرأت زنانه ای که انقلاب اسلامی و حضرت امام (ره) به زنان ما و تمدن آینده تاریخ و به همه بشریت هدیه کردند بسیار فراتر از این آمارهاست.

حجت موجه ما در این موضوع برای خلق روایت غالبی که می تواند فضایی بی نظیر و بی بدیل را اجرا کند، افرادی مانند خانم مرضیه حدیدچی دباغ هستند.

اشکال ما این است که از قدرت روایت اصیل و نابی که فرصت آن را انقلاب اسلامی به زن ایرانی داد، غافل شده ایم. باید برای همه دنیا روایت کنیم نه تنها برای جوانان و نوجوانان کشور خودمان بلکه تعریفش به دنیا باید برسد. همان حضور زنانه در صحنه های انقلاب که اصیل است.

حضوری که اصیل، خالص و ناب است و مبتنی بر وقایع و حقایق عالم است؛ یعنی در او آن روح و حدانیت و توحید در هم تنیده شده است. برای این بروز و ظهور لازم نیست زن انسانیت، عقلانیت و زنانگی خود را کنار بگذارد و این وجهی است که تمام دنیا و انواع و اقسام تمدن های دنیا مقابلش زانو می زنند زیرا نتوانسته اند این جلوه از زنانگی را به جهان عرضه کنند و این الگو اکنون نجات بخش است.



خانه داری می کرد و به فرزندانش رسیدگی می کرد با آن لحظه ای که نماینده مجلس بوده و به امور کشور رسیدگی می کرد و آن لحظه ای که زیر شکنجه بوده و حتی آن زمانی که به عنوان زن نمونه مدال می گرفت، هیچ کدام از این زمان ها برای او فرقی نداشت، چون همه آنها را تکلیف خود می دانست.

ایشان زنی بود که از همان ابتدا تصمیم و هدف خود را تعیین کرده و به خودشناسی رسیده بود. دلیل این خلوص جاری در تمام زمان زندگی اش مستلزم این است که یک فرد روی خودش کار کند و وقتی به این مرحله برسد در بن بست دوگانگی خانه، جامعه و نسخه های کلیشه ای شرقی و غربی قرار نمی گیرد. زیرا با خلوص نیت می خواهد بهترین کاری را که می تواند انجام دهد و خداوند بهترین مقدرات را برای او سرازیر کرد. همان رمزی که حضرت فاطمه (س) به همه ما آموختند که اگر کسی خالص ترین عبادات، کارها و نیاتش را به سمت خداوند بفرستد خداوند برای او بهترین ها را مقدر می کند. نمونه امروزی که این گونه طبق فرمایش حضرت فاطمه (س) نشان داده می شود بانویی که در جامعه و زندگی بخوبی، پاکی و با موفقیت زندگی کرد خانم مرضیه حدیدچی دباغ بود.

لزوم بازتعریف الگوهایی چون ایشان برای نسل جوان چیست؟

طی دیداری که چند سال پیش مجموعه فعالان حوزه عفاف و حجاب با مقام معظم رهبری داشتند، ایشان تمام تلاش ها و صحبت های مطرح شده و فعالیت های حضار جلسه جهت اشاعه فرهنگ عفاف و حجاب را خوب دانستند اما محور بیانات ایشان الگو قرار دادن بانو مرضیه حدیدچی دباغ بود. ایشان در آن جلسه فرمودند: «اگر می توانستیم این الگو را برای دختران به درستی معرفی می کردیم بسیار تأثیرگذارتر از کارهای دیگر بود. آن زمان نماینده حضرت امام (ره) بودم و استان به استان بازدید داشتیم و طی بازدیدها جلسات

زندگی پر فراز و نشیب این بانو از مادری تا فرماندهی سپاه و نمایندگی مجلس شورای اسلامی می تواند نمایانگر شعار انقلاب اسلامی در خصوص جایگاه زنان باشد. انقلابی که با هدف تحقق الگوی سوم زن خود را معرفی کرده است حال نیازمند تداوم و نشان دادن ثمره های آن به نسل های جوان است.

به همین جهت به گفت و گو با کسی نشستیم که می گوید از زمان کودکی با مرحومه حدیدچی (دباغ) طی اردویی در اردوگاه شهید باهنر تهران آشنا شده، ایشان را از نزدیک دیده و شخصیت و بزرگ منشی مرحومه، برایش الگویی ناب شده است.

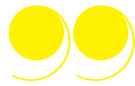
دکتر «مریم اردبیلی» مشاور شهردار و مدیر کل امور زنان و خانواده شهرداری تهران، می گوید از قبل، آشنایی دوری با ایشان داشتم. کمی برایمان جالب بود که بدانیم در آن زمان زن انقلابی، ایرانی و مسلمان یعنی چه و چگونه است؟ وقتی مرحوم حدیدچی را از نزدیک دیدم که بدون هیچ غرور و با مهربانی تمام، کنار ما بچه ها نشست و به راحتی با ما گفت و گو کرد، با منش این بانوی بزرگوار آشنا شدم و تصویر الگوی بانوی انقلابی، ایرانی و مسلمان با ایشان برایم مجسم شد. چه ویژگی ای در خانم دباغ شاخص بود که باعث معرفی ایشان به عنوان الگوی سوم زن می شود؟ معرفی خانم مرضیه حدیدچی دباغ فرصتی است تا بتوانیم عاملیت زنانه و شکل خوب زیستن در خانواده و جامعه را مطرح کنیم. باید بتوانیم این عاملیت زنانه را مجدداً احیا و معرفی کنیم و این راه نجات ما و جامعه مان است.

خانم دباغ به دلیل اینکه این عاملیت را نه تنها در یک برهه ای از زندگی، بلکه در تمامی صحنه های زندگی اش حفظ کرد و این گونه نبود که به دلیل سمت، برچسب، مدرک تحصیلی و در یک مقطعی از زندگی اش به این نقطه رسید، بلکه وجه متفاوت زندگی خانم دباغ این بوده که این عاملیت او به طور طبیعی در تمام نقش ها و حالاتش جریان داشت و این موارد، ایشان را الگوی بی نظیر می کند. برای ایشان لحظه ای که در خانه،



مرضیه حدیدچی دباغ

برای جبران حضور خانم‌ها، عمدتاً فقط دم انتخابات دغدغه‌مند می‌شویم. در حالی که چهار سال قبل از انتخابات، رها شده است و در ادامه کسی توانمند نمی‌شود، تیم نمی‌سازد و زنان در منصب و عملکردشان را منصفانه نقد نمی‌کند



زن و انتخابات

تأملی بر «سهمیه جنسیتی» در لیست‌های انتخاباتی

رقبه فاضل
فعال سیاسی اجتماعی



در تدوین لیست نهایی نامزدهای مجلس شورای اسلامی از سوی جریان‌های مستقل مردمی یکی از مسائل، حضور نامزدهای زن در لیست‌ها است. گروه‌های مردمی، ممکن است با منطق‌های متفاوتی قائل به حضور حتمی یک خانم در لیست نباشند یا این دغدغه را داشته باشند. برای تصمیم‌گیری در این باره، به نظر می‌آید لازم است نکاتی مرور شود.

اگر انتخابات عرصه رأی به شایستگان است و لیست‌ها به دنبال مشورت به مردم برای رأی آگاهانه به اصلاح هستند، طبیعتاً ایجاد سهمیه‌ای جداگانه برای زنان بی‌معنا خواهد بود و چه بسا خیانت به کسانی است که قرار است به ادعای اصلاح‌گزینی لیست اعتماد کنند. در پاسخ به این اندیشه، دو نگاه وجود دارد. نگاهی که با مبنای مشورتی بودن لیست سازگار نیست و معتقد است رسالت لیست‌ها صرفاً مشورت نیست و با دغدغه اقبال عمومی، نگران است که غیبت خانم‌ها در لیست پیشنهادی، باعث کاهش اقبال عمومی به لیست و شکست در انتخابات باشد.

نگاه دیگری با استدلالی دیگر بر حضور زنان در لیست تأکید دارد و معتقد است می‌توان پس از تدوین شاخص‌ها، در نمره‌دهی به زنان در قیاس با مردان، سختگیری کمتری داشت و این رویکرد با سهمیه جنسیتی یکسان نیست.

به نظر می‌آید اینکه «در سنجش شاخص‌ها می‌شود برای زنان سهل‌گیرتر بود»، می‌تواند قابل تأمل باشد و از منظر عدالت جبرانی و جبران استضعاف تاریخی برای خانم‌ها، به آن فکر کرد؛ اما اینکه کجا می‌توان سهل‌گیر بود و کجا نه، به شاخص بستگی دارد و توصیه سهل‌گیری صرف، نمی‌تواند از زد و بند‌های فاسد پیشگیری کند.

به نظر می‌آید مثلاً در شاخص‌های سلبی مثل دور بودن از کانون‌های قدرت و ثروت، دور نخوردن و داشتن بینش و بصیرت سیاسی، عدم تزلزل فکری، این رویکرد جبرانی نمی‌تواند ورود کند و نمی‌تواند با سهل‌گیری، خانمی که از این شاخص نمره نیاورده یا نمره پایینی آورده را در لیست جای دهد. اما در شاخص‌های ایجابی مثل داشتن برنامه و ایده مشخص جهت پیگیری در مجلس یا در بررسی سابقه فساد ستیزی و عدالتخواهی، می‌توان جبرانی ورود کرد و سهل‌گیرانه‌تر نمره داد.

در عین حال باید دقت داشت که حضور زن در یک لیست نه محدودیت دارد و نه ارجحیت و لذا باید مراقبت کرد که جبران، رجحان جنسیتی صرف ایجاد نکند.

برای مراقبت از این امر، لازم است جبران و سهل‌گیری را دقیق‌تر تعریف کرد. جبران، «پیش‌بینی و وسع در صورت همیا کردن زمینه رشد» و عمل مطابق پیش‌بینی است. یعنی اگر پیش‌بینی وسع جدی نباشد، هر جبرانی را نمی‌توان اعمال کرد. باید توجه کرد که اندیشه سهل‌گیری از منظری واقع‌نگر، نگران است یک خانم اگرچه شایستگی بالقوه داشته باشد، اما به خاطر در دسترس نبودن زمینه مساعد رشد، به فعلیت نرسیده باشد و سختگیری، صرفاً جامعه را از وجود چنین ظرفیتی محروم کند. به عبارت دیگر، سهل‌گیری برای سنجش و نمره‌دهی به زنان، نه لطف به زن، که لطف و دلسوزی نسبت به جامعه است که در غیراین صورت اصلاح‌گزینی که تکلیف شرعی است زیر سؤال می‌رود.

مسئله بنیادین دیگر این جاست که برای جبران حضور خانم‌ها، عمدتاً فقط دم انتخابات دغدغه‌مند می‌شویم. در حالی که چهار سال قبل از انتخابات، رها شده است و در ادامه کسی توانمند نمی‌شود، تیم نمی‌سازد و زنان در منصب و عملکردشان را منصفانه نقد نمی‌کند و یکبار در زمان بستن لیست نگران حضور زنان می‌شود که شائبه استفاده ابزاری و ویرینی از زنان را پدید می‌آورد. جریان‌های مردمی که لیست تدوین می‌کنند، باید بدانند مکانیزم جبران در شاخص‌های ایجابی برای زنان، صرفاً سهل‌گیری در نمره‌دهی نیست، بلکه باید در برنامه و مشورت دادن دست را پر کنند، دقیقاً کاری که لیست برای انسجام‌گفتمانی‌اش برای زن و مرد باشد انجام دهد؛ و اینطور نباشد که مکانیزم جبرانی فقط «در حضور در لیست» معنا شود.

نکته دیگری که می‌توان در مورد حضور یا عدم حضور سهمیه‌ای زنان در لیست مطرح کرد این است که گاه نگرانی از عدم حضور خانم‌ها در لیست بابت این است که اگر زنان به عنوان نیمی از جامعه هیچ نماینده‌ای در مجلس نداشته باشند، در قانونگذاری به ایرادات جدی برخوردیم خورد. این دغدغه اگرچه جدی است، اما باید توجه داشت که در انتخابات مجلس تنها یک شهر نیست که می‌تواند زنان را در لیست جای دهد و اگر به صورت طبیعی در حوزه‌های انتخابیه رأی‌گیری صورت گیرد، خود به خود ترکیبی از زنان و مردان رأی خواهند آورد و لزومی ندارد بابت یک دغدغه در سطح کلان، سهمیه‌ای جنسیتی در تمامی حوزه‌های انتخابیه اعمال شود و با نام عدالت جنسیتی توجیه شود. این دغدغه کلان، محتاج گفتمان‌سازی شایسته سالاری و البته سهل‌گیری و جبران برای زنان با پیش‌فرض کشف وسع و استعداد به جای بررسی عملکرد بالفعل آنان به خاطر محروم نشدن جامعه از زنان شایسته است. طبیعتاً این ملاحظه می‌تواند در انتخابات‌های دیگر مثل شورای شهر بروز دیگری داشته باشد.



فناوری و رسانه

گزارشی از بازار تلفن هوشمند در دنیا و ایران

گوشی های هوشمند پرتیر شفاف وابستگی فناوری

به صفحات مدرن صافی تغییر یافته و در عین حال هر دو مدل در زمان خود فروش های موفق داشته است. داده هایی که از مدل های گوشی پر فروش استخراج شده نشان می دهد تولید همگی همچنان ادامه دارد و نکته جالب آنکه برخی مدل هایی که ممکن است بین عموم ایرانیان زیاد شنیده شود در لیست پر فروش ها نیست.

بازار تلفن همراه ایران بر موج بی برنامه گی سوار است: موضوعی که به سادگی می توان از تفاوت سلیقه جهانی و داخلی در روند تولید و نوع انتخاب این کالا دریافت کرد. اومدیا (Omdia) در گزارشی از پر فروش های تلفن همراه تا سال ۲۰۲۳ به نکات قابل توجهی دست یافته است. در این گزارش عنوان شده که فرم ظاهری گوشی ها از تکه آجر

نوکیا و آیفون در رقابت تنگاتنگ

از ابتدای تولید گوشی همراه، نوکیا یکی از شرکت های تولید تجهیزات مرتبط با فناوری و مخابرات و لوازم الکترونیکی مصرفی در بازار حضور داشته است. نوکیا از سال ۱۸۶۵ فعالیت خود را آغاز کرد اما اولین گوشی همراه خود را او آورده ۹۰ به بازار وارد کرد و در برهه ای، بزرگ ترین شرکت سازنده تلفن همراه و تلفن های هوشمند بوده است. نوکیا پس از مدتی در سال ۲۰۱۳ و شراکت با مایکروسافت، به دلیل برخی از کشمکش ها در فروش و عرضه محصولات، امتیاز تولید تلفن های همراه خود را به مایکروسافت فروخت و این بخش از شرکت در سال ۲۰۱۴، مایکروسافت موبایل نام گرفت.

چنانچه در گزارش اومدیا مشاهده می شود، نوکیا در ابتدای بازار تلفن همراه سردمدار بوده و سال های متعددی گوشی هایش به دلیل اینکه قیمت مناسبی داشته در کشورهای در حال توسعه مورد استقبال بوده است.

نوکیا ۱۱۰۰، نوکیا ۱۰۵، نوکیا ۳۲۱۰، نوکیا ۶۶۰۰، نوکیا ۱۲۰۰ و نوکیا ۵۲۳۰ پر فروش های بازار تلفن همراه در دنیا از بدو ورود این فناوری به زندگی عموم مردم بوده است.

در بازار ایران نیز گوشی های نوکیا تا قبل از ورود مدل های مدرن سامسونگ و آیفون محبوبیت داشت و اصطلاحی رایج بود که مقاومت این گوشی ها مثل گوشت کوب بوده و با ضربه نمی شکنند.

اما باز یگر اصلی دیگر بازار تلفن همراه، آیفون است. نمونه ای که با فرم جدید توانست مشتریان جوان را جذب خود کند و در گزارش اومدیا نیز ذکر شده که در طول چند دهه برخی مدل های آن پر فروش بوده است و جالب آنکه برخی مدل ها هیچگاه نتوانسته وارد لیست پر فروش ها شود.

آیفون، گوشی تلفن هوشمند همراه است که در سال ۲۰۰۷ توسط استیو جابز، مدیرعامل وقت شرکت اپل معرفی شد که تاکنون ۳۴ مدل از این گوشی به بازار عرضه شده است. زمانی که سرو صدای عرضه آن رسانه ای شد، مردم صف های طولانی در مقابله شرکت سازنده می بستند تا بتوانند یک نمونه از آن را خریداری کنند. تفاوت آن با رقیب قدرتمندش نوکیا این بود که برای اولین بار گوشی همراه بدون دکمه را به مشتری معرفی کرد. در واقع لمس صفحه همه کارها را انجام می داد و این جذابیت باعث شد که تا به امروز آیفون ها، البته نه همگی شان در لیست پر فروش ها قرار گیرند.

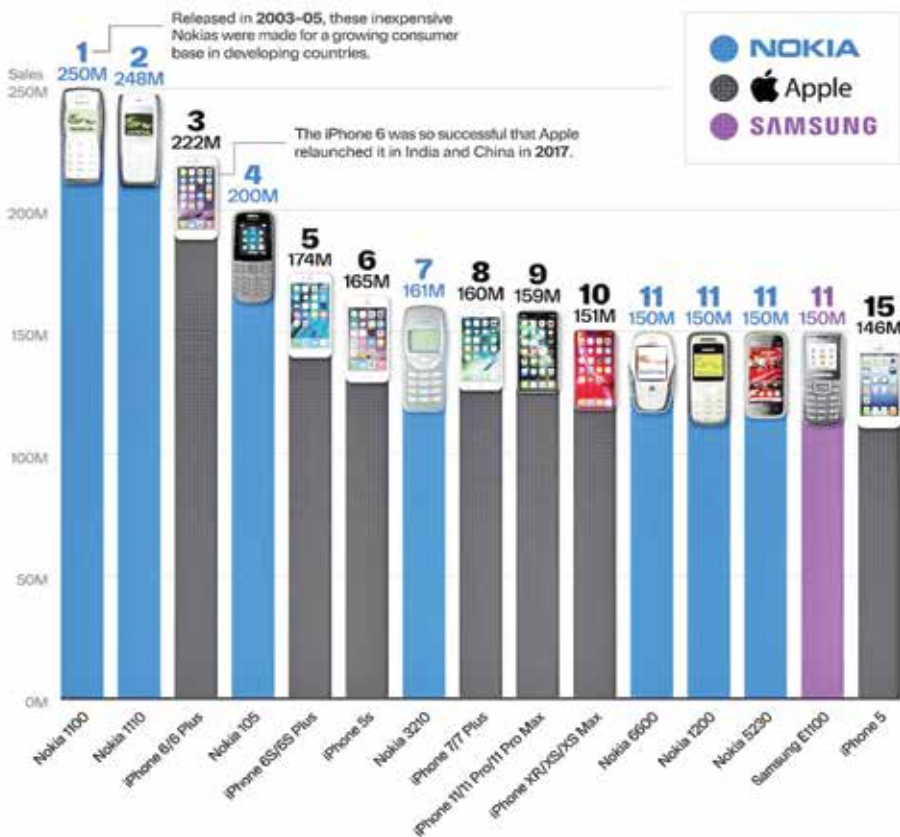
آیفون ۶، آیفون ۶s، آیفون ۷، آیفون ۵s، آیفون ۱۱، آیفون XR و آیفون ۵، فرزندان شرکت اپل هستند که در لیست پر فروش ها



در بازار ایران گوشی های نوکیا تا قبل از ورود مدل های مدرن سامسونگ و آیفون محبوبیت داشت و اصطلاحی رایج بود که مقاومت این گوشی ها مثل گوشت کوب بوده و با ضربه نمی شکنند.

The Best Selling Mobile Phones of All Time

In four decades, mobile phones have transformed from hefty "bricks" to sleek modern devices. Both types have enjoyed success, as seen in this list of top-selling phone models.



Data current up to 2023. All phone models on this list have been discontinued by their manufacturers. Newer phone models released past 2021 have not broken into the top 15 by sales yet. Source: Yahoo Finance, Omdia.

VISUAL CAPITALIST

f vvcapitalist X vvisuicap vvisuicap vvisuicap

COLLABORATORS RESEARCH • WRITING Palavi Rao • ART DIRECTION • DESIGN Sabrina Lam

به گواه آمار مؤسسه Counterpoint، از ۱۰ گوشی هوشمند پرفروش دنیا، ۷ گوشی از برند اپل هستند و در فهرست ۱۰ گوشی پرفروش ایران، ۹ دستگاه اقتصادی و فقط یک مدل از اپل را مشاهده می‌کنیم



گوشی هوشمند داخلی گفت. با گذشت حدود ۳ سال از موضوع تولید موبایل ایرانی برای بار اول، دولت بدون اینکه از سهم موبایل ایرانی در بازار بگوید، به فکر تولید یک میلیون گوشی در سال افتاده و اینکه تا سال ۱۴۰۴ تعداد ۲ میلیون گوشی و به قولی ۱۰ میلیون گوشی با سیستم عامل بومی در کشور تولید شود. برای این هدف، دولت سیزدهم می‌خواهد ۵۰۰ میلیارد تومان تسهیلات اشتغالزایی برای تولید تلفن همراه ارائه کند و با در دست گرفتن این صنعت پرسود برای ۳۰ هزار نفر اشتغال مستقیم و غیرمستقیم به وجود آورد.

در پانزدهم اسفندماه ۱۴۰۱ در زمان بررسی و تصویب بودجه ۱۴۰۲ به منابع مالی پروژه تولید گوشی هوشمند توجه شد و از افزایش تعرفه واردات تلفن همراه گفتند. براساس بند الحاقی ۴ تبصره ۷ لایحه بودجه، حقوق ورودی واردات گوشی‌های همراه خارجی بالای ۶۰۰ دلار برابر، ۱۲ درصد تعیین شده و کل منابع حاصل به وزارت صنعت، معدن و تجارت برای حمایت از تولید گوشی‌های هوشمند داخلی و صنعت میکروالکترونیک اختصاص می‌یابد. همچنین در شهریور ۱۴۰۱ آیین‌نامه اجرایی این بند از سوی هیأت وزیران تصویب شد.

در ادامه شش شرکت ایرانی برای تولید موبایل ایرانی اعلام آمادگی کردند و منابعی برای این پروژه از جمله تعرفه واردات گوشی‌های بالای ۶۰۰ دلار پیش‌بینی شد و واردات و رجیستری آیفون ۱۴ ممنوع شد و گفته می‌شود گام بعدی افزایش تعرفه گوشی‌های میان‌رده است. با وجود قدم‌های اجرایی-حمایتی و رانت سیاسی، هنوز تولید موبایل ایرانی وارد فاز اجرایی نشده ولی عده‌ای از تولیدکننده‌های بزرگ موبایل در انتظار دریافت تسهیلات ۵۰۰ میلیارد تومانی کم‌بهره هستند. «از سویی لازم به ذکر است که نه تنها تولید گوشی همراه روی کاغذ باقی مانده، بلکه موضوع سلیقه مشتری نیز پایش نشده است. دهه‌ها استفاده از گوشی همراه در برندهای مشخص و اطمینان از کیفیت آن یکی از سخت‌ترین سدهایی است که دولت تدبیری برای شکستن آن نکرده است و شاید حتی در برنامه‌ها توجهی هم به آن نشده و قرار است گوشی بومی به حلق مشتری ریخته شود. مصرف‌کنندگان تلفن همراه داخلی بی‌شک در مقابل نمونه‌های بومی مقاومت کرده و شاید در حجم اندک صرفاً به واسطه ارزان‌تر بودن آن به محصولات گرایش پیدا کنند. امید می‌رود برنامه‌های تولید گوشی همراه مانند اپلیکیشن‌های داخلی پیش‌ترود و آمارهای ناامیدکننده به جای نگذارد.

ضریب نفوذ تلفن همراه تا پایان سه ماهه اول سال ۱۴۰۱، ۱۶۷ درصد است.

در اپراتور همراه اول، تعداد خطوط واگذار شده دائمی تا پایان سه ماهه اول سال ۱۴۰۱ به ۲۲ میلیون و ۳۵۰ هزار و ۹۰۸ رسیده که از این میان تعداد ۲۱ میلیون و ۴۹۷ هزار و ۷۰۳ خط فعال است. خطوط واگذار شده اعتباری نیز به ۸۳ میلیون و ۸۶۲ هزار و ۱۹۹ عدد رسیده که از این میان ۵۳ میلیون و ۹۳۹ هزار و ۹۶۳ خط فعال است.

در اپراتور ایرانسل، تعداد خطوط واگذار شده دائمی تا پایان سه ماهه چهارم سال ۱۴۰۰ به هشت میلیون و ۳۸۷ هزار و ۴۵۶ رسیده که از این میان تعداد پنج میلیون و ۸۲۲ هزار و ۳۹۴ خط فعال است. خطوط واگذار شده اعتباری نیز به ۸۴ میلیون و ۸۷۲ هزار و ۷۳۹ عدد رسیده که از این میان ۵۴ میلیون و ۹۰۳ هزار و ۹۵ خط فعال است.

در اپراتور رایتل، تعداد خطوط واگذار شده دائمی تا پایان سه ماهه چهارم سال ۱۴۰۰ به ۶۸۸ هزار و ۸۱۶ رسیده که از این میان تعداد ۴۶۱ هزار و ۳۹۸ خط فعال است. خطوط واگذار شده اعتباری نیز به حدود هفت میلیون و ۸۲۴ هزار عدد رسیده که از این میان چهار میلیون و ۸۲۰ هزار و ۴۳۵ خط فعال است.

تولید گوشی همراه ایرانی به کجا رسید؟

بی‌شک ورود گوشی همراه نیازمند صرف‌ارز است و هزینه‌ای برای دولت محسوب می‌شود. بر همین اساس بودجه وزارت ارتباطات و فناوری اطلاعات تولید یک میلیون گوشی اقتصادی زیر ۱۰۰ دلار را در برنامه خود قرار داد.

شنبه‌مگ در تحلیل خود از اقدامات اخیر دولت‌ها برای ورود به بازار گوشی همراه می‌نویسد: «سال ۱۳۹۸ دولت به بهانه جلوگیری از خروج ارز از کشور، به فکر تولید موبایل ایرانی افتاد تا جلوی ورود کالایی که رتبه اول یا دوم واردات کشور را به خود اختصاص داده، بگیرد. برای همین بهمن‌ماه ۱۳۹۸ شورای عالی فضای مجازی در مصوبه‌ای تأکید کرد باید تلفن بومی ۲۰ درصد از سهم بازار را به خود اختصاص دهد و مدتی بعد وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات وقت از طرحی پنج‌ساله برای تولید ۱۴ میلیون تلفن همراه خبر داد.

تا اینکه دی‌ماه ۱۳۹۹، ستار هاشمی، معاون فناوری و نوآوری وزیر ارتباطات دولت دوازدهم در گفت‌وگویی با روزنامه همشهری از پیشرفت‌هایی، هرچند اندک، در پروژه تولید

قرار گرفته‌اند. در واقع می‌توان گفت این دو کشور یعنی فنلاند زادگاه نوکیا و آمریکا زادگاه آیفون بودند که توانستند بازار تلفن هوشمند به‌عنوان مهم‌ترین و پرکاربردترین ابزار رسانه‌ای را در اختیار بگیرند.

بازار ایران همچنان حول محور سامسونگ

اماد در گزارش اومدیا، نکته جالب این است که از دیگر برندها فقط و فقط یک نمونه از سامسونگ توانسته در لیست پرفروش‌ها قرار گیرد. سامسونگ E1100 که البته حجم فروش آن عدد بزرگی را به نسبت سایر ستاره‌های فروش نشان نمی‌دهد. اما در بازار ایران چه خبر است؟ حتماً شما نیز این واقعیت را لمس کرده‌اید که اکثر ایرانی‌ها گوشی سامسونگ به دست گرفته‌اند؛ واقعیتی که آمارها نیز تأیید می‌کند.

براساس آمار انجمن واردکنندگان موبایل، از آبان ۱۴۰۰ تا آبان ۱۴۰۱، در مجموع ۱۶ میلیون و ۲۶۱ هزار دستگاه گوشی موبایل به ارزش ۴ میلیارد و ۱۴۰ میلیون دلار وارد بازار ایران شده است که ۸۱٫۶ درصد از مجموع گوشی‌های وارد شده، از دسته محصولات اقتصادی و میان‌رده بوده‌اند. در یک سال گذشته، سامسونگ و شیائومی و نوکیا به ترتیب با ۴۹ و ۲۳ و ۱۴ درصد، بیشترین حجم واردات را از آن خود کرده‌اند؛ در حالی که از لحاظ ارزش دلاری واردات، سامسونگ و اپل و شیائومی به ترتیب با ۴۱ و ۳۴ و ۲۰ درصد، سه جایگاه نخست را در اختیار داشته‌اند. بدین ترتیب، می‌توان سامسونگ را حکمران مطلق بازار ایران دانست. سه گوشی گلکسی A12 و نوکیا ۱۰۵ و گلکسی A13 در جایگاه‌های اول تا سوم واردات گوشی به بازار ایران قرار دارند. در ضمن، همین مدل‌ها به ترتیب با تعداد ۱۰۶۸۰۰۰ و ۸۷۶۰۳۰۰ و ۸۷۶۰۵۰۰ دستگاه، بیشترین آمار فروش گوشی در کشور در همان بازه واردات را نیز تجربه می‌کنند.

ایرانی‌ها صرفاً مصرف‌کننده‌اند

براساس بررسی زومیت، «نکته جالب درباره آمار فروش گوشی در بازار ایران، به وضعیت فروش آیفون ۱۳-پرومکس، پرچم‌دار گوشی‌های هوشمند اپل در سال ۲۰۲۱ و ابتدای ۲۰۲۲ بازمی‌گردد. این محصول که با تعداد ۴۹۱،۴۰۰ دستگاه فعال شده، در جایگاه هشتم گوشی‌های پرفروش بازار ایران قرار دارد؛ اما خرید آن در مجموع با هزینه خرید هفت گوشی ابتدایی جدول فروش برابری می‌کند! در سال‌های اخیر، گوشی‌های پرچم‌دار با افزایش قیمت محسوسه مواجه شده‌اند و این موضوع در بازارهای جهانی هم دیده می‌شود؛ اما تصور نمی‌کنیم در هیچ‌جای دنیا، روند افزایش قیمت گوشی مثل بازار ایران باشد. در حالی که به‌گواه آمار مؤسسه Counterpoint، از ۱۰ گوشی هوشمند پرفروش دنیا، ۷ گوشی از برند اپل هستند و در فهرست ۱۰ گوشی پرفروش ایران، ۹ دستگاه اقتصادی و فقط یک مدل از اپل را مشاهده می‌کنیم.» از سویی لازم به ذکر است ایران همچنان مصرف‌کننده صرف در بازار بزرگ تلفن همراه است و تاکنون هیچ نمونه موفقی از تولید یک دستگاه گوشی همراه نداشته است. این مصرف‌گرایی موجب شده التهابات اقتصادی و تغییرات نرخ ارز، بازار نوسان‌داری را در ایران به وجود آورد و به‌عنوان مثال یک گوشی همراه از قیمت سه میلیون تومان تا ۱۰ میلیون تومان افزایش یابد.

چنین وضعیتی در حالی است که ایرانی‌ها کاربران جدی گوشی همراه هستند و مطابق آمار منتشر شده توسط سازمان تنظیم مقررات و ارتباطات رادیویی درباره وضعیت توسعه تلفن همراه در سه ماهه اول سال ۱۴۰۱، خطوط واگذار شده دائمی ۳۱ میلیون و ۴۲۷ هزار و ۱۸۰ عدد و خطوط واگذار شده اعتباری ۱۷۶ میلیون و ۵۶۰ هزار و ۲۹۰ عدد است که مجموع خطوط واگذار شده دائمی و اعتباری را به ۲۰۷ میلیون و ۹۸۷ هزار و ۲۰۹ می‌رساند.

از میان خطوط واگذار شده، ۲۷ میلیون و ۷۸۱ هزار و ۴۹۵ خط دائمی فعال و ۱۱۳ میلیون و ۶۶۳ هزار و ۴۹۳ خط اعتباری فعال وجود دارد که مجموع خطوط دائمی و اعتباری فعال را به ۱۴۱ میلیون و ۴۴۴ هزار و ۹۸۸ عدد می‌رساند. همچنین



در یک سال گذشته، سامسونگ و شیائومی و نوکیا به ترتیب با ۴۹ و ۲۳ و ۱۴ درصد، بیشترین حجم واردات را از آن خود کرده‌اند؛ در حالی که از لحاظ ارزش دلاری واردات، سامسونگ و اپل و شیائومی به ترتیب با ۴۱ و ۳۴ و ۲۰ درصد، سه جایگاه نخست را در اختیار داشته‌اند. بدین ترتیب، می‌توان سامسونگ را حکمران مطلق بازار ایران دانست



فرهنگ



از آنکه مستحق باشد دیده شود و رکوردی را خوبی را به جا بگذارد. از انصاف نباید گذشت که اوپنهایمر هر چند در فیلم نامه یک اثر معمولی است اما در ابعاد فنی با بهره گیری از بهترین تکنولوژی های روز توانسته یک اثر فاخر باشد. استفاده از بهترین دوربین ها با بالاترین وضوح در کنار طراحی صحنه بی نظیر و حضور یک کارگردان با تجربه مانند کریستوفر نولان این اثر را در ابعاد فنی به یک فیلم قابل قبول تبدیل کرده است. شاهکاری که با تمام نواقض مخاطب را سه ساعت پای کار خود می نشانند.

جریان رسانه ای تعریف و تمجیدها از این فیلم سبب شده تا نولان را به واکنش عجیب وادار کند و خود زبان به تعریف و تمجیدهای گل درشت از فیلمش بپردازد. نولان درباره موفقیتش در فیلم اوپنهایمر به بی بی سی گفته است: «او به انسان این قدرت را داد که خودش را نابود کند، چیزی که هرگز قبلاً رخ نداده بود.» تعریف و تمجیدهایی که واکنش برخی رسانه ها را به همراه داشته، تیره هایی با این عنوان «نولان مغرور شده است» این فیلم ساز ۵۳ ساله که فیلمش نامزدی دستاورد در بخش باکس آفیس گلدن گلوب را به دست آورده است و تلاش می کند اولین اسکار خود را بابت این فیلم بدست آورد، او در ادامه گفته است: «من ۲۰ سال است که در بریتانیا، این کار را انجام می دهم و این فیلم پرفروش ترین فیلم من است می تواند بازگشت مخاطب را تضمین کند و چرخه اقتصاد هالیوود و هزینه ساخت و توزیع بسیاری از انواع دیگر فیلم ها را نیز به همراه داشته باشد.»

با توجه به موج حمایت های رسانه ای برای بزرگ نمایی از اوپنهایمر پیش بینی می شود، این فیلم بعد از دریافت پنج جایزه بهترین فیلم درام، بهترین کارگردانی برای «کریستوفر نولان»، بهترین موسیقی متن و همچنین جوایز بازیگری برای «کیلین مورفی» و «رابرت داوونی جونور» در گلدن گلوب با همین دست فرمان در اسکار هم رکورد شکن شود اما پیش از اینکه جایزه اسکارش اعلام شود، جشنواره های دیگر در نوبت اند تا از این فیلم تقدیر ویژه کنند. مانند همین هالیوود رپورتر که فیلم زندگینامه ای «اوپنهایمر» را یک موفقیت تجاری در گیشه توصیف کرده است. قرار است در ساترن ۲۰۲۴ که در چهارم فوریه برگزار می شود، از نولان تجلیل به عمل آید. امیلی بلانت بازیگر «اوپنهایمر»، جایزه ساترن را به این کارگردان اهدا کند.

قمار هالیوود روی اوپنهایمر

هانیه شجاعی زیند
خبرنگار

«اینک من خود مرگ شده ام... ویرانگر دنیاها» این یک خطی فیلمی است که برخی آن را مهم ترین فیلم قرن حاضر تا به اینجا نامیده اند. پرتره ای از یک فیزیکدان آمریکایی که برای آمریکا پیروزی و برای جهان یک تراژدی را خلق کرد. تریلری از زندگینامه «اوپنهایمر» خالق بمب اتم که سوژه آخرین فیلم کریستوفر نولان شد. نولان بعد از فیلم نه چندان موفق تنت بار دیگر سوژه فیلم خود را بر سه اصل سیاست، علم و جنگ پایه گذاری کرد. این فیلم هم مثل اثر قبلی نولان یعنی فیلم «دانکرک» بیشتر توجهش روی بحران اروپایی و حول محور متفقین بنا شده است. فیلمی که پیش از آن که پایش به سالن های سینما باز شود و روی پرده نمایش بنشیند خیلی قبل تر از اینکه بلیتی فروخته شود و در دنیا دست به دست شود و تمام مجلات این فیلم را به بحث اول خود تبدیل کنند، کسانی خواستند که این فیلم دیده شود و دیده شد. اما این قضاوت از کجا می آید؟



برای پرومته آمریکایی بابت بمباران اتمی ژاپن تمام قد دست بزند. «اوپنهایمر» به مدد جریاناتی توانست بیش

بدهد و در ذهن خود از زندگی او یک تراژدی خلق کند و مرزهای اخلاقی در علم را نادیده بگیرد و در نهایت در پایان فیلم، مخاطب

با توجه به تجربه فیلم های قبلی نولان هر چند این فیلم مورد تحسین گسترده منتقدان و تماشاگران قرار گرفته است و توانسته موفقیت بزرگی در گیشه داشته باشد و آن را به یک شاهکار سینمایی تبدیل کند اما منتقد هم کم ندارد. اگر از تحریف تاریخی فیلم عبور کنیم، به گفته برخی از اهالی منتقدان «اوپنهایمر» یکسره «حرف زدن بی وقفه» استونقدهایی که فروش بالا و رکوردشکنی های آن را زیر سؤال میبرد. رکوردشکنی هایی مانند، فروشی معادل ۷۳۰ میلیون دلار در سراسر جهان که حتی رکود فروش فیلم های پیشین نولان را هم در هم شکست. فیلم هایی مانند بتمن که شاید کمتر کسی گمان می کرد روزی رکورد فروش -اش شکسته شود. فروش ۱۵۴.۵ میلیون دلاری اوپنهایمر از سالن های سینمایی «آی مکس» و رقم ۷۰.۴ میلیون دلار از سینماهای خارج از آمریکا، فیلم اوپنهایمر را به پنجمین اسکران بزرگ آی مکس و همچنین ششمین اسکران بین المللی برتر تبدیل کرده است. در اینکه فیلم اوپنهایمر یک فیلم خوب و جالب توجه است شکی نیست اما اینکه در مقایسه با سایر آثار نولان مانند دانکرک و یا شوالیه تاریکی و حتی تلغین بهترین باشد قطعاً جز خوب های فیلم نولان محسوب نمی شود، اما اینکه چرا تا این حد اوپنهایمر در جهان اقبال داشته است و توانسته در گیشه رکورد بهترین های نولان را در هم شکند باید در تبع هالیوود و در خدمت

جریان های رسانه ای و فکری آن ها ببینیم. جریان نولان همواره تلاش کرده تا فیلم مستقل خود را بسازد و در ورطه این جریان قرار نگیرد. اما به هر حال تاریخ ثابت کرده است که جریانات اصلی سینما و رسانه هر فیلم ساز بزرگی را به درون خودشان می کشند و می بلعند و اوپنهایمر نولان نمونه ای کامل از فیلمی است که روی همین مدار قدرت و سیاست قرار گرفته است. فیلمی که حتی حضور کسانی مانند کلین مورفی هم در حد و اندازه های خودش نیست. حتماً کلین مورفی بازیگر خوبی است اما مقایسه بازی او در فیلم پیکو بلاینرز توقعی را در ذهن مخاطب ایجاد کرده که تلاش می کند. همان کیفیت بازی را در فیلم اوپنهایمر هم ببیند اما آن گونه نیست. در نهایت ترکیب احساس با روایت سه ساعته از داستان زندگی اوپنهایمر سبب می شود تا مخاطب بعد از سه ساعت همراهی با نقش اول فیلم با او همزاد پنداری کند و بابت بمباران هیروشیما و ناگاساکی حق را به او



در اینکه فیلم اوپنهایمر یک فیلم خوب و جالب توجه است شکی نیست اما اینکه در مقایسه با سایر آثار نولان مانند دانکرک و یا شوالیه تاریکی و حتی تلغین بهترین باشد قطعاً جز خوب های فیلم نولان محسوب نمی شود، اما اینکه چرا تا این حد اوپنهایمر در جهان اقبال داشته است و توانسته در گیشه رکورد بهترین های نولان را در هم شکند باید در تبع هالیوود و در خدمت جریانات رسانه ای و فکری آن ها ببینیم

علیرضا خمسه بازیگر نقش «بابا پنجعلی» در سریال «پایتخت» در افتتاحیه نمایشگاه شرحی به نکته جالبی اشاره کرده و گفته، «خیلی خوب است که انسان موجود تک ساحتی و تک بعدی نباشد و بهترین آدم‌ها کسانی هستند که در شاخه‌های مختلف مهارت پیدا می‌کنند



گالری گردی به وقت چند قدمی بهار از «شرجی» مقدم تا «بوی ماه عید» ۴۷ هنرمند

سمیه دهقان زاده
روزنامه‌نگار

روزهای پایانی سال، همیشه همه در حال تکاپو برای سرو سامان دادن و رسیدن هستند تا وقت نوشدن سال، اما اگر گمان می‌کنید برو بیای گالری‌گردها در اسفند کساد است سخت در اشتباهید، چرا که این روزها هم دوست‌داران هنرهای تجسمی بی‌نصیب نخواهند بود و گالری‌هایی متنوع و جذاب در جای جای تهران برای تماشا شدن منتظرند. پس بی‌حرف پیش این شما و این شرح حالی از رویدادهای تجسمی در پایتخت.



گالری سهراب

پلتفرم، عنوان نمایشگاهی گروهی از ۷ هنرمند نقاش است که تا ۱۵ اسفند از ساعت ۱۶ تا ۲۰ در گالری سهراب به آدرس خیابان سمیه، بین مفتح و رامسر شماره ۱۴۲ برقرار است و آثار مرتضی اسدی، وحید چمانی، پانته آرجمانی، امیرحسین زنجانی، شبنم شعبانی، مهرداد محب‌علی و ساسان نصیری را به نمایش می‌گذارد. شاهین ترکمن، مدیر گالری سهراب درباره این نمایشگاه گفته، پلتفرم معانی و دلالت‌های مختلفی دارد و سکو، برنامه، چهارچوب و... ترجمه شده است. این نمایشگاه نگاه به آینده دارد. هنرمندانی در این نمایشگاه حضور دارند که گام‌های بلندی برداشته‌اند و برخی نیز در نقطه برداشتن این گام هستند. در این نمایشگاه مرادماز و آژنه پلتفرم، سکو است.



گالری بُستان

نمایشگاه گروهی اولین سالانه بُستان تا ۲۳ اسفند بجز دوشنبه ساعت ۱۶ تا ۲۰ در گالری بُستان به نشانی خیابان مطهری، خیابان لارستان، نبش کوچه ۲۲، پلاک ۷۱ برقرار است.



گالری گوپه

جالب است بدانید، سیروس مقدم هنرمند نام‌آشنا و کارگردان سینما و تلویزیون، فارغ‌التحصیل رشته نقاشی از دانشکده هنرهای زیبای دانشگاه تهران است، حال پس از ۴۵ سال دوری از هنر نقاشی، نمایشگاه «شرجی» را برگزار کرده است. این نمایشگاه در گالری گوپه، به نشانی، میدان هفت تیر، خیابان مشاهیر، کوچه لطفی، پلاک ۳۹ تا ۱۴ اسفند، از ساعت ۱۲ تا ۲۰، برپاست. مقدم درباره چگونگی آغاز دوباره فعالیتش بعد از سال‌ها دوری از نقاشی، می‌گوید: در دوران کرونا به دلیل اینکه نمی‌شد کارهای گروهی فیلمسازی را داشته باشیم و همه این فعالیت‌ها دچار کندی و لختی بودند، مجدداً شروع به تمرین و کار نقاشی کردم و بتدریج طی دو سال اخیر تابلوهایی را خلق کردم. نمایشگاه شرحی دو بخش دارد: بخش اول آن متشکل از آثار از دوران قدیم سیروس مقدم است که بین سال‌های ۱۳۵۶ تا ۱۳۶۰ خلق شده و بخش دوم نیز مربوط به آثاری است که در سه سال اخیر کار کرده است. سبک کارها، اکسپرسیونیستی و رئالیسم اجتماعی با موضوعات و فضاسازی‌های جدید است. در ضمن، آثار این نمایشگاه شامل ۱۶ تابلوی رنگ روغن بزرگ است که ۳ اثر آن متعلق به ۴۰ سال گذشته است. همچنین، حدود ۲۰ اثر طراحی هم به نمایش گذاشته می‌شود که با تکنیک‌های سیاه‌قلم، مدادرنگی و آکرلیک کار شده‌اند.



پایان سال نزدیک است، اما گالری گردی و نمایش انواع هنر تجسمی در تهران نقطه پایان ندارد، بلکه در یک امتداد همیشگی و خوشایند است از نمایشگاه «شرجی» کارگردان سریال پایتخت گرفته تا «بوی ماه عید» نمایشگاه گروهی ۴۷ هنرمند این مرز و بوم

طراحی، مجسمه، عکس، چاپ دستی از ۱۰۳ هنرمند با نگاه مدرن و معاصر با نمایشگاه گردانی محمد علی سعیدی تا ۱۵ اسفند ساعت ۹ تا ۱۷ و پنجشنبه‌ها ساعت ۹ تا ۱۲ بجز روزهای تعطیل در نگارخانه لاله واقع در خیابان دکتر فاطمی، ضلع شمالی بوستان لاله، روبه‌روی پارکینگ طبقاتی لاله دایر است.

گالری شریف

«از میان سکوت»، نمایشگاه انفرادی مهسا عرب‌زاده تا ۱۸ اسفند از ساعت ۱۶ تا ۲۰ در گالری شریف به نشانی میدان قدس، خیابان شریعتی، کوچه ماهرزاده، پلاک ۱۱ برپاست.



حوزه هنری

نمایشگاه عکس «شاهد شهر»؛ عکس‌های محمد باقر قاسم از نهضت انقلاب اسلامی در سمنان» به مناسبت چهل و پنجمین سالگرد پیروزی انقلاب اسلامی تا ۱۷ اسفند روزهای شنبه تا چهارشنبه از ساعت ۱۰ تا ۱۹ و روزهای پنجشنبه و جمعه از ساعت ۱۵ تا ۱۹ در گالری «خانه»، به نشانی حوزه هنری انقلاب اسلامی، خیابان سمیه، تقاطع خیابان حافظ میزبان علاقه‌مندان است.

نگارخانه لاله

«دوازدهمین نمایشگاه آثار چند نسل هنرمندان معاصر ایران» شامل ۲۵۰ اثر نقاشی، نقاشیخط،



نگارخانه هنر فرهنگسرای ارسباران

دومین نمایشگاه گروهی «بوی ماه عید» با همکاری ۴۷ هنرمند تجسمی در استقبال از بهار و سال نو تا ۲۰ اسفند هرروز از ساعت ۹ تا ۱۷ و روزهای تعطیل ۱۶ تا ۱۹ در نگارخانه هنر فرهنگسرای ارسباران در خیابان شریعتی، بالاتر از پل سیدخندان، خیابان جلفا، کوچه عقاب برپاست. این نمایشگاه با رویکرد توسعه فرهنگی و جلب مشارکت هنرمندان در عرضه، نمایش و فروش آثار هنری فاخر هنرمندان معاصر و نیز مشارکت در تبادل آثار این نمایشگاه، متناسب با شرایط اقتصادی موجود و ایجاد

انگیزه برای خرید آثار هنری، ترتیب داده شده است. در ضمن، در روز اختتامیه نمایشگاه، هنرمندان در صورت تمایل می‌توانند در تعاملی ارزشمند، آثار خود را با دیگر صاحبان آثار تبادل کرده و اثری فاخر را به مجموعه خود بیفزایند.



این روزها عوامل سریال سلمان، در استان سمنان و شاهرود به سر می برند تا از فضای زمستانی منطقه برای پیشرفت صحنه های متنوع داستان استفاده کنند. فیلمبرداری اوایل سال آینده در شهرک سینمایی غزالی و در لوکیشن مجموعه ماربین ادامه خواهد یافت. بر اساس برنامه ریزی های انجام شده، تصویربرداری فصل ایران حدود دو سال طول می کشد. فصل ایران باستان یکی از مهم ترین فصل های سریال «سلمان فارسی» است و برای نخستین بار این دوره از تاریخ به تصویر کشیده می شود

از سلمان و موسی (ع) چه خبر؟

مصطفی پورکمانی
روزنامه نگار

عشق، در چشم باد، یوسف پیامبر و اخیراً سریال «مختارنامه» از خاطرم آن می گذرد؛ سریال هایی که در زمان پخش خود مخاطبان و تماشاگران زیادی را پای تلویزیون نشانده اند و حتی سال ها بعد و در زمان بازپخش مجدد خود نیز، بینندگان فراوانی داشته اند. حالا در این گزارش سعی داریم از آخرین اخبار دو سریال فاخر «سلمان فارسی» و «موسی (ع)» و اینکه در چه مرحله ای از ساخت قرار دارند، باخبر شویم.

ملی و مذهبی دارند که برای مخاطب می توانند الگویی وطنی معرفی کنند. الگویی که شاید بتواند در کنار قهرمان های هالیوودی مانند مرد عنکبوتی، بتمن و سوپرمن، چهره جدیدی برای نوجوان های ما باشند. وقتی سریال های مهم و ماندگار تاریخی، مذهبی تلویزیون که بتوان عنوان فاخر را برای آنها بدک کشید، مرور می کنیم، بی درنگ مجموعه هایی نظیر هزارستان، امام علی (ع)، ولایت

یکی از رسالت ها و وظایف تلویزیون و رسانه ملی در برابر مخاطب، ایجاد سرگرمی با تولید سریال های نمایشی است. اما تلویزیون در کنار تولید این سریال های شبانه در ژانرهای کمدی، اجتماعی، خانوادگی و پلیسی، دو سه دهه ای می شود که با تولید سریال هایی با عنوان «الف ویژه» و «فاخر» در ژانر تاریخی، مذهبی و ملی سعی دارد مخاطبان خود را با مفاهیم جدی تری روبه رو کند؛ معمولاً اکثر این سریال ها، قهرمان هایی

میرباقری که با تئاتر کار حرفه ای خود را شروع می کند، سال ها بعد سریال «معصومیت از دست رفته» را با بازی درخشان مرحوم امین تارخ برای تلویزیون کار می کند تا پیش درآمدی برای خلق اثری ماندگارتر به نام «مختارنامه» باشد؛ مختاری که پنج سالی ساخت آن طول می کشد تا یکی از ماندگارترین آثار تلویزیون در قالب آثار تاریخی، مذهبی ساخته شود.

میرباقری در سینما و شبکه نمایش خانگی نیز تک خالهایی برای خود به یادگار گذاشته است؛ همان طور که سینمایی «مارمولک» کمال تبریزی با وجود توقیف، در خانه اکثر ایرانی ها راه پیدا کرد، سینمایی «آدم برفی» میرباقری نیز به خاطر نقش خاص اکبر عبدی

پیش تولید فصل بعدی یعنی «حجاز» نیز از مدتی پیش آغاز شده است. فصل حجاز در چند منطقه مختلف ساخته خواهد شد که یکی از آنها شهرک سینمایی نور است.

آشنایی با عوامل و بازیگر نقش سلمان

نام سید داوود میرباقری در دنیای رسانه معمولاً با سریال های بلند تاریخی، مذهبی گره خورده است؛ بی جهت نیست که وی در اوج جوانی و در ۳۰ سالگی سریال ماندگار «امام علی (ع)» را می سازد و پنج سال از عمر خود را صرف کارگردانی این سریال می کند. سریالی که هنوز پس از گذشت بیش از دودهه از پخش آن، تازگی خود را حفظ کرده و بازی ها و دیالوگ هایش برای مخاطب جان دارند.

(غزالی) رسیدند تا فیلمبرداری سکانس های لوکیشن کاروانسرای مرمر تیسفونی و اتاق کار زیر انجام شود.

این روزها عوامل سریال سلمان، در استان سمنان و شاهرود به سر می برند تا از فضای زمستانی منطقه برای پیشرفت صحنه های متنوع داستان استفاده کنند. فیلمبرداری اوایل سال آینده در شهرک سینمایی غزالی و در لوکیشن مجموعه ماربین ادامه خواهد یافت. بر اساس برنامه ریزی های انجام شده، تصویربرداری فصل ایران حدود دو سال طول می کشد. فصل ایران باستان یکی از مهم ترین فصل های سریال «سلمان فارسی» است و برای نخستین بار این دوره از تاریخ به تصویر کشیده می شود.

سلمان؛ آخرین جادوی میرباقری

سریال «سلمان فارسی» به نویسندگی و کارگردانی داوود میرباقری و تهیه کنندگی حسین طاهری به زندگی و زمانه یار ایرانی پیامبر اکرم (ص) در سه فصل ایران ساسانی، بیزانس و حجاز صدر اسلام می پردازد. تصویربرداری این سریال از زمستان سال ۱۳۹۸ با شروع سکانس های فصل بیزانس در کوربشهاد کرمان آغاز شد و در جزیره قشم و ارمنستان ادامه پیدا کرد و بارها به دلیل شرایط کرونا متوقف شد. با پایان تصویربرداری این فصل، نیمه های مرداد ماه امسال بود که گروه سلمان برای آغاز فصل ایران که به گفته گروه کارگردانی از سخت ترین قسمت های ساخت سریال است، به شهرک سینمایی ایران





آبان ماه سال ۹۹ بود که پس از کش و قوس های فراوان بر سر ساخت سریال حضرت موسی (ع) قرعه کارگردانی این کار به نام ابراهیم حاتمی کیا زده شد. فرج الله سلحشور، پیش از مرگ خود، از جمال شورجه خواسته بود در مقام کارگردان، این سریال را راهبری کند، اما با وخامت حال شورجه، سیمافیلیم تصمیم گرفت تا گزینه دیگری را برای هدایت این سریال جایگزین کند و قرار شد تا شورجه، پس از بهبودی به عنوان کارگردان دوم در کنار کار حضور داشته باشد



«موسی کلیم الله (ع)» ادامه دارد و تیم های تولید که مجموعاً بیش از ۳۰۰ نفر هستند، مقدمات آغاز فیلمبرداری این مجموعه را آماده می کنند. حاتمی کیا در این سریال از تکنولوژی «Virtual Production» استفاده کرده است. ماجرای این تکنولوژی به طور ساده این است که بخشی از مرحله تولید و پس تولید با هم ترکیب می شوند و این طور نیست که هنرپیشه ها جلوی پرده سبز بازی کنند تا پس زمینه بعداً به آن اضافه شود. کارگردان در این سبک از کار همزمان می تواند پس زمینه ای را که قرار است اضافه شود ببیند و همین به طبیعی تر درآمدن کار کمک شایانی می کند. تا به حال از این تکنیک در خیلی از فیلم ها و سریال ها استفاده ای جزئی شده است اما در برخی موارد کل دکور و صحنه به همین شکل طراحی و به پس زمینه اضافه شده اند.

سابقه دریافت دو سیمرغ بلورین از جشنواره فیلم فجر دارد که به خاطر فیلم «خورشید» به کارگردانی مجید مجیدی و «غلامرضا تختی» به کارگردانی بهرام توکلی بوده است. طراحی سریال «سرزمین مادری» به کارگردانی کمال تبریزی، برگ زرین دیگری از کارنامه مقدم است. تا به حال نام هیچ بازیگری برای این پروژه بزرگ تلویزیونی به صورت رسمی رسانه ای نشده است، اما گمانه زنی هایی از سوی رسانه ها برای بازیگر اصلی این سریال در فضای مجازی دست به دست می چرخد؛ نام بابک حمیدیان و مریلا زارعی برای بازی در دو نقش اصلی موسی و آسیه از طرف برخی رسانه ها پیش بینی شده است. حتی برخی از نام محمد رضا فروتن برای نقش موسی نام می برند. اما هیچ کدام از آنها تا به حال توسط تیم تولید تأیید و یا تکذیب نشده است. در حال حاضر پیش تولید

شجاع نوری بازی در فیلم «محمد رسول الله» مجیدی در نقش «عبدالمطلب» است که گریم شجاع نوری در این فیلم بی شباهت به نقش میانسانی و پیری سلمان فارسی نیست که هم اکنون در حال بازی در این سریال الف ویژه تلویزیون است. قرار است امیررضایی که کارنامه ای تئاتری دارد، دوران جوانی سلمان را بازی کند. انتخاب او بیشتر به خاطر جنبه شبیه بودن به شجاع نوری بوده است. البته این شخصیت، بخش نوجوانی و کودکی هم دارد که به مرور بازیگرانش انتخاب می شوند و جلوی دوربین می روند.

وقتی عصای موسی بلند می شود

آبان ماه سال ۹۹ بود که پس از کش و قوس های فراوان بر سر ساخت سریال حضرت موسی (ع) قرعه کارگردانی این کار به نام ابراهیم حاتمی کیا زده شد. فرج الله سلحشور، پیش از مرگ خود، از جمال شورجه خواسته بود در مقام کارگردان، این سریال را راهبری کند، اما با وخامت حال شورجه، سیمافیلیم تصمیم گرفت تا گزینه دیگری را برای هدایت این سریال جایگزین کند و قرار شد تا شورجه، پس از بهبودی به عنوان کارگردان دوم در کنار کار حضور داشته باشد.

حاتمی کیا پس از اینکه کارگردانی این پروژه عظیم را برعهده گرفت، در این خصوص گفت: «در میان آثار متعددی که ساخته ام، جای یک کار قرآنی را خالی می بینم و به همین علت با انگیزه و علاقه، این مسئولیت سنگین را می پذیرم به این امید که ادای دینی به فرج الله سلحشور کرده باشم.»

شورجه فیلمنامه مرحوم سلحشور را از ۷۲ قسمت به ۵۲ قسمت کاهش داد و گویا حاتمی کیا قرار است این سریال را در ۶۰ قسمت در لوکیشن های مختلف، با بازیگران پرشمار داخلی و احتمالاً خارجی بسازد. خرداد ماه سال گذشته بود که سید محمود رضوی به جای میرعلایی تهیه کنندگی این پروژه عظیم را برعهده گرفت تا ساخت این سریال سرعت بیشتری به خود بگیرد.

یکی دو سالی است که کار پیش تولید و طراحی و ساخت دکورهای عظیم سریال در حال آماده سازی است و همزمان کارگاه های بزرگ چوب، آهن، دوخت لباس تاریخی و ... آکسسوار صحنه در حال ساخت و آماده سازی این سریال اند و روند همچنان ادامه دارد. حاتمی کیا پس از عهده دار شدن مقام کارگردانی این سریال، کیوان مقدم را به عنوان مدیر هنری این سریال منصوب کرد. کیوان مقدم طراح صحنه با سابقه سینما،

در شمایل یک زن به فیلمی خاطره انگیز و دیدنی برای ایرانی ها تبدیل شد. و اما سریال «شاهکوش» داوود خان نیز به دلیل گریم های ماندگار محسن تانابنده در نقش های مختلف و بازی های درخشان مجموعه بازیگران آن، در زمان پخش خود، به یکی از سریال های پر بیننده شبکه نمایش خانگی تبدیل شده بود.

و حالا خالق آثاری چون «امام علی (ع)» و «مختارنامه» بار دیگر دست به جادوگری زده تا سریال درخشان دیگری را برای تاریخ تلویزیون به یادگار بگذارد. سریالی که سوژه آن از سال ها پیش، در ذهن آقای کارگردان ساخته و پرداخته شده و حتی پیش از خلق مختارنامه، قصد ساختن آن را داشته که زمین و زمان دست به دست هم دادند تا سریال الف ویژه «سلمان فارسی» حالا و در این زمان ساخته شود.

بازیگرانی همچون علیرضا شجاع نوری (در نقش سلمان)، فرهاد اصلاقی، داریوش فرهنگ، محمد رضا هدایتی، احترام برومند، رامونا شاه، علی دهکردی، مرحوم چنگیز جلیلود، مرحوم اکبر احمدی، مهدی فقیه، محمد جواد جعفرپور، علیرضا مهران و چند بازیگر خارجی (از کشورهای تونس، ارمنستان، مراکش، یونان و ...) و حدود ۱۵۰۰ بازیگر تئاتری و بومی جلوی دوربین این سریال رفته و خواهند رفت.

بر اساس برنامه ریزی ها قرار است سریال «سلمان فارسی» در ۶۰ قسمت و از سال ۱۴۰۵ پخش تلویزیونی خود را آغاز کند.

کارنامه بازیگر نقش سلمان

علیرضا شجاع نوری از ابتدای دهه ۶۰ کار بازیگری در سینما را با فیلم «بی بی چله» کیومرث پورا احمد آغاز می کند و دو سال بعد همزمان با بازی در فیلم «شیرسنگی» جعفری جوزانی، تهیه کنندگی این کار را نیز برعهده می گیرد و به نحوی وارد دنیای تهیه کنندگی می شود و همزمان، حرفه بازیگری را نیز ادامه می دهد و در این سال ها فیلم های بسیاری را تهیه کرده و تک خال هایی در عالم بازیگری دارد که همه این نقش هادر ذهن و خاطر مخاطبان سینما و تلویزیون ثبت شده است. در فیلم سینمایی «روز واقعه»، «عبدالله» جوانی مسیحی است که تازه مسلمان شده و با ندای یاری امام حسین (ع) راهی کربلا می شود و این بازی یکی از تک نقش های ماندگار سینمای ایران است که شجاع نوری جوان در سال ۷۳ آن را بازی می کند و نامزد سیمرغ بهترین بازیگر نقش اول مرد در جشنواره سیزدهم فیلم فجر می شود. دیگر نقش ماندگار





گزارشی از وضعیت مجریان صداوسیما

قد و قواره برنامه سازان کوتاه شده است

زینب رازدشت

روزنامه نگار

نیازمند ظریف ترین و شفاف ترین شیوه های کلامی و غیر کلامی است. گوینده و مجری ناآشنا به جاذبه های کلامی و رفتارهای غیر کلامی در برقرار کردن ارتباط مؤثر و پایدار ناتوان خواهند بود. شاید بتوان گفت مفهوم ارتباط به معنای تسخیر مخاطب علاقه مند، ایجاد رغبت در بیننده یا شنونده برای دنبال کردن برنامه و اثرگذاری بر نگرش و رفتار اوست.

برای دستیابی به این مهارت ها لازم است با دانش ارتباطات آشنا شد. نظریه های ارتباطی را آموخت و مخاطب را بخوبی شناخت تا طی ارتباط به درک و شعور او توهین نشود. اگر مجری یا گوینده، علم ارتباطات را نشناسد بی شک در جلوی دوربین، فردی مزاحم خواهد بود. قدرت جذب سریع مخاطب و شاد نگه داشتن روحیه او در عین جدی بودن از یک مجری یا گوینده ارتباط گر خوبی خواهد ساخت.

البته این مشکل به مدیران و مسئولان صداوسیما بر نمی گردد و بیشتر متوجه تهیه کنندگان است زیرا قد و قواره برنامه سازان ما آنقدر کوتاه شده که نمی توانند تشخیص دهند کدام مجری برای فلان برنامه مناسب است.

همچنین اجرای برنامه در تلویزیون و رادیو کاملاً متفاوت است. بسیاری از مجریان موفق رادیو که به تلویزیون آمده اند، در سیما موفق نبوده اند و برعکس این قضیه هم شاید اتفاق افتاده است. شاید افرادی که در رادیو بوده اند، ظاهر مناسبی برای کار در تلویزیون نداشته باشند و بیننده هم نتواند با آنها ارتباط برقرار کند. اما متأسفانه نه برنامه سازان و نه مدیران به این جزئیات توجه نمی کنند و با این سهل انگاریشان رسانه را به بازی می گیرند.

اجرای برنامه تلویزیونی یک کار تخصصی و نیازمند گذراندن دوره های آموزشی است. شناخت از مردم، هوشمندی، درک و پردازش مسائل فرهنگی، اجتماعی، توانایی کارگروهی و شفقت و همدردی با مردم، صدای خوب و داشتن یک چهره متناسب مؤلفه های قطعی یک مجری را شکل می دهد. در سراسر دنیا تقسیم بندی هایی برای مجریان قائل هستند. در سازمان صداوسیما چند درصد تابع این تقسیم بندی ها هستیم؟

که دوست داشته باشد یک برنامه را اجرا کند، در تلویزیون از او استفاده کنند اما در ایران این اتفاق نمی افتد و هر مجری بنا به سلیقه تهیه کننده اقدام به اجرای برنامه ای که خارج از تخصص اوست می کند.

گاهی گمان می رود همین اندازه که گوینده و مجری بتوانند مخاطب را تسخیر کنند، کافی است که بگوئیم آنها ارتباط گران خوبی هستند. اشتباه اینجاست که ارتباط، به درستی تعریف نمی شود. ارتباط رسانه ای مفهومی دو جانبه دارد که با واسطه رسانه شکل می گیرد. ارتباط، ابزار هموار کردن درک متقابل میان گوینده و مردم است و این مهم

دوم ۸ درصد و شش درصد تلویزیون کسانی هستند که از رادیو آمده اند. در تمام دنیا حاکمیت ها رسانه ها را به عنوان ابزاری برای گسترش فرهنگ و یکسان سازی مردم به کار می برند. لازم است که مجریان تلویزیون دسته بندی شده و هر کس در حوزه تخصصی خود کار کند.

در کشورمان مانند کانادا ۴۸ دانشکده هنر ارتباطات فعالیت می کند که از این تعداد ۳۱ دانشکده در زمینه اجرای برنامه های رادیویی و تلویزیونی مشغول تدریس به هنرجویان هستند. هر کس در زمینه خاصی آموزش می بیند و این طور نیست هر کس

نوآوری را با ادا در آوردن اشتباه نگرید

بسیاری از برنامه سازان هم نوآوری را با ادا در آوردن اشتباه می گیرند. به طور طبیعی زمانی که ساختار برنامه ضعیف باشد و با این تفکر ساخته شود، استعدادهایی هم که در زمینه اجرا وجود دارد، می خشکد. در حال حاضر بسیاری از مجریان یا با شیوه تکراری برنامه اجرا می کنند و یا حوزه کار خود را عوض می کنند.

در تلویزیون ایران مجریان به سه دسته مجری بازیگر، مجریان رادیویی که به تلویزیون کوچ کرده اند و تازه کارها تقسیم بندی می شوند که گروه اول ۶ درصد، گروه

مجریان صداوسیما آموزش ندیده اند

فرزاد جمشیدی مجری برنامه های معارفی تلویزیون معتقد است: در بین ۱۶۸ مجری که در صداوسیما مشغول فعالیت هستند، تقریباً می توان گفت برای هیچ کدام از آنها برنامه خاصی از لحاظ آموزش علمی و تخصصی تدارک دیده نشده است.

مجریان یا تصادفی وارد این عرصه می شوند یا برطبق ارتباط های فامیلی برای اجرای یک برنامه انتخاب می شوند و هیچ برنامه ای برای آموزش این افراد از لحاظ علمی در سازمان صدا و سیما تاکنون تدارک دیده نشده است. وی در ادامه مطرح کرد: بیشتر مجریان ما با مطالعه قهر مطلق کرده اند و قلمرو واژگانی آنها نیز از ۵۰ کلمه تجاوز نمی کند. با این حساب در صداوسیما ما مقوله ای به نام آموزش مجری نداریم.

جمشیدی معتقد است: ما باید به بسیاری از مجریان قبل از اجرای برنامه التماس کنیم به موهای خود شانه بزنند. اینها همان هایی هستند که تازه کارند و با پارتی یا به این عرصه گذاشته اند و چون از لحاظ تخصصی و علمی هم گزینش نشده اند، با ظاهرهای نه چندان دلچسب بر صفحه تلویزیون ظاهر می شوند. نتیجه کار همان می شود که می بینیم. تازمانی که به مقوله اجرای برنامه به صورت تخصصی نگاه نشود، به نظر می رسد باید به این نکته اکتفا کرد، فعلاً با این مجریان کنار بیایید تا ببینیم صد سال بعد چه اتفاقی می افتد. متأسفانه فضای تلویزیون طوری شده که بیشتر مجریان در قالب های تکراری و تقلیدی برنامه اجرا می کنند.



مجریان یا تصادفی وارد این عرصه می شوند یا برطبق ارتباط های فامیلی برای اجرای یک برنامه انتخاب می شوند و هیچ برنامه ای برای آموزش این افراد از لحاظ علمی در سازمان صداوسیما تاکنون تدارک دیده نشده است





به بهانه دوبله مجدد سریال از سرزمین شمالی

هنر دوبله ایران در آستانه پیوستن به تاریخ

سالن سینما ببیند. وی یادآور شد: قبلاً دوبلورها در سالن سینما حضور می یافتند و فیلم خود را با تماشاگر می دیدند و بازخورد را بررسی می کردند اما امروز از این حق محروم شده اند و گروهی با این مورد مهم ممانعت می کنند که در واقع ارتباطی به حوزه کاری آنها ندارد اما متأسفانه قدرت دخالت دارند و در نتیجه هنر دوبله از آن زیبایی و استاندارد خود دور می شود. وی با بیان اینکه ممکن است حتی یک دوبلور یک نقش را در یک فیلم برای سه پلتفرم نقش آفرینی کند، اضافه کرد: این وضعیت موجب می شود دوبلور و کار حرفه ای او برند خود را از دست بدهد. با توجه به اینکه دوبله یک کار سفارشی است اگر سفارش دهند نگاه حرفه ای داشته باشد، حاصل کار مطلوب است در غیر این صورت دوبله در حد فارسی کردن فیلم تنزل پیدا می کند.

دوبلورهای حرفه ای فرصت شغلی ندارند

این مدرس گویندگی با اشاره به فعالیت ۳۱ ساله خود، افزود: خیلی ها وارد این حوزه می شوند اما متأسفانه فرصت های شغلی برای دوبلورهای حرفه ای کاهش یافته است. به عنوان مثال از سال ۱۴۰۰، حدود ۶۰ نفر دوبلور تربیت کردیم که متأسفانه بلافاصله با موج بیکاری مواجه شدند.

قطعه ای تأکید دارد که برخی مؤسسات خارج از صداوسیما به دلیل اینکه می خواهند هزینه تمام شده کار از رزان تر شود، از افرادی بی شناسنامه استفاده می کنند، مانند اینکه به جای خرید از یک فروشگاه معتبر، کالایی از دستفروش خریداری شود. نتیجه این می شود که به دلیل نبود نظارت بر فعالیت این افراد، افراد حرفه ای به حاشیه رانده می شوند و این طور به نظر می رسد که دوبلورهای متبحری از سوی نسل طلایی دوبله تربیت نشده اند.

وی تأکید کرد: نتیجه این روند فقط فعالیت افرادی است که گاهی حتی دستمزد نمی گیرند و کار می کنند که کاری انجام داده باشند که بدین ترتیب خروجی کار هم استاندارد و آن زیبایی هنری را ندارد. در نتیجه افراد حرفه ای در چنین شرایطی دلسرد می شوند.

وزارت ارشاد جلوی این وضعیت را بگیرد

مدیر دوبلاژ همچنین با اشاره به اینکه روند کار دوبله در صداوسیما به واسطه سابقه این سازمان کاملاً مشخص است، در پاسخ به وضعیت دخالت وی اودی ها در هنر دوبله اضافه کرد: وی اودی ها امروز جایگزین ویدیورسانه های قبل شده اند و وضعیت دوبله در این تحت تأثیر قرار داده اند. به گفته قطعه ای در صورتی که وی اودی هنرمندان فکر کنند به زبان فارسی و تربیت نسل جدید رسالتی قائل باشند، بی شک از نیروهای متخصص استفاده می کنند. به عنوان مثال در انیمیشن که مخاطب کودک و نوجوان است، به دلیل اینکه با تربیت نسل مواجه است، دست به عصاره رفتاری می کند اما آن هایی که سفارشی کار می کنند و خطوط را رعایت نمی کنند، موجب می شوند که دوبله های غیراستاندارد وارد بازار شود.

وی با بیان اینکه وزارت ارشاد باید جلوی این وضعیت را بگیرد، افزود: مشخص نیست چرا وزارت ارشاد اهمیتی به از بین رفتن هنر دوبله نمی دهد و اگر همین وضعیت ادامه یابد، چیزی از این هنر باقی نخواهد ماند و در واقع افراد حرفه ای دیگر قادر به فعالیت در این حرفه نخواهند بود. این هنرمند با اشاره به اینکه بویژه بعد از دوران کرونا افرادی وارد این حوزه شدند که نگاه حرفه ای نداشتند، ادامه داد: متأسفانه این روند موجب شده تا دوبله به هنر موزه ای تبدیل شود.

سرپرست گویندگان سریال از سرزمین شمالی همچنین در خصوص این اثر نمایشی تصریح کرد: این سریال در سال های ۹۵ و ۹۶ توسط حسین عرفانی دوبله شده بود و برای بار دوم در حال دوبله است.

وی با بیان اینکه این فیلم یک ملودرام اجتماعی است، اضافه کرد: هر چند ارتباط زیادی با شرایط فعلی جامعه ندارد اما از فیلم های محبوب دهه ۶۰ بود که شاید به دلیل تجدید خاطره دوبله و پخش مجدد آن مورد توجه قرار گرفته است.

پخش دوباره سریال از سرزمین شمالی با دوبله جدید فرصتی دست داد تا وضعیت یکی از هنرهای غنی عرصه سینما در کشور مورد بررسی قرار گیرد. از سرزمین شمالی که سریال محبوب دهه ۶۰ و ۷۰ از تلویزیون ایران بود، به سرپرستی شروین قطعه ای مجدداً در حال دوبله و پخش است. این سریال روایتگر زندگی فردی به نام گورو و دو فرزندش جان و هوتارو است که پس از جدایی اواز همسرش، به هوکایدو نقل مکان می کند و در آنجا با اتفاقات غیرمنتظره ای روبه روی می شود. این مجموعه تلویزیونی محصول ژاپن ساخته سال های ۱۹۸۱ تا ۲۰۰۲ که در ایران دوبله فارسی این سریال فصل اول آن از شبکه اول سیما جمهوری اسلامی ایران و فصل دوم آن از شبکه تماشا پخش شده است. سریال با نام هایی که پسر به همکلاسی سابقش، دختری به نام کیکو، در توکیو می نویسد و با خواندن نامه ها توسط خود جان دنبال می شود. پس از مدت کوتاهی، خاله فرزند گورو، زن تحصیل کرده ای به نام یوکیکو، به آنها ملحق می شود. آهنگ معروف این سریال ساخته ماساشی سادا آهنگساز، خواننده و شاعر ژاپنی است.

در هفتم سپتامبر سال ۲۰۰۲ آخرین قسمت سریال از تلویزیون ژاپن پخش و تاریخ ۲۰ ساله پخش تلویزیونی این سریال که از سال ۸۱ میلادی آغاز شده بود برای همیشه به پایان رسید. امروزه دهکده ای که این سریال در آن ساخته شده، تبدیل به نمایشگاهی برای بازدید عموم شده است. دوبله و پخش مجدد این سریال بهانه ای شد که پای صحبت های شروین قطعه ای صدایش، مدیر دوبلاژ و مدرس گویندگی ایرانی و سرپرست گویندگان این فیلم بنشینیم و از وضعیت این هنر مطلع شویم.

فناوری و صنعت دوبله در کشور از سال ۱۳۲۵ یعنی پانزده سال بعد از شروع دوبله در جهان، آغاز شده و دکتر اسماعیل کوشان بنیانگذار صنعت دوبله در ایران است که با تلاش های وی دوبله برای اولین بار وارد ایران شد. اسماعیل کوشان برای اولین بار در سال ۱۳۲۵ فیلم فرانسوی معروفی به نام دختر فراری را با دوبله فارسی در سینما کریستال در تهران به نمایش گذاشت. فیلم دختر فراری در کشور ترکیه دوبله شده زیرا در ایران استودیو و تجهیزات لازم برای دوبله وجود نداشت. امروز با گذشت چند دهه و با وجود از دست رفتن چهره های هنرمند عرصه دوبله کشور، هنوز رگه هایی از هنر توانمندی در دوبله ایران برقرار است. گروهی از تربیت یافته های نسل طلایی دوبله ایران معتقدند، این هنر به واسطه فارسی سازی و استفاده از افرادی بی نام و نشان به مشکلات جدی گرفتار شده و نیازمند حمایت و پشتیبانی نهادهای فرهنگی است. به گفته قطعه ای، در انتخاب فیلم ها برای دوبله، دوبلورها هیچ نقشی ندارند و این واحد دوبلاژ و پلتفرم ها هستند که در واقع دوبله فیلمی را سفارش می دهند. اگر در این مرحله برخورد حرفه ای وجود داشته باشد، از دوبلورهای حرفه ای استفاده می شود زیرا در غیر این صورت شاهد بروز و ظهور افرادی خواهیم بود که شناخت درستی از دوبله ندارند و نمی توانند تولید استاندارد داشته باشند.

سینما را از دوبله گرفتند

وی تصریح کرد: بعد از انتخاب فیلم آنچه اهمیت دارد ترجمه درست از فیلم است. مدیر دوبلاژ با بررسی ترجمه، دیالوگ ها را تنظیم و به لحاظ حس و حال فیلم نسبت به بازویسی و انتخاب گوینده اقدام می کند و متن ها به گوینده ها تحویل می شود.

وی با اشاره به فعالیت نسل طلایی دوبله در ایران اضافه کرد: یکی از موضوعاتی که مقوله گویندگی را به شکل نامناسبی تحت تأثیر قرار داد، گرفتن سینما از آن است. در واقع نسل قدیم دوبله ایران از طریق اکران فیلم در سینما برجسته شده بود و متأسفانه این اقبال از دست رفته، چرا که دوبله یک هنر سینمایی است.

«قطعه ای» با اشاره به اینکه به عنوان مثال در دوبله فیلم اوپنهایمر نقش داشته اما اکران آن انجام نشد، اضافه کرد: اینکه سالن سینما را از دوبله گرفتند، آسیب جدی به آن وارد کرد. این در حالی است که این حق مخاطب است که فیلم های روز دنیا را با دوبله استاندارد در



زنوش بیهود
روزنامه نگار

هنری که بیش از هفت دهه برای پرورش و بالندگی آن در کشور تلاش شده است، این روزها به اذعان فعالان آن به دلیل ضعف های برنامه ریزی روبه نابودی و در آستانه پیوستن به تاریخ است.

شروین قطعه ای و استاد پرویز بهرام



سریال از سرزمین شمالی

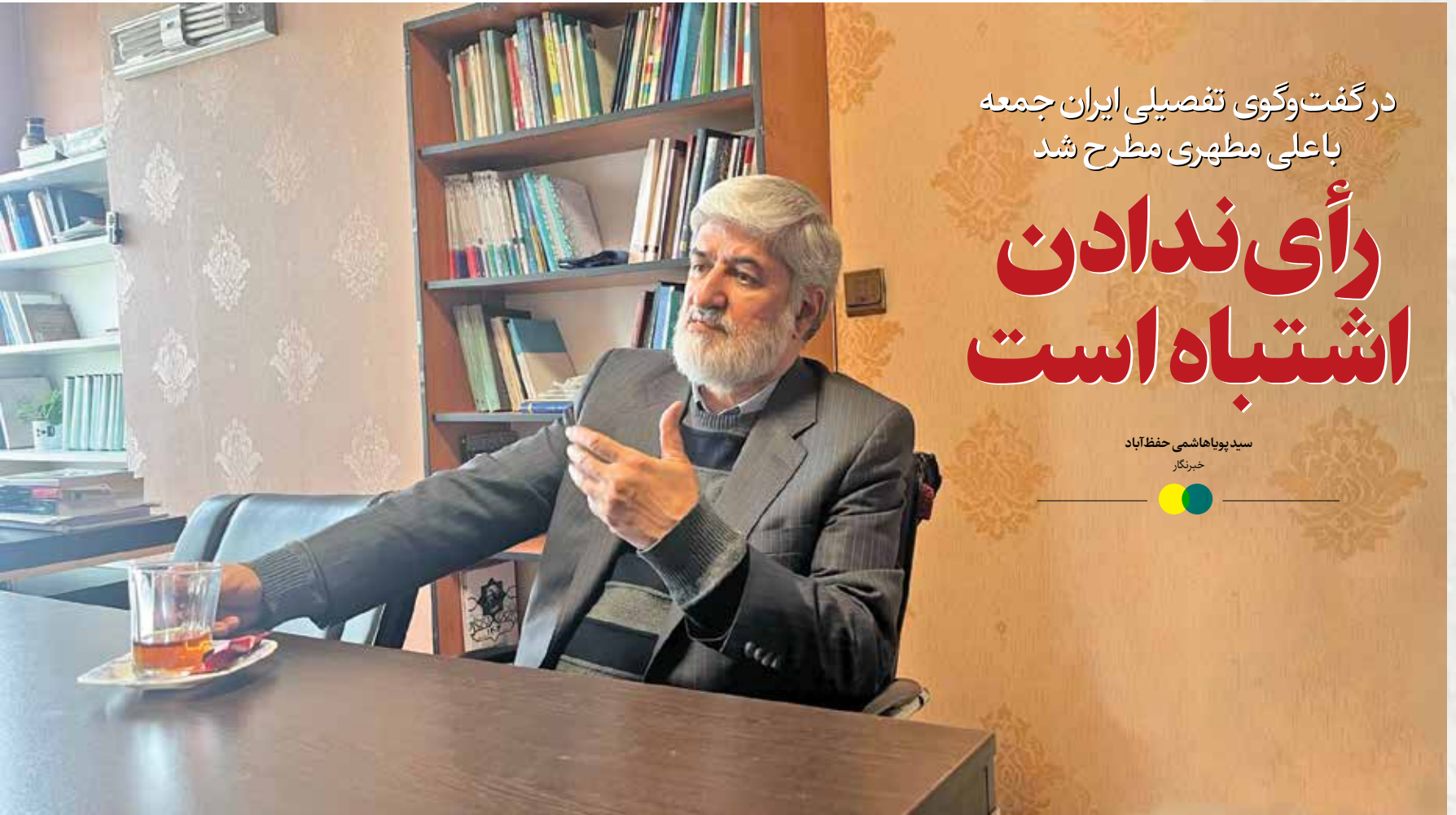


گفت و گو

در گفت‌وگوی تفصیلی ایران جمعه
با علی مطهری مطرح شد

رأی ندادن اشتباه است

سید پویا هاشمی حفظ آباد
خبرنگار



بدیل آنها به شمار می‌روند که به تربیت نیرو برای امور مانند امور سیاسی کشور می‌پردازند و نیروهای خود را در معرض رأی و انتخاب مردم قرار می‌دهند تا بر این اساس گروه‌های مختلف به کارزار انتخاباتی وارد شوند و با رأی خود در تعیین سرنوشت کشور نقش آفرینی کنند.

احزاب سرمایه اجتماعی کشور

به باور متخصصان، نقش احزاب برای مشارکت حداکثری مردم در انتخابات غیرقابل انکار است، چرا که عرصه رقابت‌ها را از شکل فردی خارج کرده و مردم را به سمت انتخاب آگاهانه هدایت می‌کند. احزاب باید به این مهم دست یافته باشند که تلاش برای جلب حداکثری مشارکت سیاسی مردم در امر انتخابات و وظیفه همگان است و در این بین خانه احزاب می‌تواند نقش همدلانه بین طیف‌های مختلف داشته باشد و بستر حضور حداکثری مردم را فراهم کند.

احزاب با توجه به دربرگیری جمعیت مخاطب خود می‌توانند بر شور انتخاباتی و تقویت سرمایه اجتماعی مؤثر باشند و برای تحقق این راهبرد این امکان را دارند تا داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی را مورد حمایت خود قرار دهند. بی تردید اگر احزاب نقش خود را در انتخاب آگاهانه مردم به خوبی ایفا کنند، امتیازات مناسبی برای نظام جمهوری اسلامی در بر خواهد داشت. امنیت، سلامت، رقابت و مشارکت چهار رویکرد مدنظر در انتخابات ۱۱ اسفند ۱۴۰۲ و پیرو منویات رهبر معظم انقلاب بوده و

احزاب باشگاهی برای تربیت نیروی سیاسی کشور

میزان مشارکت در انتخابات مجلس به غیر از متغیرهای سیاسی کلان اغلب تحت تأثیر موضوعات و مسائل محلی قرار می‌گیرد. متغیرهایی که عموماً سبب می‌شود میزان مشارکت در هر منطقه تابعی از اقتضات و مناسبات محلی خاص آن حوزه انتخابی باشد و از این رو تحلیل رفتار انتخاباتی رأی‌دهندگان در انتخابات مجلس، اغلب تبدیل به مسأله‌ای پیچیده و از جهت تحلیلی ناهموار می‌شود.

در شرایطی که رهبر انقلاب، علاج دردهای مزمن کشور را در پرشور بودن انتخابات و حضور مردم در صحنه تعیین سرنوشت عنوان می‌کنند، گویا تلاش‌هایی خلاف جهت تقویت مشارکت مردمی در جریان است که به عقیده کارشناسان سیاسی باید آسیب‌شناسی شده و برای آن راهکار جدی ارائه شود.

البته در این میان نقش احزاب و گروه‌های مختلف را نباید کنار گذاشت. حزب به عنوان یک اجتماع سیاسی سازمان یافته با اصول، مرام و مسلک و رویکرد مشخص، از فرآورده‌های نظام‌های دموکراتیک است و بر این پایه، احزاب باید به وحدت و انسجام جامعه کمک و با پایبندی به اصول اسلامی در زمینه حفظ هویت اسلامی، شناخت مشکلات و تهدیدات و آسیب‌های درونی و بیرونی برای معنابخشی به کارکردهای حزبی تلاش کنند و یکی از میدان‌های نقش آفرینی احزاب عرصه انتخابات است. احزاب در دنیای مدرن، سایه دولت‌ها و

انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی و ششمین دوره مجلس خبرگان رهبری روز ۱۱ اسفند سال جاری برگزار می‌شود. پس از اتمام مهلت بررسی صلاحیت‌های داوطلبان انتخابات مجلس شورای اسلامی در هیأت‌های نظارت استانی و هیأت مرکزی نظارت بر انتخابات شورای نگهبان به بررسی صلاحیت‌ها پرداخته شد. اکنون در آستانه روز انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی قرار داریم. سخنگوی شورای نگهبان در روزهای اخیر از تأیید صلاحیت بیش از هزار نفر از داوطلبانی که در مراحل قبل رد صلاحیت و عدم احراز صلاحیت شده بودند، خبر داده بود و در روزهای گذشته نیز گفت که بیش از ۵۵۰ داوطلب دیگر انتخابات دوازدهمین دوره مجلس شورای اسلامی توسط شورای نگهبان تأیید صلاحیت شدند. طحان نظیف همچنین در تاریخ ۱۵ بهمن نیز گفت: بیش از ۷۵۰ نفر دیگر از داوطلبان نمایندگی مجلس شورای اسلامی تأیید صلاحیت شدند و تعداد داوطلبان به بیش از ۱۴ هزار و ۲۰۰ نفر رسیده است. با اطلاع داوطلبان از نتایج بررسی صلاحیت‌ها، تنور انتخابات در حال گرم شدن است و نماینده‌های برخی از جریان‌ها و احزاب سیاسی با اظهار نظرهای مختلف و شرکت در مناظره‌های دانشگاهی و رسانه‌ای به دنبال مطرح کردن برنامه‌های انتخاباتی خود هستند.



اثر و درصد مشارکت
یک ملت همیشه
نشانه پایگاه
اجتماعی نظام
سیاسی کشور
است. اگر مشارکت
بالا باشد معلوم
می‌شود که آن نظام
از یک پشتوانه
خوب مردمی
برخوردار است و
اگر پایین باشد این
مسأله دچار ابهام
و سؤال برانگیز
می‌شود

اثر و درصد مشارکت یک ملت همیشه نشانه پایگاه اجتماعی نظام سیاسی کشور است. اگر مشارکت بالا باشد، معلوم می‌شود که آن نظام از یک پشتوانه خوب مردمی برخوردار است و اگر پایین باشد، این مسأله دچار ابهام و سؤال برانگیز می‌شود



در سه دوره اخیر مجلس شورای اسلامی به هر دلیل مجلس به نحوی از جایگاه خودش در قانون اساسی تنزل پیدا کرده است؛ یعنی مادر کنار مجلس شوراها می‌باشد، معلوم می‌شود که آن نظام از یک پشتوانه خوب مردمی برخوردار است و اگر پایین باشد، این مسأله دچار ابهام و سؤال برانگیز می‌شود

خودش در قانون اساسی تنزل پیدا کرده است؛ یعنی ما در کنار مجلس شوراها می‌داریم که آنها هم اقدام به قانونگذاری می‌کنند. در بازه‌ای شورای سران قوا تشکیل شد که قرار بود در ابتدای امر یک شورای موقت برای دور زدن تحریم‌های دوره ریاست جمهوری ترامپ در امریکا باشد اما به مرور دبیرخانه تشکیل داد و یک امر دائمی شد. مثلاً در مجمع تشخیص مصلحت نظام یک شورای نظارتی وجود دارد که مصوبات مجلس را از نظر انطباق با سیاست‌های کلی نظام بررسی می‌کنند. این در صورتی است که تا چند سال گذشته چنین چیزی نداشتیم و طبق قانون اساسی، مصوبات مجلس شورای اسلامی را صرفاً شورای نگهبان می‌تواند از نظر انطباق با شرع اسلامی و قانون اساسی بررسی کند. این مسائل مواردی است که باعث تضعیف مجلس شده تا از جایگاه اصلی در قانون اساسی پایین بیاید.

رأی اعتراضی، راهی برای حل وضع موجود

همچنین در رابطه با اعتراضات سال گذشته و نوع برخورد مسئولان با این اعتراضات باعث ناراحتی مردم شده است. این عوامل در مجموع باعث شده تا عده‌ای به این فکر باشند که رأی ندهند. اگر تمام مسائل را با هم نگاه کنیم، به این نتیجه می‌رسیم که تمام این موارد و همچنین مسائل منطقه‌ای همچون مسأله غزه، اهمیت انتخابات مجلس شورای اسلامی را افزایش می‌دهد. مسأله جنگ غزه از آن جهت اهمیت دارد که چون ایران هم به نوعی درگیر در موضوع غزه است و اگر غربی‌ها ببینند که نظام جمهوری اسلامی از پشتوانه خوبی برخوردار است، در مواضع آنها درباره جنگ غزه هم مؤثر خواهد بود.

مجلس هشتم، تابوی ریاست جمهوری را شکست

به هر حال من معتقدم آن افرادی که بر این عقیده هستند که رأی ندهند، اشتباه می‌کنند. رأی ندادن به هیچ وجه باعث اصلاح امور و بهبود وضعیت نمی‌شود بلکه شرایط بدتر می‌شود. اگر این افراد اعتراض دارند که چرا برخی افراد به اصطلاح تندرو اختیار امور را در دست گرفتند، باید گفت رأی شما می‌تواند یک گروه معتدل را سرکار بیاورد. افرادی که به شرایط موجود اعتراض دارند، می‌توانند با رأی اعتراضی، اعتراض خودشان را در راستای اصلاح بیان کنند.

شما در میان گفت‌وگو بیان کردید که در سه دوره گذشته، مجلس از آن جایگاهی که داشت، تنزل کرده است؛ به نظر شما بهترین دوره از ادوار مجلس کدام دوره بوده است؟

برخی دوره‌ها یک برجستگی خاصی داشتند. مثلاً مجلس ششم از نظر پرداختن به حقوق مردم و حمایت از آزادی بیان برجسته بود اما ممکن است در این مسیر تدریجی‌هایی هم شده باشد. مجلس‌های اول تا چهارم

این کشور جمهوری است و این جمهوریت با محتوای اسلامی ارائه می‌شود. در این مدل حاکم مثلاً هر چهار سال یکبار انتخاب می‌شود و این انتخاب به وسیله ملت است و محتوای اسلامی از طریق شورای نگهبان و ولایت فقیه ناظر است تا جامعه از مسیر اسلام خارج نشود.

با توجه به شرایطی که در حال حاضر کشور از لحاظ مسائل بین‌المللی و سیاست داخلی درگیر است، مشارکت در انتخابات پیش روی مجلس شورای اسلامی چه ضرورت و اهمیتی دارد؟

اثر و درصد مشارکت یک ملت همیشه نشانه پایگاه اجتماعی نظام سیاسی کشور است. اگر مشارکت بالا باشد، معلوم می‌شود که آن نظام از یک پشتوانه خوب مردمی برخوردار است و اگر پایین باشد، این مسأله دچار ابهام و سؤال برانگیز می‌شود. در مورد ایران این مسأله کمی متفاوت‌تر است. در رابطه با کشورهای دیگر که حساسیت کمتری نسبت به آنها هست، ممکن است مشارکت پایین راهم خوب تلقی کنند؛ اما درباره ایران که برخی کشورها منتظر حمله به ایران هستند، میزان مشارکت مهم است و جایگاه این نظام در دنیا را تثبیت می‌کند.

کشورهای متخاصم اگر احساس کنند نظام جمهوری اسلامی از یک پشتوانه محکم مردمی برخوردار است، از نقشه‌هایی که برای تضعیف جمهوری اسلامی در سر دارند تجدید نظر می‌کنند. این میزان مشارکت در نوع برخورد غرب با کشور ایران مؤثر خواهد بود. امروزه ما به دلیل دو انتخابات قبلی در شرایط ویژه‌ای قرار گرفته‌ایم و فشار اقتصادی، تورم و گرانی‌هایی که بر مردم کشور وارد شده باعث نارضایتی در برخی لایه‌های جامعه شده.

تنزل جایگاه مجلس در دوره‌های اخیر

در سه دوره اخیر مجلس شورای اسلامی به هر دلیل مجلس به نحوی از جایگاه

علی مطهری، در آستانه برگزاری انتخابات نهمین دوره مجلس شورای اسلامی و پس از عدم حضور در لیست جبهه متحد اصولگرایان، چون علی عباسپور و حمیدرضا کاتوزیان، ائتلافی با عنوان «صدای ملت» تشکیل داد و اقدام به ارائه یک فهرست انتخاباتی با عنوان جبهه صدای ملت کرد. حالا در دوازدهمین دوره انتخابات مجلس شورای اسلامی، علی مطهری معتقد است میزان مشارکت می‌تواند در تصمیمات قدرت‌های غربی و شرقی علیه ایران تأثیر داشته باشد به همین دلیل مردم باید بدون در نظر گرفتن حضور یا عدم حضور افراد و جریان‌های سیاسی در انتخابات شرکت کنند.

انتظار این است احزاب که نماینده خود را برای اداره جامعه و نشستن بر کرسی بهارستان نامزد می‌کنند در این زمینه برنامه و راهکار داشته باشند. به اعتقاد برخی کارشناسان اگر نمایندگان احزاب معرفی شوند، بعد از بیان هر موضوع در مجلس شورای اسلامی، بحث را در احزاب که از متخصصان حوزه‌های مختلف در آن حضور و آن را تشکیل داده‌اند مطرح کرده و با بررسی همه جوانب در مجلس اعلام نظر می‌کنند و به این ترتیب احزاب نقشی مهم در پیشرفت کارها و تقویت سرمایه اجتماعی دارد.

در ادامه برای بررسی بهتر نقش احزاب در انتخابات‌های متعدد و همچنین مسأله میزان مشارکت و آثار درصد مشارکت ملت در انتخابات ایران با علی مطهری، به گفت‌وگو نشستیم.

علی مطهری معتقد است میزان مشارکت می‌تواند در تصمیمات قدرت‌های غربی و شرقی علیه ایران تأثیر داشته باشد به همین دلیل مردم باید بدون در نظر گرفتن حضور یا عدم حضور افراد و جریان‌های سیاسی در انتخابات شرکت کنند.

شما به عنوان شخصی که در جایگاه‌های مختلف در کشور نقش داشتید، ترکیب جمهوریت و اسلامیت نظام از لحاظ تئوری و نظری در فضای انتخاباتی را چگونه تحلیل می‌کنید؟ با توجه به شرایطی که کشور دارد شما این مسأله را چگونه می‌بینید؟

این موضوع صرفاً مرتبط با انتخابات نیست و یک موضوع اساسی در کشور است. باید ببینیم که آیا ترکیب جمهوریت با اسلامیت قابل جمع است یا خیر؟ باید ببینیم که این ترکیب و اجتماع را در چه کشوری به کار می‌بریم. از ابتدای پیروزی انقلاب هم این موضوع مطرح بود و عده‌ای در کشور معتقدند بودند که این دو مؤلفه با یکدیگر قابل جمع نیست. آنها می‌گفتند یا جمهوری یا اسلامی و از نظرشان جمع این دو امکان‌پذیر نبود. این مهم در صورتی بود که ما معتقدیم در یک کشوری که اکثریت مردمش مسلمان نباشند و اسلام را قبول نداشته باشند، ترکیب جمهوریت با اسلامی نادرست است و با هم قابل جمع نیستند؛ اما در یک کشوری مثل ایران که اکثریت قاطع مردم مسلمان هستند و اعتقاد به اسلام دارند، این ترکیب قابل تحقق و درست است. ترکیب دو مؤلفه جمهوریت و اسلامی به این معنی است که شکل و قالب



ترکیب دو مؤلفه جمهوریت و اسلامی به این معنی است که شکل و قالب این کشور جمهوری است و این جمهوریت با محتوای اسلامی ارائه می‌شود

جمعه

ایران

• مدیر مسئول: محمدحسن روزی طلب
• سردبیر: محمدصادق علیزاده
• معاون فنی: محمدملاعلی اکبری
• دبیر تحریریه: ونوس بهنود
• دبیران:
• سید پویا هاشمی (گزارش و گفت‌وگو)
• صادق رخ‌فرد (تاریخ)

• محمدعلی یزدانبار (کتاب)
• آیه طائبی (زندگی)
• فاطمه سادات رضوی (طنز)
• فرناز اینانلو (زنان)
• زینب فروزنده (زوم)
• فاطمه کهربایی (فرهنگ)

• تلفن: ۸۸۷۶۱۷۲۰؛ شماره: ۸۸۷۶۱۲۵۴؛ ارتباط مردمی: ۸۸۷۶۹۰۷۵
• پیامک: ۳۰۰۰۴۵۱۲۱۳؛ روابط عمومی
• نشانی: تهران خیابان خرمشهر، شماره ۲۰۸
• صندوق پستی: ۱۵۸۷۵-۵۳۸۸
• انتشارات مؤسسه فرهنگی مطبوعاتی ایران:
۸۸۵۴۸۸۹۲-۵

را نمی‌توانم قضاوت کنم زیرا اطلاع دقیقی از کارنامه فعالیت‌شان ندارم. مجلس هفتم از لحاظ کارشناس اقتصادی قابل قبول بود. مجلس هشتم هم به مسائلی پرداخت که تا آن دوره به آن مسائل پرداخته نشده بود. مسأله سؤال از رئیس‌جمهور اولین بار در مجلس هشتم مطرح شد. مجلس هشتم تابو ریاست‌جمهوری را شکست و عده‌ای در همان زمان هم می‌گفتند در این رابطه از رهبری بپرسیم که موافق هستند یا مخالف. اما این مسأله از مسئولیت نمایندگان مجلس بود. به هر حال اگر بخواهیم قضاوت عادلانه کنیم، باید کارنامه تمام دوره‌ها را مرور کنیم. در بین صحبت‌ها شما به تأثیر مشارکت پایین مردم در انتخابات و اتفاقات بعد از آن اشاره کردید؛ شما به عنوان شخصی که چندین سال در جایگاه‌های مختلف در نظام جمهوری اسلامی دخیل بودید، به صورت مصداقی اشاره کنید که چه اتفاقاتی ممکن است در صورت پایین بودن مشارکت برای کشور رقم بخورد؟

یکی از این اتفاقات توافقی است که بین ایران و غربی‌ها برای رفع تحریم‌ها در جریان است و فعلاً معلق شده است. اینها اگر احساس کنند که نظام جمهوری اسلامی از پشتوانه کافی برخوردار نیست، میل کمتری به مذاکره با ایران پیدا می‌کنند. آنها اگر احساس کنند نظام تضعیف شده است، ممکن است بر تحریم‌ها اضافه کنند تا زودتر به اهداف برسند.

مشارکت مردم، مؤثر در موضع‌گیری غربی‌ها

غربی‌ها اگر احساس کنند که نظام از سمت مردم حمایت می‌شود و نظام دموکراتیک رأس کار قرار دارد، امکان همکاری غربی‌ها و رفع تحریم‌ها محتمل است.

نقش و جایگاه احزاب و گروه‌های سیاسی را در مسأله انتخابات چطور ارزیابی می‌کنید؟

البته ما در کشور ایران احزاب قوی و فراگیر نداریم. در ایران احزاب از لحاظ تعداد مناسب است اما برخی صرفاً روی کاغذ هستند و پایگاه اجتماعی ندارند. اگر ما در ایران دو یا سه حزب قوی و فعال داشتیم شاید شرایط پویایی رقم می‌خورد. همین مقداری هم که هست در گروه‌ها و احزاب سیاسی مختلف هوادارانی دارند که اگر همین تعداد هواداران خودشان را ترقیب کنند، می‌توانند فضای انتخاباتی را گرم کنند و انگیزه مشارکت را در مردم بیشتر کنند. احزاب کشور قطعاً نقش خواهند داشت. با توجه به شرایطی که الان حزب‌های قوی نداریم که مثلاً دو حزب قوی یک دوقطبی سیاسی در جامعه ایجاد کنند تا مشارکت بالاتر برود، اما در حال حاضر چنین حالتی برای ما متصور نیست.

ولایت فقیه و احزاب سیاسی منافقانی ندارند

افرادی که مثل شما سابقه فعالیت سیاسی و حضور در جایگاه‌های حساس در سطح کشور را داشتند، همگی

به این مسأله می‌رسند که باید چند حزب استخوان‌دار و قرص در کشور فعالیت داشته باشند. در رابطه با این موضوع توضیح بفرمایید که آیا مشکل تحزب‌گرایی در کشور وجود دارد یا اینکه شخصیت‌های سیاسی نمی‌توانند در یک حزب کنار یکدیگر قرار بگیرند؟ از نظر من این مسأله به دو علت برمی‌گردد. یکی از این علل سابقه احزاب در کشور است که برخی از احزاب سابقه خوبی نداشتند و مردم از آنها خاطرات خوبی ندارند. شما حزب توده را در نظر داشته باشید، حزب فراگیر و قوی توده، یک حزب کمونیستی بود که مخالف مذهب بود و مردم ایران شاهد سابقه خوبی از آنها نبودند. در کنار این ما حزب جمهوری اسلامی را هم

را دارد. مردم ایران به علت اینکه اکثریت مسلمان هستند، معمولاً در مجموع نظر ولی فقیه را انتخاب می‌کنند. به هر حال این علل و این مسأله برای تشکیل حزب هیچ منافقانی با محوریت ولی فقیه در جامعه ندارد.

رد صلاحیت‌ها بهانه‌ای برای کم‌کاری احزاب سیاسی

شما به نقش احزاب در انتخابات و پر شور کردن فضای انتخاباتی کشور اشاره کردید و معتقد هستید که مهم است اما شاهد بودیم که در انتخابات پیش رو برخی از جبهه‌ها لیستی ارائه ندادند. آیا این عدم ارائه لیست می‌تواند به نوعی تشویق برای عدم مشارکت باشد؟

مردم باشد. شاید این اقدام یک روزنه‌ای باز کند تا زمینه‌ای برای تغییر و اصلاح امور پیدا شود.

به نظر شما به عنوان شخصی که در جایگاه نمایندگی مجلس در ادوار مجلس شورای اسلامی حاضر بودید، هر کدام از بخش‌های مختلف نظام در خصوص بالا بردن مشارکت باید چه اقداماتی انجام دهند؟

اگر دولت یک برنامه‌ای داشت که از چند ماه گذشته اقدامی می‌کرد تا مقداری قیمت‌ها کنترل می‌شدند و مردم احساس می‌کردند که گشایش اقتصادی پیدا شده و امیدی هست تا سر و سامانی به وضع زندگی مردم بدهد، در این صورت مشارکت خیلی



بهبتر بود. این مشکلات گرانی و تورم مردم را ناراحت کرده و دولت تا الان نتوانسته جلوی این قضیه ایستادگی کند.

البته سایر نهادها هم می‌توانند در حوزه خودشان اقدامی کنند که مردم را در مشارکت تشویق کند. مثلاً قوه قضائیه نتیجه رسیدگی به برخی از فسادهای مالی را اعلام کند در مشارکت مردم مؤثر است. اینکه اعلام شد اموال بابک زنجانی به کشور برگشت، مردم را خوشحال کرد. مردم متوجه می‌شوند که کسی هست پیگیر امور آنها باشد. اگر مجلس شورای اسلامی مصوباتی داشت که بازنشستگان یا معلمان دلخوش می‌شدند یا مثلاً در موضوع مالیات‌ها سختگیری زیادی نشود، مردم را به مشارکت تشویق می‌کند. این مدل اخبار از مبارزه با فساد یا برخورد با مفسدین و یا حتی اقدامات مهم دولت تأثیر خیلی زیادی دارد تا مردم بدانند نظام و ملت یکسان هستند.

برخی گروه‌های سیاسی معتقدند که ما به اندازه کافی کاندیدای مورد نظر نداریم تا بتوانیم یک لیستی را برای مردم ارائه کنیم. در واقع به نحوه بررسی صلاحیت‌ها انتقاد داشتند و اینکه تعداد زیادی رد صلاحیت شدند. این احزاب معتقدند بیشتر افراد مدنظر ما رد صلاحیت شدند و بنابراین نمی‌توانیم لیستی ببندیم.

خب این افراد که ذکر کردم دو گروه هستند؛ برخی می‌گویند در انتخابات شرکت می‌کنیم ولی لیست نمی‌دهیم ولی گروه دیگری حتی قصد شرکت در انتخابات را هم ندارند.

به هر حال در میان افراد تأیید صلاحیت‌شده، افراد شایسته، معتدل و عقل‌گرا وجود دارند و اینطور نیست که دست‌ما بسته باشد.

باید از حداقل امکانات استفاده کرد و لیستی ارائه کرد تا باعث افزایش مشارکت

داشتیم که حاصل پیروزی انقلاب اسلامی و شور و شوق اول انقلاب بود و خیلی به نوع طبیعی و پله‌پله رشد نکرد. آن هیجانات اول انقلاب باعث شد تا هواداران بسیار زیادی داشته باشد ولی بعد از دورانی آرام آرام تنزل پیدا کرد و در آخر تعطیل شد.

یکی دیگر از علل، مسأله ولایت فقیه است. برخی معتقدند وجود حزب با وجود ولایت فقیه جور نیست. این افراد معتقدند خب اگر ما حزبی تأسیس کردیم و نظراتی خلاف نظر ولی فقیه داشتیم، باید چگونه اقدام کنیم؟ آیا می‌توان نظرات را اعلام کرد یا خیر؟ این علت مشهود است که احساس می‌کنند دستشان خیلی باز نیست و تشکیل حزب باید منطبق با سیاست کلی نظام باشد.

این در حالی است که نباید مشکلی باشد و تمام احزاب باید نظراتشان را واضح اعلام کنند. طبیعتاً ولی فقیه هم نظرات خودش



مجلس هشتم هم به مسائلی پرداخت که تا آن دوره به آن مسائل پرداخته نشده بود. مسأله سؤال از رئیس‌جمهور اولین بار در مجلس هشتم مطرح شد. مجلس هشتم تابو ریاست‌جمهوری را شکست